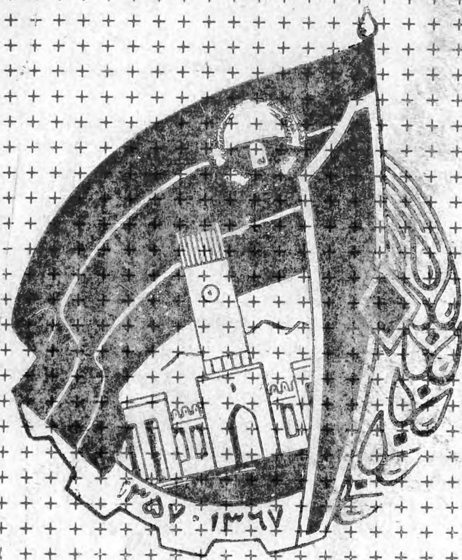


تاریخ خرقهٔ شریفه قندهار

تألیف

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی

«خطاط هفت قلمی» کارمند شایسته فرهنگ

- نام کتاب: تاریخ خرقهٔ شریفه قندهار
- تألیف: عزیز الدین وکیلی پوپلزایی
- ناشر: مرکز تحقیقات علوم اسلامی
- اهتمام: محمد گل «رامز» وشمس الحق «فضلی»
- چاپ اول: سال ۱۳٤۳
- چاپ دوم: سال ۱۳٦۷
- تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
- جای چاپ: مطبعهٔ دولتی
- شماره مسلسل: (۳)

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

مدیریت عمومی نشرات

تاریخ خرقهٔ شریفه

قندهار



تألیف

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی

طبع دوم

کابل - ۱۳۶۷

اهداء

تاریخ خرقهٔ شریفهٔ (قندهار) را که دفعهٔ دوم در عهدجمهوری افغا نستان و مصادف به دورهٔ اعلان صلح و آشتی ملی ازطرف مرکز تحقیقات علوم اسلامی در مطبعه دولتی ذینت چاپ یافته است. به عموم عالم اسلام وملت مسلمان افغا نستان به ویژه به دوستداران صلح ، ترقی وعدالت اجتماعی اهداء میکنم .

(عزیز الدین وکیلی پوپلزایی)

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
تعیین اوقاف	۷۸
فرمان شاه شجاع ...	۷۹
وقف نهر روضه باغ برای خرقهٔشریفه .	۸۲
فرمان شاه شجاع ...	۸۳
دو باب کار بانسرا ...	۸۵
فرمان شاه‌محمود درانی	۸۶
فرمان شجاع الملك .	۸۸
فصل دوم	
اجمال واختصار معلومات ...	۹۰
فرمان شیر علیخان ...	۱۰۲
خرقه شریفه وموی مبارك	۱۰۴
مسجد موی مبارك	۱۰۷
هدیهٔ دروازهٔ نقره	۱۰۸
ترمیم عمارت خرقهٔ شریفه .	۱۱۰
خدمت در راه صلح .	۱۱۲
بیانات غازی امان الله شاه ...	۱۱۴
اهداء پوش جدید ...	۱۲۶
شرفیابی امان الله شاه به ...	۱۲۸
ده نماز جمعه در مسجد جا مع خرقه شریفه .	۱۳۱
پوش صندوق خرقهٔ شریفه	۱۳۴
القاب متولیان ...	۱۳۵
خاندان متولیان خرقه ...	۱۳۷
دفن حکمران قندهار ...	۱۴۰
حکمنامه صادر خصوص‌وظیفه ...	۱۴۱
واقعه شهادت در مقام ...	۱۴۵
مآخذ و مدارك	۱۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

لا اله الا الله

محمد رسول الله

صدق الله العلي العظيم وبلغ رسوله النبي الكريم

١٣٦٧

راقمه عزيز الدين وكيلي فوفلزائي

هدية تاريخ خرقة شريفه

مقد مۀ ناشر

کتا ب « تاریخ خر قه شریفـــــه‌حضرت محمد (ص) در قنـدها ر »
تالیف عزیز الدین و کیلـــــــی‌پوپلزا یی طبع دو م سا ل ۱۳۶۶
کابل ـ که معلوما ت تو ثیق شده‌در بار ه تاریخ ورود خر قه شریفه
به شهر قند ها رو دیگر فیوضا ت‌خر قه شریفه در آ ن درج گردیده
عطش تحقیقا تی و معلوما تی‌محققین‌پژو هشگرا ن کشور ما و کشور
های دیگر را تسکین میتوانـــد.ضرور ت طبع و نشر این کتا بمهم
وگزید ه را در زما ن حاضـــر د رافغا نستان خود مؤلف(عزیزالدین
وکیلی پو پلزایی) به‌جا و به‌حـق‌اظهار نمود ه است .
تاریخ خرقه شریفه که در زما ن سابق(سال ۱۳۴۶) به تعـــداد
پنجصد نسخه طبع شده بوددستیاب نمی شود حتی خود مؤلف هم‌یـك
جند از نسخه های گذشته را ندارد.حواد ث ورویداد های که در قندهار
در مکا ن مقدس وپا ك خر قـــــه‌شریفه رو ی داد ه که تاسف آو ر
ترین آنها قتل وبه شهاد ت‌رسیدن‌محمد نبی متو لی خر قه شریفــــه
می باشد . مقتضی این است که‌طبع‌دوم این کتاب که نواقص وکمبودی
ها ی طبع او ل نیز درین طبع ا زطرف مولف شخصا مستند تکمیـــل
گردید ه به خوانند‌ه‌گا ن علاقه منـدتقدیم میگردد اینك مرکز تحقیقا ت
علو م اسلامی این افتخا ر را به‌خودکمایی کرد که طبع دو م‌تکمیل شده
رابه قار ئین تقدیم میداردو متوقـع‌است که طبع و نشر این کتا ب‌که

به همکار ی ریاست طبع ونشـــرصور ت گر فته به دیده قدرنگریسته امید است که مصدر و منبع خیرو برکت برای مردم کشور و کشور های همسایه ماگردد و مشی مصالحه‌ملی که به خیر جا معه افغا نـــی و انسا نی است هر چه زود تـــرتحقق یابد .

(ادار ه مرکز تحقیقا ت علـــو م‌اسلامی)

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم



بقلم عزیز الدین وکیلی فوفلزائی

۱۳۵۳

هدیهٔ تاریخ خرقهٔ شریفه (قندهار)

بسم الله الرحمن الرحیم

تبارك الذی بیده الملك وهو علی کل شی قدیر ه الذی خلق الموت و الحیوة لیبلو کم ایکم احسن عملا
وصلی الله تعالی علی خیر خلقه سیدنا محمد و آله و اصحابه صلواة کاملة

امابعد

چون از پرتو وصول خرقه شریفه از بلاد عرب به دیار خراسان تا این زمان (۱٤۰۷ هجری قمری) شش صدو یازده سال می گذرد و پرتو نزول خرقه حضرت رسول کریم صلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم ـ مطابق حسن نیت کافه مردم مسلمان افغانستان باعث نهایت عزت وعظمت خاك وطن مقدس ما ندر مرور سالیان شده است .

افتخار دارم که سوابق این مراتبه افتخار را همدرین دورهٔ جمهوری افغانستان و مخصوصا دراین موقعیکه ازصلح وآشتی چندی میگذرد وازطرف قاطبه بهی خواهان ملت مسلمان افغانستان تایید



گردیده است . یکبار دیگر یعنی برای طبع دوم مرتب نموده در دسترس استفاده و استفاضه مردم با دیانت این خطه مقدسه و تمام پیروان حضرت خیر البشر میگذارم .

* * *

در چهل سال قبل از امروز در آوانی که تازه به تالیف وتدوین آثار تاریخ وطن آغاز کردم - یکی هم اولتر ومهمتر تمهید تالیف و ترتیب تاریخ خرقه مشرفه متبرکه که فکر مرا بیشتر به طرف این حقیقت جلب کرد .و مطابق باین حسن نیت صفحات زیادی را مطالعه نمودم و برای اینکه نتایج مطالعات و معلومات خودرا بیشتر موثق گردانیده دست نشر بسپارم مصمم شدم که بوطن آبایی خود قندهار عزیمت کرده بشرف ادای زیارت و استدراک خصوصیات آن بارگاه پر برکت و عزت برسم .

به تاریخ شنبه (بیست و پنج)برج حمل سال ۱۳٤۱ شمسی (۱۰ ذیقعدة الحرام ۱۳۸۱ ق ۱٤ ـ اپریل ۱۹٦۲م) از کابل به صوب قندهار حرکت کردم واز صبح دوشنبه (بیست و هفت) حمل به تحقیق آثار آغاز کرده و نتایج معلومات و مطالعات قبلی خود را با این ازدیاد معلومات جدید افزوده اثری بوجود آوردم .

انجمن تاریخ وزارت معارف به تعداد پنجصد نسخه در مطبعه دولتی کابل طبع و نشر نمود .

ومتاسفانه که نسبت قلت تعداد وهم اینکه (۲۱) سال از طبع اول آن می گذرد امروز نسخه یی از آن دستیاب نمی گردد وخوشبختم که این فرصت مساعد مژده داد تابه خواست اوتعالی جل علی شانه العزیز ـ به تعداد کثیر طبع وبدست عموم دیانت پرستان برسد .

تاریخ خرقه شریفه را هم به حیث یك مجموعه مقدس از یادگارهای دینی و هم به حیث یك نشانه فاتحانه از یك دوره بزرگ

اسلامی و افغا نی که آخرین حـد نبوغ عسکری و سیاسی خودرا در راه حصو ل استقلال کا مل‌وتشکیل‌وتاسیس یك امپرا تور ی جد یـد اسلامی در میا ن تمام ملل آسیـاهمد را ن عهد انتقا ل خر قـه معظمه ثابت کرد ه است .از هرنگاه‌به حیث و ثیقه در جه اول تما م افتخارات دینی و اجتماعی به‌دست‌نشر می سپاریم .

وصو ل خر قه معظمه در کابل وقندهار ـ واین مو هبت عظیـم خداو ند کریم به مرد م مسلمان‌افغانستا ن یك زیار تگاه ، بزرگـك ویك مرکز یت جدید اتحادو اتفا ق‌بخشید و هر فرد مسلمان امید دارد که اوتعا لی جلت عظمته به بر کت‌رو حانیت صاحب این خر قه‌مبارکه این ملت با دیانت را از همه آفا ت‌زما ن محفو ظ دارد . واین ملت را تامادام‌القیام‌درسایه شریعت اسلا م‌پابند احکا م دین و حبل المتین‌قرآن واین مرکز صلح وامید گاه قدیم‌عالم‌اسلام را به طور دایم شاد و آبا دو آزاد داشته باشد .

سر قهر مان ملی افغا نستـا نـاحمد شا ه افغا ن که اتحادواتفا ق عمو م اقوا م و قبایل مسلمان‌راجدامدنظر داشت ، کوشش بسیار او این بود که یك مرکزیت بز رگـك امپراطوری ا سلامی افغانی‌رادرقلب آسیا بوجود بیاورد .

وتا چنا ن شد که بر حسـب‌حسن اراد ه و حسن نیت آن‌غمخوار خلق الله خر قه مطهر ه حضر ت‌سید الا نبیاء که در سـنه (۱۱) هجر ی قمر ی به ابی عمر و او یس‌بن عا مر القر نی ر حمته الله تعالی علیه رسید ه و بعد ازو ی به مروردهور در بغداد و سمر قند و بلـخ وبدخشا ن موصو ل نمود ه‌پر تـونزو ل بر کا ت داشت ـدر اواخر سنه ۱۱۱۸ هجر ی قمر ی به کابل‌این خطه پر آ ب و گل رسید و از خطه کابل در مرکز امپرا تـور ی‌ا فغا نـستا ن (قـندهار) سر زمین پیشرو فاتحین اسـلام‌واولین خطهٔ اعتلا ی رایت استقلال افغانستان درسنه ۱۱۸۲ قمر ی‌پرتو وصول نمودوتا امروز زینت افزای تما م بلاد کشور عزیز افغا نستا ن‌است .

موجودیت خر قه واجب الا حترام حضر ت سید الا نا م (ص) برعلاوه قد سیت وبر کت دینی که بـرا ی تمام عالم اسلام دارد ـ حسن ادا ی خدمت و تولیت آ ن برای ملـــت مسلما ن افغانستا ن یك سند نهایت موثق افتخار نا مه عسکر ی نیـــز باقی مانده و تا ماد م القیا م باقی خواهد ماند .

زیار ت خر قه شریفه در قندهار مقدس ترین مرکز اتحاد و اتفا ق ملیت های مسملا ن افغا نستان راتشکیل داد ه است و ملت مسلما ن افغانستان که همیشه رو ی امیدبه آن آستا ن مقدس دارد به حکم (وشاور هم فی الامر) برای مشور ت درامورخیر و منافع دینی و ملی بدور آ ن زیار تگا ه اجتما ع نمود ه دست دعـا بر داشته و بر میدارند. واز روحانیت صاحب خر قه استمدا دجسته قو ت سرباز ی وفداکار ی رابرا ی حفاظت دین ووطن واستقلال می جویند .

در اواخر بر ج حمل ســـا ل ۱۳٤۱ شمسی در این ایا می کـــه مصرو ف نوشتن خر قه شریفـــه بود م . محمد حق آخو ند زاد ه ، متولی گفت :

از داخل این زیار ت و قتی یك تعداد کتا ب هارا سر قت کردند. از شنید ن این سخن سخت مشوش ودچار اندیشه شده گفتم : نها یت دقت و کوشش شود تا خدای نـــاخواسته از طر ف کدام جمعیت فاسد وتحریك شده از خار ج ،دستبرددیگر ی در این مقا م مقدس رخ ندهد. چو ن متو لی موصو ف سه بار وباتاسف بسیار این حکایت نمود . حین باز گشت خود بکابل به مقامات بزرگ خبر داد م . و مقصد ازآوردن این رمز برای آن است که دســـت ناپا ك دشمن اسلام در مقا مات مقدس هم گا ه گاه دراز میشود و حتـــی به قتل و جر ح افراد صالح نیـــز مرتکب میشود . وموا ظبت هر چه بیشتر لاز م است .

اسناد مندر ج این کتا ب ، هم اسناد تاریخ خر قه و هم اسنـــاد ثبو ت علایق نهایت زیاد مـــرد م افغانستا ن در امور مقد ســا ت و

حاو ی هر گو نه معلومات‌درخصوص‌معرفی نام هـــای .صاحبان ادارات بزرگ دولت و حکومت و مسوو لین‌امور حسابا ت دفاتر موجود ماند ه است بدون کم وکاست عینا نقــل‌گرفتم چه برای معر فی‌نا م های‌علما ونویسنده گا ن یك تاریخ نا مـــه‌علمی و ادار ی نیز شنا خته‌میشود. ودر هر مساله حق‌به مرکز خودقرارمی گیرد .

* * *

شوا ل المکر م سنه ۱٤۰۷هجری‌قمر ی (مطابق جو زا ـ سال۱۳٦٦ هجر ی شمسی)

کابل ـ افغانستا ن

عزیز الدین و کیلی پوپلزا یی

خرقهٔ شریفهٔ نبویه (ص) در (قندهار)

این هما ن خر قه مطهر ه است که حضر ت محمد مختار (ص) و هم اهل بیت اطهار آنرا بدستا ن مبار ك خودشا ن دو خته اندوحضرت خاتم المر سلین صلی الله علیه وعلی آله و اصحا به وسلم در اواخر عمر مبار ك شا ن به برمی کردند. در حجت الودا ع وو قت مریضی و حالت مو ت دربدن مبار ك شـــا ن بود ه و در لحظا ت اخیر زندگانی به امیر المو منین عمر رضی اللــه تعالی عنه وامیرالمومنین علی رضی- الله تعالی عنه و صیت فرمودند که این چا مه را به (ابی عمر و او یس بن العامر القرنی)(۱) که نادیده برمن عاشق شده است بسپا رند. پس از ارتحا ل سر دار انبیاء صلی اللــه علیه و علی آله و اصحا به وسلم ، قرا رامر مبار ك حضر ت رسا لت، حضر ت عمر فارو ق (رض) وحضرت

---

(۱) معنی آن در صفحا ت مقدمات این کتا ب مطا لعه شود .
(وکیلی پوپلزا یی)

علی بن ابیطا لب (رض) خر قـــه‌مبار که رابه سید التابعین او یس بن العا مر القر نی سپردند .

آن دوست خداو ند تبار ك‌وتعالی‌جل علی شانه پیش از آنکه خر قه مطهر ه را دربر کند دور کعت‌نمازشکرانه بجا آورد و طلب آمرزش امت حضر ت سردار کائنا ت نمودوخر قه معظمه را شفیع آورد .تا وقتی که ابی عمرو او یس بن‌العامرالقر نی حیا ت داشت . لباس‌واجب التعظیم حضر ت النبی الکریم‌صلی‌الله علیه وسلم را دربالای سر خود نگاه میدا شت . پس از ارتـحا ل اویس بن العا مر القرنی بند گـان خاص حضر ت پروردگا ر (ج)خرقه‌مبار که را از ملك یمن‌نقـل داد ه احترا ما و شر فا و تعظیما در غارحرا گذاشته‌و سالهای متمادی‌درآنجا به امانت و حفاظت بود تا آنکـــه‌شیخ الا و لیا قطب الا تقیاء دوست محمد قدس سر ه مرد بزرگی ا زصلحا و قت بمژد ه آنکه خر قـــهٔ شریفه پیغمبر جلیل القدر اسـلام‌وحضر ت رسو ل انا م است. آنرا باعزت و عظمت تمام از غار حـــرابرداشته در بغدادبه جهت زیار ت کافهٔ خلایق اسلام نقل دادو تازما ن‌سلطنت یلدر م بایزید (بن سلطا ن مراد بن سلطا ن ار خان بن سلطان‌قرا عثما نلو) و تا زما ن ظهـــور قدر ت ابوالمنصور امیر تیمـــورگورگا ن که فاتح ملك بغـــداد گردید (۱).

پر تو نزو ل داشت و اجمـا ع‌مسلمین ساکنین بلاد عرب و عجم به جهت تقدیس و زیار ت‌و صرف‌صدقا ت زر و مال بگرد آن‌اما نت بابر کت اعطا ی حضر ت رب‌الجلیل‌می شتافتند . حجا ج افغا نستان در زما نه های قدیم این خر قـــه‌شریفه را در مکهٔ معظمه و بغداد ، زیار ت کرده بودند .

---

(۱) خبر و رود امیر تیموردر بغداد تفصیل زیاد داردوبحـــث جدا گا نه است . واما قسمتی ازآن‌را در ضمائم تاریخ احمد شا هـــی آورده ام .

(وکیلی پوپلزایی)

درو قتی که جنگ تیمور بـــــارو میه اختتا م یافت امیر تیمو ر بشر ف زیار ت خر قه شریفـــــه‌حضرت سرور کائنا ت (ص)شتافت وشرف تو لیت آن امانت مقد ســ‌ومتبر ك رابر ذمت خود لاز م‌دیده به وفق آخرین تمنا ی خود که‌ادای‌تعظیم وایثار مال و جان رادربدست آورد ن آن لباس‌بهشتی اسا س ازهمه اشیا و نوا در اهم والز م‌شمرده بود ـ حین باز گشت از سفربغدادباکسانی که در عرا ق عر ب‌بشر ف نگهدا ر ی آن امانت مبارك‌اتصا ف‌خدمت‌تولیت‌داشتند، باخود برداشته از بغداد به شهر سمر قند پایتخت ملك خودرسانید.(۱) وبرای‌حفظ و احترا م آن امانت منحصرو مطهرعمار ت عالیشا ن بصر ف زرکثیر بنیاد کرد و در سقف عما رت‌چندین‌قندیل مطلا که قبل از فتح بغدا د نذر گر فته بود سا خته نصب‌کرد.وقریه ده بید را برای‌صر ف ندورات ومصارف متولیا ن و خوا جگـــا ن آن آستا ن و قف کرد و چندتن سادا ت عالی مقا م سمر قند راکه‌در ورع و تقو ی شهرت دا شتند

---

(۱)تیمور از قبیله بر لا س این‌طرف رود جیحو ن و در سنه۷۳۶ق بدنیا آمد و درسنه ۷۷۲ق در خطه‌بلخ جلوس نمود و بعد سمر قندرا مرکز دولت خود قرار داد . صو ل‌امیر تیمور در بغداد و نقـــــل یافتن خر قه شریفه از بغداد بـــه‌ماوراء النهر درسنه ۷۹۵ق و ۷۹۶ق است . مذکور (سی وپنج) ســا ل‌سلطنت کرد و در سنه ۸۰۷ ق در اهواز واقع هفتاد فرسخی‌سمر قندبه عمر (هفتادویك) سالگی‌وفا ت یافت .

چون مرکز دولت او سمر قند بودخرقه شریفه را در سمر قنـــــد گذاشت .

متولیا ن بغداد ی باآنکه فیضـ‌حفاظت آن گنجینه کرا مت‌راداشتند اما امیر تیمور گور گا ن‌برای‌اینکه از فیوض و بر کات آن الباســــس*

ازنگا ه اعتماد که مبادا توســـــطمشایخ بغداد ی از جا بیجا گرددویا اینکه مشایخ مذکور واپس بو طـنخود نروند ـبشر ف تولیت آنمقرر فرمود . و تاسنه ۱۷.٤ هجریقمریدر همانجا بود .

درسنه مذکور ابوسعید او غلانحمکرا ن ترکستا ن شر قی کهآنرا از بنا ئر امیر تیمور گورگا ن میشمردند توسط (۱) شیخ محمدحبیب وشیخ محمد نیاز خواست که خرقهشریفه را از سمر قند بهترکستا ن چینی ببرد . در همین و قتشیـخآقا محمد و شیخ نظر محمدموقع را غنیمت شمرد ه آن لباس مقد سومتبر ك را درسنه ۱.۷٤ هجـر ی قمری به بلخ (یکی از شـهر هـاوولایا ت معرو ف افغانستان)رساـ نیدند تا از تصر ف ابوسعیداوغلانحمکرا ن تر کستا ن چینی محفو ظ بماند . خر قه شریفه توسط آ ندونفر و تاسنه ۱۱.۹ قمر ی زما ن

---

*بهشتی اساس مردم مسلمانخطۀماوراء النهر را خو بتر مطلـــع و مستفیض بگرداند ، از عرا ق عرب به ماوراء النهر آورده درسمرقنـد عمار تی برای نهاد ن آن بـــــرافرا شت .

ماوراء النهر ـ ولایتی اســـتبزرگ ـ شر قی اش فر غا نه ـ غربی اش خوارز م ـ شمالی اشتاشکند ـ جنو بی اش بلخوسمرقند ومقصد امیر تیمور هم همین بودکهاین اقلیماز پر تو نزو ل خر قـــه پا ك سید لولا ك زینت و رفعـــتبزرگتر از سابق داشته ویكنشانه دین دوستی و دیانت پرستی مردمماوراء النهر ازین طریق نیــــز در تاریخ آن سر زمین باقی بماند .

(۱) او غـــل به مـــعنی پسر و او غـــلان جمع آن ا ست. چنانچه سیاد ت خا ن مشهور بهسید اوغلان شخصی درهندوستا ن در عهد امپراتور ی احمد شاهدرانیزندگی می کرد و ممکن همین وجه تسمیه درست باشد ، اوغلیمنسوب به اوغلان که نا م قو میســت ا ز ازبیك .

(عزیز الدین و کیلی پوپلزایی)

حکومت سبحان قلی خان در بلخ شریف امانت داشت .

درسنه مذکور شیخ محمد ضیاء و شیخ محمد نیاز در این وقتی که حکومت بدخشان به میر یار بیگ تعلق داشت ، بکدام منظور میخواستند خرقه نبویه را ازراه بدخشان و چترال عبور داده به هندوستان ببرند . حین وصول به توابع بدخشان قریب کوتل دوراه این خبر به میر یاربیگ رسید واو بلا درنگ ملازمان خود رابه تعقیب متولیان (خواجگان)مذکور فرستاد واز سر کوتل دوراه برگردانیده در جوزگون قلعه بناکرده خودش گذاشت که تاریخ پرتو وصول آن امانت مقدس در قلعه جوزگون بدخشان یکشنبه (بیست و چار) شهر محرم الحرام سنه (۱۱۰۹ هجری قمری) است . میر یاربیگ (اورا میر یاربیگ ولی می ستایند) . چون دانست که به تحقیق خرقه مطهره نبویه (ص) با لای اشتر سفید بار است، نقل دادن آنرا توسط شیخان مذکورکه ممکن بر همنونی کدام یک از اربا ب قدرت ملك هند و یا به منظور مفاد خودشان نقل داد نمی خواستند قطعا اجازه حرکت نداد. ومصلحت بران رفت تا خواجگان سمرقندی که اجداد شان از زمان امیر تیمور تا این زمان به خدمت تولیت خرقه شریفه ثم به ثم بسربرده اند — دراین وقت خواه از ضیقی معیشت و یا کمتر غفلت مردم در اداء (۱) حرمت آن امانت بزرگ

---

(۱)میر یاربیگ متوفی سنه ۱۱۱۸ قمری معاصر سبحان قلی والی بلخ و ابو الغازی خان امیر بخارا است . قلعه جوزگون بدخشان در عهد همین شخص بنا یافته و مذکور پس از مدت پنجاه سال حمکرانی جوزگون وفات یافت .

میر سلطانشاه و میر محبوب شاه جانشینان او با دولت امپراتوری احمد شاهی هم عصر میرمحبوب شاه به همراه محمل خرقه شریفه درسنه ۱۱۸۲ قمری واردکابل شد .

میر یاربیگ سوای مراد بیگ امیر بخارا است که اشتباه نشود .

(وکیلی)

مبادر ت باین حر کت ورزیده‌اند ،برای بودو باش شیخا ن مذکور ، در جوز گو ن جایگیر، تعیین گردد ،وبرا ی گذا شتن خر قه مبار که د ر داخل شهر جای منز ه و مناسب بناءنماید و خواجگا ن حا مل خر قـه بدستو ر ماکا ن به صفت شیـــخ ومتو لی و صا حب الد عوا ت برقرار باشند .

ودراین راه مساعی تمام به کاررفت و میریار بیگ که مرد متدین وصاحب قدرت وو زیرش آدینه‌محمددیوان بیگی که اونیز به اوصا ف بذل و بخشش موصو ف بود د رادای این خدمت کمال اعتقادواحترام واخلاص به جا آوردند . ودهـــــم حصه غله اها لی شهر جوز گو ن راو قف خر قه معظمه نمودند .ودرظر ف دوسا ل به حوا لی زیارتگاه عمارا ت جدید احدا ث گردیدوشهر جوز گون را ا ز تـــاریخ یکشنبه (بیست و چار) محرم الحرا م سنه۱۱۰۹قمر ی فیض آباد نا م گذاشتند وقطعه نظم آتی شاهد آن حقیقـــت است :

خر قـۂ پا ك سعید عر بـی — میدهد از ریاض جنـت یا د
در هزار و صدو نه از هجرت — محمل او به جوز گون افتا د
جوزگون گشت لایق این فیض — زا ن سبب نام گشت فیض آباد

* * *

از پر تو و صو ل خر قه شریفه‌شهر جوز جو ن بنا م فیض آباد تا سنه ۱٤۰۷ قمر ی (مطابق ۱۳٦٦شمسی) در افغانستا ن مشهور و معرو ف ماند ه است .

جوز گو ن ـ به زبان در ی ممکن چهار مغز رنگ مقصد باشد ـ چه جوز معر ب گوز واصل اسم منطقه‌مذکور گوز گو ن یاد شده است . در همه حا ل چو ن خر قه پـــا ك سید عر بی مدت(هفتادودو) سال همه را ن جابود قابل احترام است.

فیض ـ به معنی بسیار شد ن آب رود و ریختن آب و خیر بســیا ر

وفاش شد ن خیز و نام فیض آباد ـ در خور شا ن آن شهر خیلی به جا است .

میا فقیر الله شکارپور ی نقشبندی (متوفی سنه ۱۱۹۵ قمر ی) دربرابر سوال صو فی مولا داد قند هار ی که در شهر محر م الحرا م سنه ۱۱۸۳ قمر ی از آن عالم فاضل ومور خ معلوما ت خواسته است .موصو ف در مکتو ب هفتاد و چهار م ازمکتو با ت خویش درباره خر قه شریفه به زبا ن عربی توضیحا ت داد ه وحتی از کسانی که خرقه پوشـــی نموده اند نیز یاد کرده است .

خر قه شریفه عبار ت از یـک جا مهٔ ضخیم پشمی است کـــــه اصطلا حا آنرا قاقمه (۱) پشمی یاد کرده اند . هردو آستین مبا ر ك از طو ل دا من کو تا ه تر است .ازپشم ناز ك خالص اشتر بود ه ـ رنگ مبار ك آن آسما ن گو ن است. برق وتجلی خاص دارد . به تناسب قامت انسا ن کو تاه به نظر می آید. استروفرا ویز (سنجا ف دا من) ندارد. دو بر پیش رویش نسبتا ژو لیده وتوسط رشته پشمی دو خته شد ه است . و چیز ی که انسا ن را به آخرین حد به حقیقت آن معتقد می گرداند همینکه لباس پشمی درمرورچهار ده قر ن حفظ شده و آسیبی به آن لباس پشمی نرسیده است .

درسنه ۱۰۷٤ قمر ی و قتی کـه خرقه شریفه از سمر قند برداشتــه شد . محل مبار ك آنرا زیــا ر ت سخی شاه مردا ن نام گذاشتند . ودربعض ما خذ بیان شده که آنجارازیارت خوا جه خضر یاد کرده اند .

---

(۱) قاقم ـ بضم قا ف دوم ـ جانوریست که پو ستش بغا یت سفید وملایم باشد واز آ ن پوستین مـی سازند ـ و لهذا هر لباس خو ب و نفیس و بهتر را بدا ن منسو ب کرده اند .

اصطلا حا قا قمی و یا قاقمه یی یاد کرده اند و یاد می کنند و این اصطلاح در قدیم بسیار مرو ج بوده است .

(وکیلی پوپلزا یی)

واین برای احترا م همان مقـــا م است .

در تاریخ حسین شاهی و تاریخ احمد نوشته است که : قندیل های طلا که امیر تیمور گور گا ن برای عمار ت خر قه شریفه در سمر قند وقف کرده بود تا عهد مراد بیگ خان موجود بود. و مذکور قندیل های مطلا را که در سقف گنبد باقی بود از جا بر کنده به علما و فضلا تقسیـم نمود . یعنی این و قتی بود که خرقه مبارک که در افغا نستا ن پر تو نزول وبرکا ت نمود .

معا نی لغات

در صفحات این کتاب بعضی‌کلما ت مقد سه عر بی دیده‌میشود که تر جمه آن ضرور است :

خرقه ـ بالکسر جا مه پارینه وکهنه پارهٔ دو خته .

حرا ـ بکسر اول کو هیست به‌مکهٔ شریفه که حضر ت رسالـــت پناهی صلی الله علیه و علی آلـــه‌وسلم ـ پیش ا زنبو ت‌چند روز که‌در غار آن کوه به عباد ت مشغو ل‌بود‌ندوحرا به معنی سزا وار ی .

تولیت ـ والی گردانید ه و پی‌درپی شد ن و عمل داد ن به کسی‌و ذمه وار ی .

متو لی ـ برسر کار باشند ه ودوستی دارنده .

والی ـ دوست و حاکم ومالك و به معنی خویش وقریب .

حجت الودا ع ـ حجت الودا ع‌عبار ت از حجی است که بعد ا ز ادای آ ن حضر ت نبی علیه السلا م‌با امت خویش وداع کرد وو فا ت شد .

چو ن این خر قه مشر فه متبرکه‌در دورا ن‌اخیر حیا ت بابرکا ت و

ایا م مریضی حضر ت سرورکائنات ومفخر موجودا ت بو جود مبارك آن سید المختا ر می بود این لباس بهشت اساس مربو ط به آن ایا م آخرین و صایا ی حضر ت سیدا لکونین و سند الثقلین است کـه قند هار قهرمان درنگا هدا ر ی وشرف خدمت آن خر قه منوره متبرکه افتخا ر دارد . واین وسیله سرافراز ی بزرگ ملت افغا ن درساحه روضه با غ آن گلستا ن مینونشان به جهت امتیاز دینی مرد م مسلما ن این گوشه جهان پر تونزو ل داردوتا صبح ابد یاد ی از شکوه استقلال دینی و اجتماعی این ملت متد ین میدهد ومرد م با صد ق و ایقا ن مارا در راه تدین و تمدن اسلا می راهنمایی وارشاد میفرماید .

ونهر شاهی قند هار که بعدانهرروضه باغ یاد شده و از سنه ۱۱۸۳ قمر ی و قف خدا م زیار ت وصر ف صد قا ت جاریه گردیده است به قرار این اوصا ف میتوان از رو ضا ت جنتش به حسا ب آورد .

* * *

دولت خدا داد ـ در اسناددولت افغانستا ن مندر ج این کتا ب جمله (دولت خدا داد) مکرر دیده میشود. بکار برد ن این جمله برای آن بوده است که استقلال کا مل افغانستان رانشا ن میدهد یعنی دولت افغا ـ نستا ن را خدای بزرگ به ملت افغا ن اعطا کرده و در تا سیس و تشکیل موجودیت سیاسی این سر زمین مستقل دست دخا لت دیگر ی شا مل نبود ه واین ملت مسلما ن خودرا مدیو ن احسا ن کدام دولت غیر نمیداند

اویس قرن

اویس قر ن ـ بضم اول و فتح واووقا ف وراء مهمله هردو مفتو ح ـ ناو لی کا مل منسو ب به قر ن ـچه قر ن بفتحتین نا م قبیله است در ملك یمن و به سکو ن را خواند ن غلط است .

قرن ـ پدر قبیله ایست از یمن واو یس قر نی از آن است .واصل کنیت و لقب آن ولی کا مل در کتب معتبر باین عبار ت نوشته شد ه : (ابی عمرو اویس بن العا مـــــر القر نی).

اویس قر ن ـ که در عصرمبارك حضرت سرور کائنا ت و مفخـــر موجودا ت میز یست ـ اولین شخصی است که خر قه مبار که نبو یه(ص) برحسب امر و وصیت حضـــر ت رسول اکر م (ص) بدست اورسیدو آن ولی کامل از نهایت حر مت وآداب واحترا م تازمانی که حیـــا ت داشت ،خر قه متبر که نبو یه را ،بالای سر خود نگاه میداشت .و هر لحظه تقدیس و تکریم و افتخار می نمود .

وشاعر ی در وصف آن و لـــی کامل گفته است :

عمر ها باید که تااز پشت آد م نطفه یی

بو الوفای گرد گردد یا شو دا و یس قر ن

یعنی این خر قه شریفه که ازسنه ۱۱۸۲ قمر ی تاسنه ۱٤۰۷ قمر ی د رمرکز قندهار پر تو نزو ل و بر کات دارد . ابی عمر واویس بـــن العا مر القر نی ـ در سنه (یازده)هجر ی قمر ی به زیار ت آن مشرف

شد ه و تا خاتمه عمر به شــر ف‌تولیت ونگاهدار ی آن مزید افتخار داشته است . چو ن هجرت حضرت‌رسو ل اکر م (ص)از مکه معظمه به مدینه منور ه ابتدا تاریخ هجر ی‌قمر ی وسنه (۱) هجری مصاد ف است به سا ل ۶۲۲ میلادی عیسوی‌ورحلت حضرت سرور کائنات«ص» سنه (یازده) هجر ی قمر ی‌مطابق۶۳۲ میلاد ی است . باین قــرار معلو م شد که خر قه متبر که د رسنه (یازده) قمر ی در ملک‌یمن برای اویس قرنی رسیده است .

پرتو وصول خرقۀ نبویه درعلی آباد کابل

چنانکه مذکور شد خر قه‌شریفه‌از سنه ۱۱۰۹هجر ی قمر ی تاسنه ۱۱۸۱ هجر ی قمر ی در مدت (۷۹)سا ل در فیض آباد بدخشا ن‌پرتو نزو ل و برکا ت داشت تا آنکه دراواخر سنه ۱۱۸۱هجر ی قمـــر ی مطابق حسن نیت واراد ه دیندا رانه‌احمد شا ه دلیر امپرا تور افغانستان کبیر ـ توسط شاه و لـــی خان‌اعتماد الدو له بکابل انتقـــا ل داد ه شد .

امور ادار ی ونظا می وسیا سی‌ولایا ت شما ل افغانستا ن‌از سنـه ۱۱۶۳ هجر ی قمر ی (مطا بـــق۱۱۲۹ شمسی) توسط مخلص خان درا نی پوپلزا یی در مرور پنج‌سال‌تنظیم و تحکیم یافت .و چو ن‌شر ح مکمل داستا ن های نظا می‌وسیاسی‌در پیرا یه صفحا ت این اثر مبارك گنجا یش ندارد . حذف واختصا رنمود ه و مخصو صا متون و اسناد ویاد داشت های مربو ط به تاریـخ‌خر قه شریفه را ازنظر می گذرانیم وبدست نشر می سپاریم .

به طوری که مطالعـــــه شدچون‌خر قه شریفه نبو یه‌چند بارودرچند جا احتراما نقل داده شد ه و اینکه‌در این دور ه امپرا توری احمدشاهی ازاثر بعضی حرکات که ا حتـمال‌میر فت حقو ق حرمت ارباب‌خدمت تولیت به طور شاید در ست ادا ءنگردد و هم مبادا خر قه شریفـــه

بجا ی دیگر نقل داده شود ـ احمدشاه درانی که شهر جدید قند هار رادر سنه ۱۱٦۹ هجر ی قمر ی بنـــا گذاشته و اشر ف البلاد موســو م سا خته بود از نظر نهایت حرمت وحسن ادا ی امانت منا سب دیدکه خر قه واجب التعظیم حضـــــر ت رسول کریم صلی الله علیه وعلی آله واصحا به وسلم که در شهـــــــر جوز گو ن (فیض آباد) بد خشان از عهد مر حو م میریار بیگ ولی تا این زما ن (سنه ۱۱۸۱ قمر ی) پرتو نزول و برکات دارد درمرکزامپرا تور ی جدید افغا نستـــا ن نقل داد ه شود . زیرا که در خلا ل این شهور در و لا یات شمال افغا ـ نستان بعضی مصادر اختلال وجودداشت و اندیشه برا ن بود تاخرقه معظمه از فیض آباد بطر فی نقـل داد ه نشود . و چنانکه قوا ی نظامی افغانستا ن مصاد ف بهمین اوقا ت برا ی تنظیم امنیت داخلی و ممانعت از تحریکا ت ومداخلات خار جـــی سخت مصرو فیت داشت .

چو ن احمد شا ه غا ز ی ـ ایا م تابستا ن ـ خزا ن ـ زمستا ن سال ۱۱٤٦ شمسی (مطابق سنه ۱۱۸۱ قمر ی) را در کابل گذ رانید . در برج حو ت سا ل مذکور (شو ا ل ۱۱۸۱ ق ـ فبرور ی ۱۷٦۷ م) شا ـ هزاد ه سلیما ن دو مین پسر خودرا از قند هار بکابل طلب نمود .و او در بر ج ثور بکابل رسیـــد .احمد شاه دلیر که به جهت وارسی احوا ل و لایا ت شما ل افغانستان خود شخصا نیز مصمم حر کت بود، بعد و رود سلیما ن بکابل هشت روز دیگر توقف کرده به تاریـــــخ (هشت) بر ج جو زای سال ۱۱٤۷ شمسی (یازد ه محر م ۱۱۸۲ ق ـ بیست و پنج می ۱۷٦۸م) از کابل جانب چهاریکا ر مرکز و لایت پروان حر کت نمود . و به تاریخ (ده)جوزاسر دار شاه ولی خان (۱) را بـــا

---

(۱)قواء نظا می قبل از اعزا م شاه و لی خان با می زا یی مصروف تنظیم و لایا ت شمال و تحت اداره دیگر رجا ل افغا نی خدمت مـــی کردند وو صو ل شاه و لی خا ن به آن سمت تاثیر بیشتر بخشید .
(وکیلی)

فوجی برای تنظیم ولایات شمال افغانستان فرستاد و خود از چهاریکار بکابل باز گشت . و دربرج سرطان (صفر ۱۱۸۲ق) از شهر کابل فرمان فرستاد که خرقه مبارک که بکابل نقل داده شود .

محمود الحسینی و قایع نگار باین عبارت نوشته است :(از کابل فرمان بسرافرازی شاه ولی خان عزصدوریافته مقرر شد که خرقه متبرکه که صدر نشین صفه اصطفا اعنی سالاراتقیاء و سرور انبیا را که آن حضرت درایام حیات بابرکات به خواجه اویس قرنی نور الله مرقده مرحمت فرموده بود . واز آن زمان الی الان بتداول در مملکت ترکستان به ولایت بدخشان رسیده بود ـ با عزاز و اکرام تمام برداشته در دارالسلطنه کابل آورد. شاه ولی خان که حصار بدخشان را به حیطه تصرف و تسخیر در آورده وبرادر سلطانشاه والی آنجا را دستگیر کرده بود به مجردرسیدن فرمان ـ خرقه متبرکه آن جناب را برداشته و از جمیع طوایف اوزبك نوکر گرفته بابرادر سلطان شاه والی بدخشان در شهر کابل معاودت نمود و تارك افتخار باعتبار سر افرازی بساط بوسی براوج طارم سود).

حقیقت چنان است که شاه ولی خان بعد از اعزام شش هزار فوج که قبلا برای انتظام امنیت ولایات شمال افغانستان فرستاده شده بود . فرستاده شد .

وشش هزار فوج دیگر که قبلاز قندهار به طرف هرات وفاریاب به همین مقصد سوق داده شده بود . تاکید ورود ووصول هردو قوه د رمحال مورد نظر برای همین بود که سرحدات قلمرو شمالی افغانستان را انتظام واستحکام بدهند و تمهید این لشکر کشی ها قبلاگرفته شده بود .احمدشاه امپراتور دستور داد که فوج قندهار از رود مرو عبور نموده نقاط مورد نظر را انتظام بدهد و فوج کابل درنقاط مورد نظر برسد .

والبته تمام این سوقیات برای حفظ امنیت و حفاظت خاك ازمداخلات خارجی بود .

شاه‌و لی خا ن پیا م حکو مـت‌قوقا ن را که در بخارا بنا به عوت شاه مراد خا ن وارد شده وامیدورودبه حضور امپراتو ر احمد شـــاه بزرگ داشت . به کابل فرستا ده‌چو ن نماینده ه حکومت قو قـــا ن شخص رو حانی و رتبه اقضـــــی‌القضا ت و شیخ الاسلام داشت .
با او محتر مانه ر فتار شد . چو ن‌متن پیام مذکور در دست نیســت مطا لبی بدست نمی آید. و تنهـــا نقل سر صفحه و یاسر نا مه آن‌راکه به خط محمد کلان خان عضد الدّوله‌نقل بر داشته شده و د رجمله‌اسناد مهم با قی مانده ازنظر می‌گذرانیم .زیرا که این عنوا ن و القاب‌اهمیت متن رانشا ن‌میدهد و برای‌موجودیت‌سیاسی واستقلال و مو قعیت هرچه بیشتر مقام معنوی ا فـغا نستـــان‌تاثیر بسیار دارد :

الحمدلله وحدهٔ لامعبوده سواه ـ من دادالمملكة الفاخرة النجارا الــى دادالسلطنة القاهرة ام البلادبلــخ بمحروسة احدمن الاقايم المعظمة الى جناب حضرت الاميرالجليل الاصعدالامجد الاوحد الاسمى ا لا سنـــى صاحب الشان الكثيرالدرجات مالك القدر الكبيرالبركات سامى العظيـم البلادحامى الكريم العباد سعــادة السيدالخوانين السليمانين المعظم امومن الممالك الساكنين المفخــم صاحب السلطنة القاهرة الملــوك الامم فخرالسلاطين الهند والعجـم ادام الله ايامه الــزاهرة وافــاض على الخلائق غيوث مكارمه الماطرة ولابرح الزمان بوجوده دائم المسرات الفتوحات والبلادآمنة مطمئنة تهمـى عليها بحسن انظاره سحب الخيرات امين .

انامن طرائق الرسالة على التواصل المرادالجماعة الطرفين والتفاق المملكة المكرمين ارجو لحضرتكم وعظمتكـم واشراف دولتكم باجازتكم بخير عن المواسم المساعد الموافق احدمرة اتشرف ببلادالسليمانيــة لخاص المدارج الحية والمواحدة ولزيــادة الاماكن المقدسة وبشرف المصاحبة المباركة فارجولمكاركم ان تفضلتم قبول ذالك وان كان دون القـــدر الجناب سائــلاً الله يجـزيـــك عن جزاء الخير ويجعلك موردفضل واحسان وبعداهداء تحيات تبادج فى سطور الطروس عبيرها ويشرق فى مطالع سماء الصحف منيرهــا تهدى الى مقامكم الاعلى وقدراكـم المعلى فالذى ابديــه لحضرتكـم السعيدة العلية الاعلى صانها عــن الزوال وجعلها محلالمناط الامانــى والا مال والسلام فى شهودسنة الف مائة ثمانين (حد) .

از روى سنه معلوم ميشود كه اين نامه قبل از ورود شاه ولى خــان نوشته شده است .

محمد كلان خان عضدالدوله درختم نقل عبارت عربى مذكورنوشته است :

منقول از سرنامهٔ مبارکه دست‌آویز قاضی القضاة وشیخ الاسلام ایچی پادشاه اسلام پناه ولایـــت‌قوقانات ازدارالفاخرهٔ بخارای شریف بخدمت خاقان علیین مکـان دارای‌دربان رضوان جایگـاه احمدشاه پادشاه صاحب غازی رحمـة الله‌تعالی علیه بحدود ترکستانـات و تعویذات وادعیات نوشته مختـومساخته. مهرمحمدکلان سنه ۱۲۱۷.

از جریانات اداری و سیاسـی‌گذشته وخلص آنکه امپراتور افغانستان سرتاسر صفحات شمال ومنطقه های سرحدی افغانستان ر ا تنظیم بخشید وبه قناعت مردم وهمسایگان پرداخت .

میرزا سنگ محمد مولف تاریخ‌بدخشان نوشته است :

(اعتضا د خلافت و فرما ن روا ی‌اعتماد سلطنت کشور گشا ی وزیر اعظم دستور معظم نوا ب شاه ولی‌خان افغا ن که لسا ن التر جما ن پاد شاه بود صاحب اسراروهمرازاحمد شاه بنابر اهتمام سعا د ت منتظم از حصو ل مقصد اعلـی ووصول بذریعه اقصی که ادرا ک‌آنرا سلطا ن بدو ن و جود آن وزیـر باتدبیر محال دانسته از پیشگـاه خلافت با قطا ع تورا ن و عبـوربسر حد بدخشا ن محض به‌نیـل سعاد ت از بدست آورد ن و بد لوجا ن برد ن خر قه متبر که‌مکرمه معظمه محتر مه علی صا حبها‌الصلوة‌والتسلیما ت مامور گردید .

در اسعد ساعا ت وا مجدا وقات با عساکر جرائر درانی وسپاه‌کابلی با اعلام عیو ق سا ی وخیام مراحل‌آرا ی متو جه ترکستا ن گشته به ورود و افضا ی زوایا ی هزاره‌جات‌وتما می امراء و حکا م ازسردا ر بلخ و قباد خان وغیر همااز اعیا ن‌وارکا ن باستقبا ل شتا فته و بـه ورود قند ز قباد خا ن حصو ل این‌دولت را موجب شا ن وشو کت‌خود دانسته که از سابق ازین هم‌عرایض‌مشتمل بر استیلا و دست دراز ی امیر بمرد م قطغن به خدمت‌پادشاه‌به دارالسلطنه کابل به توا لی و تکرار مرسو ل داشته وو زیر معظـم‌هم بالا صاله مامور به سمـت بدخشا ن بود که آن راز مستو رغیر از وزیر پادشا ه احدی واقف

نبود و قباد خان آمدن وزیر راکه‌ازجمله کمك وامداد خود دانسته حرفی امیر را در میا ن آورده که‌انتقا مخود را دراین مورد از امیرسلطا ن شا ه خواهند گر فت ووزیر هـــم‌التماس اورا قبو ل فرموده بدریا ی عساکر نصر ت ماثر متو جه‌بدخشان‌گردیدند و مدعا ی خودرا مخفـــی داشته که مبادا آ ن بهشتی لباس‌را از جا ی بیجا ی سازند و ازحصول تمنا ی شا هنشاهی محرو م‌بمانند. چون رایات‌ظفر آیات نـــواب‌کار- میا ب باقشو ن نصر ت مشحـــون‌از ولایت تالقا ن عبور فرمودونصرت آباد را کسا ن امیر از پیشتــــا ز صر صر معسکر وا گذاشته روبـــه عزیمت نهادند.

چو ن خیر واقعه به امیر سیــدازکما ل غیر ت ومرد ی که‌ازوجود خود داشت درصدد آن بر آمدکـــه‌رفته درموضع ایمن آباد سر را ه برایشان گرفته یکی خود را به‌آنهابزند که تارو مار نماید وسرکردگان این جر ئت را از امیر نه پذیرفتندکه منار ه در پیش کوه بلند ی‌بـــر آورد ن و شمعی در پیشگاه آفتا ب‌افرو ختن‌چه صلاح باشد . باآنکـــه اقسقا ل حیدر بیگ یفتلی که مردی‌بود سخن آور او به عرض امیـــر رسانید که اول فهمید ه شود کـــه‌دولت خوا ه کیست ؟ در مقد مـــه ننگ و نا موس کدا می باما یاری‌می‌کند و بلکه خو بی خودرا کرده‌ایم که الحا ل جانبا ز ی تواند کردزیراکه‌بعد از ورود قلما ق‌کاشغر ی‌مردم بدخشی از نظر مر حمت اند کـــی‌افتاده چندان سر گر می نداشتند. وازین سخن امیر فهمید که حقیقت‌چیست و علی الصبا ح که آفتا ب عالمتا ب لمعه پاش بسا ط زمیـــن‌گردید پیشر وا ن سپا ه وزیـــــر شاه و لی خان افغا ن رسید ن‌گر فتند واز تخت کوتل ریسکا ن تاسر پل چادر و خیمه زدند . وامیـــــرمحمد شا ه نیز ازین سو ی فو ج خودرا آراسته ومیخواست که‌بنا م‌ونشا ن خود با هم ردوبدل نماید . فرقه فرقه از جانب امیر ازمـــردم‌ایلجار ی جدا گشته رو ی به‌خدمت وزیر شا ه ولی خان نهادند .

امیر هم بکار خود گردید ه بـــاتما می لشکر خود بجانب ایـــــل واسطه که مو ضعی است بیـــــن پساکو ه و چاه آب در غایت استحکام بدانجا رفت .

وزیر شاه و لی خان خر قه شریفه واسعاد ت دارین دانسته باخـــود گرفته دیگر چندا ن به سود وزیان بدخشا ن نپرداخت و آنجا کـــه مد عا بود رسید و تمنایی که داشت به حصو ل آن مشر ف گشت و با خود میگفت :

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر مقتضا ی همت خود کامران شدم وبعد از تسخیر فیض آباد(...)را از جانب خود حاکم نموده مراجعت بدار الامان پادشاهی فرموده، امیر هم عزم فیض آباد نموده وارد شهر گردید و آنرا که وزیر شاه ولی خا ن نایب الحکومه نموده به قلعه فیض آباد مقرر کرده بود سلطانشاه به غیر حق جبرا به قتل رسانید ه وخود تکرارا به قلعه فیض آباد مقیم گردید).

* * *

چو ن در ج همه جریـــانا ت ازوظایف تاریخ دور ه امپرا تـور ی احمد شاهی است در اینجا اختصارورزید ه و خلص آنکه منـــــظو ر امپرا تور احمدشا ه افغا ن اینکه :خر قه مطهر ه در داخل خاك مقدس افغانستا ن و بیکی از شهر ها ی کوچك اطرا ف و مناطق سر حد ی و در تصر ف یکی از حکا م ودر آنجا یعنی فیض آباد بدخشا ن بنابـــر واقعا تی که در سر حدا ت قلمروآن سمت جریا ن وادا مه دارد د ر معر ض خطراز جابیجا شد ن احساس میشود ، احتراما نباید گذاشت .چه در صور تیکه تما می و لایـــــا ت شمال این طر ف رود جیحو ن شامل قلمرو سیا سی و ادار ی افغانستان است و حفظ جمیع امانا ت بزرگ ومقد س تعلق بمرکز امپرا تور ی افغا نی دارد به قرار این حســــن نیت و آرزو ی عا مه مردم مسلمان افغا نستا ن بهتر اســت که آ ن

لباس بهشتی اساس در جا یی که‌از دستبرد حواد ثخوبتر و دقیقتر
مصوو ن و محفو ظ بوده محـــــل‌استفا ضه برای عمو م زائرین‌اهالی
ولایا ت باشد احتراما نقـل داد ه‌شود . و طبعا قند هار وبالخصوص
این شهر جدید آن که با مید ایـن‌مو هبت بز رگ واین عطیه عظیـم
دوازد ه سا ل‌قبل(اشرف البلاد)نا م گذاشته شده است . شایا ن
این شر ف و عظمت ودرخور ادا ی‌خدمت هر چه بیشتر در حفــظ و
نگاهداری این امانت لنگر ا فگـن‌هر هفت اقلیم دیده میشود وبایداین
امانت مطهر و مقدس به طوردایـم‌در همان مرکز بزرگ پر تو تجلی
به جمیع اطرا ف‌قلمرو امپرا تور ی‌افغانی داشته وزائرین از هرولایت
برای ادای احترا م برسد .

وهم باید عهد ه تولیت این‌امانت‌پر از فیض وبر کت بدوش‌خدمتگار
عالم اسلام احمدشا ه در درا ن‌باشدتا بتواند از جهت فتو ت این‌ملت
مسلما ن باصد ق وایمان از عهده‌صرف نذو را ت وصد قا ت‌جاریـــه
روزمره و حفا ظت حقو ق اربـــا ب‌تولیت وموقو فا ت آن زیارتگــــاه
نسبت به سایر اربا ب قـــدر ت‌وتمول خوبتر و بهتر بدرشود. »

(بقو ل تاریخ سلطا نی کـــه ازرساله تاریخ ابدالی نقل برداشته
است) متولیا ن در شب اخیـــــرصندو ق مبار ک‌را گشودند وموضع
(بین الکتفین) خر قه مبارکه را ازمحل لمس مبار ك مهرنبو ت‌قطـــع
نموده از طریق آهن دره به بخاراشتافتند . واگر که احمد شـــــاه
افغا ن ازرو ی اشفاق ومراحم خاصی‌که در حق علما واتقیا داشت مـــی
خواست خواجگا ن زیار ت خر قـه‌شریفه را از فیض آباد بدخشا ن‌به
اشرف البلاد جابدهد ـممکن‌نشد .

در و قت و صو ل محمل خر قـــه‌معظمه از فیض آباد بدخشا ن‌بکابل

احترا ما منا سب دیده شد که د رخار ج ازحصار شهر در محل‌گوشه ومنز ه و جا ی وسیع دامان کو ه‌گذاشته شود . (۱)ودر و قت‌پرتو نزو ل خر قه شریفه ، در دامـــان‌سمت غر ب کو ه سمت شمال‌غرب شهر که مشر ف به واد ی وسیع‌دشت علی آباد (ساحه پو هنتو ن ووزار ت زراعت حالیه) خیمه گاه‌سپا ه اعزا می ولایت‌بدخشا ن‌قرار یافت و تا مد تی‌که خر قه نبو یه(ص) از برا ی زیار ت کردن مردم اطرا ف کابل در همین حصه (که‌بعدا زیار ت سخی شاه مردان‌نامیده شد) گذ اشته بود وخیمه هـــا ی‌عساکر محافظ در اطرا ف آن ساحه یعنی ارا ضی تحت کاریز علی آباداستوار بود واین عسا کر که د ر تنظیم و لایا ت شمال وانتقـــا ل‌خر قه واجب التعظیم از فیض آباد تاکابل خد مت کرده بودند خودرا خیلی ها سرافراز میدا نستند،واین عساکر ی بود که در تمام لشکـــرکشی های عهد احمد شاهی اشتراك داشتند و کار دید ه مردان‌مجا هدومبارز بودند .

قلعه وارا ضی علی آباد کابل به‌وزیر شاه‌و لی خا ن تعلق داشت.(۲)

* * *

مر حو م محمود طرز ی دروصف‌کابل گفته است :

افغانستا ن که دولت مختا ربافر است
کابـــــل‌وراست مرکز و از جمله‌برتر است

---

(۱)دیوار های تاریخی شهرکابل‌تاآنو قت ها استوار و محیط بـــر نوا حی شهر قدیم کابل بود .یعنی‌حصص خار ج آ ن دیوار اطرا ف، شهر را خار ج حصار یاد می‌کردند.

(۲) علی آباد تا زما ن نوادگا ن‌وزیر شاه‌و لی خا ن در ید تصرف آن خاندا ن بود .

در لفظ نام خوب وی ارآوری نظر
یا بـی‌میان گل تو یکی آب چون گهـــر
کابل بود که تختگه دو لتست او
کابـــل بود که منبع هر عزت اســت او
کابل بود که هست به اسلام از وامید
زیرا کـــه هر زمان زترقی دهد نویـــــد

علی آباد

(اولین مقام خرقهٔ شریفه در کابل)

قلعه و باغ وساحه زراعتی موسوم به علی آباد در سمت شمال شرق چهار دهی کابل از مرور دوصد و بیست و پنج سال به همین نام مشهور است. دراین ساحه شاه ولی خان اعتماد الدوله زمین داشت. قلعه و باغ او در ساحه پوهنتون حالیه واقع بود (۱) در

---

(۱) محل پوهنتون و حصه یی از دارالمعلمین و مرکز تحقیقات اسلامی متعلق به وزیر شاه ولی خان و تازمانی که حافظ عطا محمد خان وحافظ غلام احمد خان پسران وزیر شیر محمد خان ابن وزیر شاه ولی خان حیات داشتند، مربوط آن خاندان بود و غلام رسول خان ابن غلام احمد خان تا هفتاد سال قبل از امروز در حصه شرق دارالمعلمین حالیه قلعه و باغ داشت و قلعه کلوخك مشهور بود ودرسال ۱۳۲۵ شمسی تخریب گردید. کاریز علی آباد از ساحه جنوب بده نانه چی سر چشمه گرفته واز بین قریه جواد بیگ و قریه نوروزك به طرف باغ واراضی جریان می پذیرفت و اکنون هم جریان دارد.

اوایل سنه ۱۱۸۲ قمر ی و قتی که‌محمل خر قه مبار که به کابـــــل پرتو نزو ل نمود احتراما تصو یب‌به عمل آمد که محمل خر قه شریفه در خار ج حصار شهر و در دا مان‌کوه در محل گو شه و منزه و دور از مناز ل گذاشته شود . و تاچندوقتی‌که زائرین از شهر واطرا ف کابل میرسنددر همانجا مشر ف شوند.چو ن زایرین به کثر ت می‌شتافتند درو قت رو ز بالای سنگی کـــــه‌سورا خ دارد می گذاشتند ــوزایرین از سورا خ آن عبور می نمودند .

بعد از آنکه خر قه شریفه ازکابل‌به قند هار نقل داد ه شد (همچنان که محل قدیم خر قه شریفــه د رسمر قند بعد انتقا ل آن ــزیار ت شاه مردا ن نا م گذا شته شد .

بعد انتقا ل آن از کابل‌به قندهار،محل آن امانت مقدسه رانیز زیار ت شاه مردا ن یاد کردند . و چنانکه‌درسنه ۱۱۸۷ قمر ی چاه آ ب نیزدر نزدیك آن حفر و در ختان توت‌غرس‌گردید . و جلگه سمت غر ب آن‌بنام چمن شاه مردا ن مشهور ماند).

واینکه خرقه شریفه توسط شاه‌ولی خان ا عتـــما د ا لد و له از فیض آباد بدخشا ن به کابل نقــل‌داد ه شد و هم اینکه کار یزوساحه زراعتی و جلگه سمت غر ب آن اززما ن خود و زیر تا دور ه‌نوادگانش در تصر ف آ ن‌خاندا ن‌وبه کمــك‌آن خاندا ن قلعچه یی هم‌برای‌مسکن متولیان زیار ت شاه مــردا ن (۱)درنزد یکی آن تعمیر گردید ه بود.

---

(۱)گنبد زیار ت موسو م بـــه‌سخی شاه مردا ن ــ در سنه۱۲۹۸ شمسی از طر ف سرور ســلطا ن‌علیا حضر ت سراج الخوا تین‌والده غاز ی امان‌الله شاه ــبه شکرا نــه‌حصو ل استقلال کامل افغانستا ن تعمیر گردید و درسا ل ۱۲۹۹ ش‌اتمام یافت. و قبلا محو طه یی از سنگ داشت . ودیگی از مســــس‌نیز تهیه نمود . و مفصل ایـــــن گزار ش را در دیگر صفحا ت نیــزنوشته ام .

این افتخا ر برای آن خانواد ه باقی‌ماند . چراکه پسر ونواده گان وزیر هم در زمان خود مردا ن صاحب‌قدر ت بودند .

روایتی است در و قتی که وزیرشاه‌و لی خان و پسرش وزیر شیر محمد خان در نزدیك کاریز(پـــوهنتو ن حالیه) قلعه وباغ طـرح‌و احدا ث نمودند ، به همان حر مت‌این سا حه را علی آباد موسو م کردند . و البته این قصه ایست‌که از زبانها شنید ه در اسنـــاد نخوانده ه ام . وهم روایتی است‌که‌شخصی علی احمد نا م یکنفرپهلوان در اینجا آبادی نمود ه وبنـــــا م‌اوعلی آباد مشهورماند ه است .اما مسکن گزید ن خاندا ن وزیر شاه‌ولی خان در کابل در گذر وزیـــر نزدیك بالا حصار واین سا حــــه پوهنتون کاملا محقق است.

وصول خرقهٔ شریفه

در قندهار

امپراتور بزرگ افغا نستان احمدشاه دردرا ن و صو ل خر قه‌مبارکه را در کابل منتج فیو ضا ت غیبی و عطو فات لا ر یبی دانسته بـعد از صرف صد قا ت و زیارتش با خودبرداشت . یعنی خودرا مطلقامسوول خدمت و نگا هدا ر ی و شـر ف‌تولیت آن دانست و کلید صندو ق مبار ك را شخصا به‌ید اختیا رخودگرفت و در خار ج حصار شهرکابل در محل گوشه و آزاد و منزه وامان‌کوه گذاشت ودستور داد که‌خیمه‌گا ه عساکر محافظ در اطرا ف‌بعیدآن استوار گردد و چند هفته‌ازبرای زیار ت کرد ن اهالی شهر واطرا ف‌کابل گذاشت و محل آن در کابـــل همین جا یی است که مردم سخـــی‌شاه مردا ن یاد می کنند .

وسا ل انتقا ل خر قه شریفه راز کابل به قند هار اینجا بایـــــد تصریح کرد که :

اول حمل سا ل ۱۱۴۷ شمسی‌مطابق دوم ذیعقدة ا لحرام سنــه ۱۱۸۱ هجر ی قمر ی است .

احمد شا ه درا نی که از ایا م‌بهارسا ل ۱۱۴۶ شمسی تا بر ج حو ت سا ل مذکور در کابل اقامت‌داشت . در بر ج حو ت سال۱۱۴۶ ش از کابل به قندهار فرمان‌فرستادوشا هزاد ه سلیما ن دو میـــن

پسر خود را بکابل خواست.وتاریخ‌ورود او د رکابل برج ثور ســـا ل ۱۱٤۷ شمسی مطا بق او ایل محرم‌الحرا م سنه ۱۱۸۲ قمر ی است . احمد شا ه درا نی به تاریخ(هشت)جو زا (یازد ه) محرم جانـــب چهاریکار عزیمت نمود و روز(ده)جوزا (سیزده) محر م شامو لـی خان و زیر را جانب بد خشـــا ن‌فرستاد :

اینکه تاریخ و صو ل خر قـــه‌شریفه در قندهار (نه) ربیع‌الاول سنه ۱۱۸۲ قمری (مطابق ۳ برج‌اسد) تعیین شده ممکن سهو‌واقعه نگار باشد و حقیقت چنا ن مینما یدکه تاریخ و صو ل خرقه در قندهار (۹)جماد ی الاو ل مطابق اوایل‌برج‌میزا ن باشد .واینکه نسبت‌گرفتاری های مهمه در انتقا ل خرقه شریفه‌احترا ما از عجله کارگرفته شد ه باشد طر ف قبول می نمایـــد وشاهزاد ه سلیما ن درانی درایا م تابستا ن از کابل به همراه محمل‌خر قه متبر که عزیمت قنـد ها ر نمود ه باشد . واین یاد داشتـــی‌بود و چو ن در ماخذ (۹) ربیع‌الاول سنه ۱۱۸۲قمر ی تاریخ و صـــول‌خرقه معظمه در قندهار تعیین شده تردد نمی ورزیم .

(افاض علینا من بر کاته) رجال‌موظف که عده زیاد علما و عساکر وخوانین بودند خر قه شریفه را بااعزاز واکرا م تمام‌برداشته‌در منزل اول در علاقه میدان رسانیدند و درسرا ی مسجد ی نزدیك ده افغانان بالا ی صند لی گذاشتند . بعدبر داشتن از آنجا ا هـــا لی آنگوشه سرا ی را زیار ت قرار داده‌اطراف‌صند لی را دیوار کرده پوشانیدنده شمعد انها گذاشتند . زیا ر ت‌مو صو ف موجود اس ت‌و به همیـــن آداب تا قندهار رسانیدند و تاریخ‌وصو ل خر قه شریفه در قندها ر (۹) ربیع الاو ل سنه ۱۱۸۲قمر ی(مطابق سو م برج اسد ســـا ل ۱۱٤۷ شمسی) است‌ودر اولیـــن‌مسجد جدید التعمیر که در سنـــه

۱۱۷۲ قمری کار تعمیر آن اتمام یافته بود گذاشتند(۱) و تا سنه ۱۱۹۰ قمری در همانجا بود .

درایام طی طریق محمل خرقه شریفه از فیض آباد تا کابل واز کابل تا قندهار محمل مبارك رابر پشت اشتر می گذاشتند.ودروقت فرود آوردن در هر منزل مفروشات جدیدی را که قطعا استعمال نشده بود ـ هموار کرده صندوق مبارك رابا لای آن ودریك حصه مرتفع می گذاشتند . ودر هر بار فرودآوردن مبلغ کثیر نذر و صدقه می کردند و در هر منزل بعد فرودآوردن رقعه یی نوشته و حکم آویختن بگردن اشتر میدادند ومی نوشتند که با لای این اشتر خرقه مطهره حمل شده وهیچ کس حق بارکردن وسوار شدن ندارد واین اشتر ازخدمت آزاد است واشترآن آزاد شده را حمایت می نمودند. واهالی در هر منزل ـ محل فرودگاه خرقه شریفه را سنگ چینی واحاطه میکردند .

احمد شاه بزرگ ـ که شهرجدید قندهار را درسنه ۱۱٦۹ قمری بنا واشرف البلاد نام گذاشت .و قتی این فیض ربانی به آن شهر پر تو وصول و نزول نمود ـ باور میشودکه در عالم رو حانیت و کرامت این حقیقت را دریافته شهر بنا کرده خود را ازباعث ورود وو صول خرقه متبرکه به آن نام قبلا اشتها رداده بود و چنانکه حق به مرکز خود قرار گرفت واین نام رادرسکه بی دولت و فرمانها وو ثایق ونامه ها درج نمود . یعنی درافغانستان دو افتخار (فیض آباد)و (اشرف البلاد) از همین احترام پرتونزول خرقه واجب التعظیم حضرت رسول کریم (ص) ایجاد شده است .

---

(۱)این مسجد به سمت جنوب گذر بر درانی واقع است وقندهاریان حال (زاړه مسجد) یعنی مسجدقدیم یاد می کنند .

واما اشر ف البلاد از لحاظ مجـاهد ت در راه دين اسلام وحصو ل استقلال وپيو ستگی داد ن همــــه ولايا ت معرو ف از كران تاكرا ن د رداخل يك قملرو و در تحت يك نظا م امپرا تور ی اسلا می به تمام معا نی تر جيح و تفا ضل دارد .

وقند هار قهر مان را مركـــز بزرگ اجتماعا ت و صلح وامنيت عمو می افغا نستا ن می تـــوا ن قبو ل كرد .

* * *

اهل حق را زندگی از قوت است　　قوت هر ملت از جمعيت است

تاریخ انتقال خرقهٔ شریفه

درنظم

تاریخ انتقال ووصول خرقهٔ شریفه از جوزگون (فیض آباد) به اشرف البلاد (قندهار) به قرار این نظم بیان شده است :

زهی خرقه با سعادت که شد | خراسان ز فیض قدومش منور
معلی جناب احمد آن شاه والا | که بد رتبه اش برتر از بام اخضر
به بازو چو رستم به هیبت چو دارا | به حشمت سلیمان به تکمین سکندر
مطیعش زمه تا به ماهی جهانی | بپا بوسش آسمان حلقه بر در
از آنجاکه آمدزوپیش داشت مسکن | حب حق تعالی و حب پیمبر
فرستاد در جوزگون بهر تعظیم | ولی خان وزیر خود آن نیک اختر
که تا آورد خرقه شاه لولاك | حبیب خدا شافع روز محشر
بیاوردش از جوزگون آن نکونام | بصد عز و تکریم بسیار و صد فر
نهم از ربیع اول وروز دوشنبه | که شد قندهار از نزولش معطر
بالف ماته ثمانین و اثنان | خرد گفت بنویس تا ریخش اندر

(۱۱۸۲ق)

نظم فوق به خط صوفی عبدالحمید خان ـ در مدخل دروازه ودالان زیارت خرقه شریفه درسنه۱۳۲۷ قمری نقش شده است .

قندهار و خرقهٔ شریفه

«کلام محمود طرزی افغانی»

خوش آب و خوش هوا ولطافت‌نثار شد
شیرین‌بود که نام خوششش قندهار شد

فخر رسل محمد مختار کزشرف
عالـــم بنور او شده از جهل بر طرف

یك خرقه مقدس از ثوب‌پاك‌خویش
بهر اویس کرده عطا در زمـان پیش

آن خرقه مقدس پاك این‌زمان‌کجاست
پرسی کجابگوی که در قندهار ماســـت

این است فضل باقی این شهربی نظیر
قدسیتش‌قیاس کن ای ذات خوش‌ضمیـــر

دراین ولایتست اراضی پرشرف
انهار بس‌بزرگ دران جاری هر طـــرف

اقوام پرسلاح اصیـــل دلاوری
در روی‌شان ستاده چو شیران غاوری

قندهار و خرقهٔ شریفه

کلام علامه اقبا ل

دو کشور سر بر اقبا ل شاعرشهیر ق ـ در برج عقرب سا ل ۱۳۱۲ شمسی حینی که از کابـــل‌وارد قند هار و به زیار ت خر قه شریفه مشر ف شد .بااحترا م آن‌شهر وزیار ت مقدس گفت :

قندهار آن کشور مینو سو اد — اهل دل را خاك او خاك مـــراد
کوی آن‌شهراست ماراکوی‌دوست — ساربان بربند محمل سوی‌دوست
خرقه آن بر زخ لا یبغیـــــا ن — دید مش درنکته (لی خر قتا ن)
آمد از پیرا هن اویـــــو ی او — داد مارا نعر ۀ الله هـــــــو

اولین فرمان دولت افغانستان

در خصوص مقرری متولی خرقه شریفه قندهار

در اول باید گفت که : مقصدازدرج این همه متون واسناد آن‌است که علایق مزید واحترام نهایت زیادمردم مسلمان افغانستان را در حفظ و نگاهداری خرقه واجب‌الاحترام حضرت سید الانام از مرور تاریخ نشان میدهد .

چون سر قهرمان دلیر افغانستان احمد شاه امپراتور بعد وصول خرقه معظمه در قندهار ووصول خودش بعد از یک سفر فاتحانه از بلاد شرقی امپراتوری به قندهار - از ابتدای سنه ۱۱۸۳ هجری قمری اراده لشکرکشی برای تنظیم بلاد غربی قلمرو امپراتوری افغانستان داشت.و تاعشره ثانی شهر محرم الحرام سنه مذکور خدمت تولیت خرقه معظمه‌را بدوش خود و کلید صندوق مبارک محمل خرقه را بدست خود و آن امانت نهایت بزرگ را در اولین ، مسجد بنا کرده عهد دولت خویش (زاړه مسجد) نگاهداری می‌نمود. مطابق رای و تصویب و انتخاب اعضای دولت - الحاج مولوی عبدالحق (ولد حاجی ملاشکرولدحاجی ملاز لال قوم یعقوب زایی الکو زایی را به خدمت تولیت خرقه مبارکه مقرر فرمود و به مهر خود و اعضای دولت و مسوولین اموردار و حساب فرمان نوشت که

فرمان اعلیحضرت احمد شاه درانی – که در شهر قندهار برای مقرری متولی خرقهٔ شریفه نوشته اند

اینك سراسر نقل مهر ها وعبارات فرما ن را درج مینمایم، و سراسر نقل عبارا ت اسناد وار قام دولت افغانستا ن ــ بر علاو ه خد مـــت نگاهدار ی و حفاظت خر قه مشرفه برای معر فی نا م هاو تذ کار اصطلاــ حا ت ادار ی وطرز انشا ه (قرن ۱۱، ۱۲) هجری و بزرگی همت و استقلال کامل افغانستان تاثیر بسیار دارد.

الملك لله
الحكم لله یا هو یا فتا ح
احمد شاه درردرا ن
۱۱۷۵

اعوذ بالله تعا لی - حکم همایون‌شد : آنکه بنابر مرا حم بیکرا ن خدیوا نه و مکار م بی پایان‌خسروانه‌در بار ه فضیلت و کمالات پناه‌افادت وافا ضت دستگا ه‌حا جی ملاعبدالحق‌درانی الکوزا یی که درین و قت‌ذره از پر تو انوار خورشید جهان‌افروز خسروا نی تجلی بخش شبستان- آمال وامانی مشا ر الیه گردید ه ازابتدا هذه السنه مبار که او ایل‌ترکی سا ل گاو اورا بر تبه رفیع‌المرتبـه‌تولیت خر قه مشر فه متبر کـــه حضر ت سید المر سلین و خاتـــم‌النبیین (ص) که در اشر ف البلاد احمد شاهی است سر افراز ممتازبین الا مثا ل والا قرآن فر مودیم‌که چنانچه باید و شاید واز جو هر کاردانی و صلا حیت اوسزد و آیدبلوازم امر مزبورو مراسم شغل مذکور قیام‌واقدا م داشته در سر پرستـــی و عزت واحترا م و محافظت خر قـــه‌مبار که و جمیع متعلقا ت امرتولیت مزبو ر لاز م سعی واهتمام تمـــا م‌به عمل آورد ه دقیقه از دقایـــق ملزو ما ت امر مزبو ر رافرو گذاشت ننمایدونحوی نما یدکه‌حسن‌خدمت‌او

ظا هر شود و هم تحصیل دعا یخیرجهت ذا ت ستود ه صفا ت اشرف بود ه باشد و خر قه مبار که را به‌نحو ی که در صندو ق است‌درهمان صندو ق باشد و سر صندوق که‌قفل‌شد ه است به هما ن‌نحو بستـــه باشد و بدون حکم نوا ب‌همایو ن‌مابه حکم دیگر ی سر صندو ق مزبور را باز نکنند ومرد م که زیا رت‌می‌نمایندهما ن صندو ق را زیار ت کنند واحد ی از خد مان اشـــر ف‌تخلف نور زد . حکا م و عمال‌ومباـ شرین و جمهور خلـــق الله‌سکنای‌اشر ف البلاد احمد شاهی و غیر ه حسب المقرر حا جی الحر میـــــن‌حا جی عبدالحق متولی خر قه متبر که وملزو ما ت‌امر مزبور را متعلـــق‌با و شمرد ه دربا ب زیار ت آ ن نحو ی که امر شده معمول داشته‌تخلف نور زند. مستو فیا ن عظا م ولشکر نو یسا ن کرا م صور ت‌رقم مبارك را در دفاتر لا زمه ثـبت‌و حسب المقرر معمو لدا شته‌در عهده‌شنا سند .

فی (٢٦) شهر محرم الحـــرا م‌سنه ١١٨٣.

نقو ش مهر های ظهر فر ما ن‌دارا ی این عبار ات است :

١ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌محمد قاسم ـ١١٦٠

٢ـعبدالرحیم ابن علی ر ضاء

٣ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌محمد هاشم

٤ـآصف بار گاه شاه در ا ن زدل شده‌غلام بهادر شهو لیخا ن

٥ـــعبده گل محمد

٦ـ لاالاله الاالله الملك‌الحق المبین‌ـعبده یاقو ت

٧ـ لااله الا الله الملك الحق‌آلمبین‌ـعبده امان الله

٨ـعبد ه سعاد ت .

وقف نامهٔ خرقهٔ شریفه

نهر جدید قندهار مشهور به نهر احمد شاهی که امپراتور احمدشاه درانی در زمان حیات حفر و آبادساخته ومردم قندهار (شـــاه واله) یاد می نمودند.

نهر مذکور واراضی تحت آب آن که مال و ملك در خور شـــان خدمت تولیت خرقه مشرفه مکرمه دیده میشد . در شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹٦ هجری قمری (مطابــق بارس ئیل شمسی) به مهر هفت پسر آن امپراتور بزرگ و قف خرقه شریفه گردید . چرا کــــه احمدشاه مرحوم خود این حسن نیت را داشت وامپراتور تیمورشاه بروی سند معتبر به مهر خود وشش برادر خود این حسن نیت را

به جا آورد (۱) و قفنا مه خر قـــهشریفه که بدست حا جی عبدالحـق الکو زا یی متولی (ابن حاجـــیملا شکر ابن حا جی ملازلال‌یعقوب زا یی الکوزا یی) سپرده شـــده‌سرا سر متن آن از ین قرار است :

هـوالله تعالی مالك الملك والاستحقـاق ولله مـیـراث السموات والارض وهو بکل شی خبیر .

---

(۱)وفا ت احمدشا ه بابا ظهــرپنجشنبه (دوم) ربیع الاو ل سنه ۱۱۸٦ق در ولسوالی مر غه ودفن‌درسا حه دولت خانه شهر جد یـد قند هار جمعه (۳)ربیع الاول .

جلوس تیمور شا ه (۱۹) جمادی‌ا لا و لـــــی ســنه ۱۱۸٦ ق ، انتقا ل مقر دولت امپرا تو ر ی‌از قندهار به کابل ـ صفر سنـــه ۱۱۸۷ق، ختم کـــار تعمیر خرقه شریفه وآرامگاه احمد شاه بزرگ درسنه ۱۱۹۱ق، تاریخ تحریروثیقه‌آرا مگاه ا حمد شاه بـزرگ‌درسنه وقف نـامه خرقه شریفه ر جــب سنه ۱۱۹٦ ق .

الملك لله
علم شد از عنایا ت الهی
بعالم دولت تیمور شا هی
۱۱۸۶

بسم الله الر حمن الر حیــــم ــحمدا لمن و قف علی خفیا تالسرایر ومر کو ذا تالضما یر و شکرا لمنواقف من کنه معر فة افها م الواقفین من ذ و ی الابصار و البصا یـــروالصلواة و السلام علی النبـــــی المصطفی المجتبی المعلی اشر ف الا وایل والاواخر وعلی الهآلطاهرین الوا صلین و اصحا به الکا ملیـــنالمجتنبین صا حبی المکار موالماثر من یو منا هذا الی یو م تبلیالسرآیر

اما بعد

برای هدایت ضیا ی واقفا نحقایقآثار نا متنا هی وواقفا ن پیشگا ه دستگا ه امکا ن و پرده کشا یرموزکنو ز اسرار الهی ـ که ضمایــر بیضا نظا یر شا ن ــاز اشعا تشار قات مشکوة .

الذین یو منو ن با لغیب ویقیمونالصلواة ومما ر زقنا هم ینفقـــو ن جا میست جهان نما وبر کا شفا نسرایر کار خانه کن فکا نـکه خاطر آفتاب تاثیر شان از پرتو لمعات بارقات :ـ منتنالو ا البر حتیتنفقوا مما تحبون ـ به مثابه مر آتیست.

حقیقت نما صور ت این معنی روشن وهویدا و معنی این صور ت مبرهن وپیدا ست که اقدام در طریقــــه انفا ع واتفا ق و قیا م نمود ن بـــه وظایف بذل و انفا ق ــمور ث جزا ی جزیل و مودا ی من کان یزید حرث الاخرة من دله فی حر ثه بر این معنی از واضحا ت ذیل است و شـــك نیست که فاضل ترین خیرا ت جاریه ونافع ترین میرا ث مستمر ه وافیه که ثمرا ت آنها به فیضا ن شایسته لامقطو عة ولا ممنو عة موصــو ف است . ودوا م آنها بر توا لی ایام وشهور منطبق و بقا ی آن باتما دی اعوا م ودهور موافق است و نه زمانه ناساز رابر انقطا ع آنها دستی ونه از تزلزل دورا ن ناشکیبا ارکـــا ن بقایش را شکستی ا ست و آفتاب عنایت ابد ی و نجو م سعاد ت سرمدی از آفا ق اقبا ل مقبلی وازسمای اجلال صاحبد لی طالع و لامع تواند گشت که بعد از ادای مراسم فرایض وواجبا ت و پس از اجرای لواز م نوافل و مستحبا ت همگی اوقا ت بر حر ف انوا ع خیرا ت وو قــف اصنا ف مبرا ت که هریك آنهـــا عندالخالق والخلا یق موجب حصول در جا ت علیه وو سیلة و صول به مراتب عالیه است . بموجب کـــلام حقیقت نظا م.

حصلو اا لا خر ة بتر ك الدنیا ولا تحصلو اا لدنیا بتر ك الا خـــر ة مصرو ف و معطو ف دارد بیت :

گوی مراد در خم چو گان سروریست کانرا بخیرخواهی بیچار گان سریست

لاجر م هریك ازبنده گا ن خداوندوادار وپیروان طریق انیق حضر ت احمد مختا ر بر ضا ی ایزد کردگاروخوشنود ی جنا ب سید ابرارو ، مـصداق کـــلا م بـــا بـــشارت ایثار الد نیا حسن العبادة وافضل السعادة ــ مبا درت بروقف ضیاع وعقا روبذل صحار و انهار نمایندتا

بـــعر و ج د ر جـــــــا ت فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر مشهور و معرو ف گردند .

پس در صور ت هر صا حبا نـی‌عقو ل معقو ل و عارفا ن حقیقـــت شنا س فحو ل که‌پنج روز ی درین‌سرا ی سپنج وماوا ی پر درد ورنج رخت اقا مت افگنده و افراد اورا ق‌لیا لی وایا م بی ریب و مین من‌حیث والو جهین بانظا ر اعتبار دیده وسنجید ه اند بقر ینه‌و قیاس‌استدلال کرده اند که عمو م‌معا شر ناســ‌از پیرو جوا ن عاقبت ازین جها ن سالك طریق و حشت رفیق فنـــاوخسرا ن واز پی هم روا ن‌وشاهان با عز ت وناز وگدایا ن باعدم آزدمساز باکمال سوز وساز بسو ی شهر ستا ن عدم گر م عنان‌خواهندبود . لهذا عاقلان عار فـو عا مـلان واقف آنا ن اند که درین دار غروروسرا ی پر فتو ر در صر ف ما لـو اموا ل حتی المقدو ر به محضـــ‌رضا ی خدای غفور به هیچ و جـه اهما ل و قصورننمایند تا بفحوا ی حقانیت مقرون من عمل صالحا من ذکر وانثی وهو مؤمن فلنحیینـــا حیواة طیبة ولنجیز ینهم اجرهـــم باحسن ماکانوایعملون. آیـــه ۹۷ سوره نحل .

من عمل صالحا من ذکر وانثی وهو مو من فلنحیینه حیواة طیبة و لنجیز ینهم‌اجر هم با حسن ماکنوایعملو ن آیه ۹۷ سور ه نحل

از لطایف بیعد یل حضـــــر ت‌مستعا ن جلیل مستوجب‌اجر جمیل وجزا ی جزیل شو ند وذیل مرا م‌به‌نیرو ی بازو ی اعتصا م بهر حا ل در انجا م این مها م برمیا ن‌اهتمام‌استوار سا خته جلوه گر میدا ن‌عدیم الطو ل والعرض .

سابقو ا الی مغفر ة من ربکـــم‌وجنة عر ضها کعرض السـما ء و الارض اعدت للمتقین ، باشد.

بنابرا ن در ین آوا ن میمنـت‌اقترا ن که اوایل جوش بهار دولت گیتی امتداد واو اخر عمر و زوا ل‌روزگار اربا ب حسد و عنادومبدا ء

سال فرخ فال‌سعادت قلیل بــارس ییل وشهر رجب المرجب‌سنه (۱) سنیه ست وتسعین وماته بعدالالف‌من الهجر ة النبو یة علیه الصلوا ت اکملها و من التحیا ت اجملها استما مو ل عطیا ت حضر ت خالـــق البریا ت و مشمو ل حقایق ومعانی‌این مقا لات‌عاکس مرا ت حقیقت‌نمای آیا ت و زوایا ت فوق الذکـــــر المورد با لعنا یات الا بــد یـــا والسعادات السر مد یة‌تاج السلطنه‌القا هر ه وسراج الدولة البا هر ة اعظم الملو ك‌والسلا طین قهر مـــان‌الماء و الطین دافع سمو م الظلم و النوایب بالرای والتد بیرا بصایب‌مالك رقاب ملوك‌الا فاق و الملاك المخیم جا ها فو ق السماء والسماك‌جلال الدنیا و الدین مرو ج الاسلام ومعین المسلمین ظل الله فی الافاق والارضین .

بیت

بپا ی جا ه فلك راکشید ه‌زیررکا ب
بد ست‌امر جهان راگر فته زیر نگیـــن

وانکه در عهد حکم و فر مـــانش
هست‌سایر فلك بدو را نشـــــــس

کس پراگند ه نیست جـــزگلبرگ
هیـچ‌مظلو م نیســـــت جز بیـــداد

اختر دو لت زمیـــــن وسماء
گـوهر نســـــل آد م.و حـــــو ا

جز ز نصر ت سـوا د نا مۀاو
شـب‌دولـــــت مداد خا مـــۀ ا و

---

(۱)سنه ۱۱۹٦هجر ی قمر ی مطابق‌دهمین سا ل جلو س تیمورشاه برتخت امپرا تور ی درانی .

بیت

کریم خلقه خلق الا لهـــی عدیم الشبه من مال و جا هـــی
تعالی رایته الی اللا تنا هـی مطا عا فی الاو امر و النوا هـــی

* * *

السلطا ن بن السلطا ن والخاقان بن الخاقا ن مهر سپهر دولت وانتباه ماه فلك حشمت و جاه الموید بتا ئیدا ت الاله تیمور پادشا ه لا زا ل جلال ملکه وسلطا نه وافاض علی العا ملین بر ه و احسا نه و نو باوگان حدیقه جا ه وجلال ویگانه گو هرا ن عزت و اجلال درار ی ابهت و اقبا ل نقا ط دوایر بر وافضا ل بهمیـــن نتایج خاندا ن سعاد ت نشـــا ن و سلاله های سلسله شهنا مت و شان شا هزاد ه سلیما ن و شا هزاد ه اسکندر و شا هزاد ه پرویز وشا هزاد ه دارا ب و شاهزاد ه شهنا ب وشا هزاد ه سنجر طول الله اعمارهم بمضمون آیه وافی هدائیه:

مثل الذین ینفقو ن اموا لهم فـــی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبـــع سنابـــل فی کل سنبلة مائة حبـــة والله یضا عف لمن یشاء موفـــق بتوفیق ایزد ی گشته در حین صحت نفس و اعتدا ل مزا ج از رو ی رضا ورغبت و قف صحیح مخلد مو یـــد شرعی نمودند همگی و تما می نهر جدید مشهور به نهر احمد شا هی واقع در اشر ف البلاد احمد شا هی مع آب وارا ضی معینه متعلقه آ ن که ازآب نهر مزبور مشرو ب و زراعت میشود و بند آب نهر موصو فه ازرود خانه ار غنداب جدا میشود واز طرف مغر ب و شما ل به جانـــب مشر ق و جنو ب جار ی وبه باغ جدید مبینهٔ خاقا ن علیین آشیا ن احمد شاه درد را ن انار الله لـــه البر ها ن که بمنزل با غ موسو م است . منتهی میشود و سلطـا ن مبرور در حین حیا ت خود به ما ل حلال و سعی جمیل بر ضا ی رب جلیل حفر و آباد سا خته و مـــا ل مملو ك و مورو ثی واقفین مزبورین است سوا ی با غ دیوا ن خانـــه وحر مسرا و انار با غ و مجلس باغ

ومنزل با غ که از آب نهر مزبو رحقا به دارد ومشرو ب میشود واز اوقا ف مزبور ه سو ی و مستثنی‌است و سوا ی طاحو نه جد ید که عالیجا ه رفیع جایگا ه فضیلت وکما لات پنا ه افاد ت وافا ضت دستگا ه علامی فهما می اعلم العلماءوافضل الفضلاء مقر ب الحضر ت الخاقانیه اقضی القضا ة ملا فیض‌اللهخا ن پشینما زسر کار خاصه‌شریفه وقاضی عساکر نصر ت ماثر که برسر نهر مزبو ر به مال و رجا ل‌خود آباد و به آب نهر مزبو ر درگر واست‌وسوا ی ملاك متعلق‌به آن نهرکه به ار بابی عمل وبه تصرف مـردم‌است و از قرار ارقا م مغفورونواب همایو ن ماتعلق به آنها دارد مقرر ومشرو طبر آنکه موقو فا ت مذکورات بکل قلیل و کثیر مو فیها او منهـامن ... الدا خلیةو الخا ر جیة .

وقف مزار فیض آثار سلطا ن ،جنت مکا ن بود ه باشد و تولیت جمیع محا صلات و متعلقا ت آن رابه‌فضیلت و کما لات پناه حا جـی الحر مین الشر یفین حا جی‌عبدالحق درانی الکوزایی متولی خرقه لمبارکه مفوض و مرجو ع داشته که‌هرسال‌وهر ماه و هر روز جمیع محصولات نقد ی و جنسی آن را از قرار ی‌که‌معین و مشخص و رقم‌مبار ك درآ ن با ب بشر ح و تفصیل صـــا درگردید ه خر ج بلقو ر یو میه‌وصرف فقرا و مساکین واربا ب استحقا ق‌وفاتحه ودعا ، جهت رو ح‌کثیــر الفتو ح خاقا ن مبرور و مغفر ت وآمرزش اوحاصل وواصل نماید و واقفو ن مزبور و ن نهر مغو ته رامع محدو دا ت معینه آن ازتصر ف خود خار ج و بو قفیت موقوف‌نمودندکه اخد ی از معا شر مرد مان ا ز وضیع و شریف بو جهی ازو جو ه‌تغییرو تبدیل در آ ن راه نداد ه‌از شایبه ریب و ریا معرا و مبـــرادانند .

هذا و قفا صحیحا شر عیا مخلدامو یدا صد قة جا ریا لاز ما جاذمابه جمیع شرایط الد عو ی و الشهـا دةحیث لایباع ولا یو هب ولایود ثولا ینتقل من ملك الی ملكو لایبد ل‌بوجه من الوجو ه وسبب من الاسباب فمن بد له بعد ما سمعه فانما اثمه‌علی الذین یبد لو نه والله سمیــع علیم و کان ذا ك فی تاریخ‌الصدر .

تاریخ صدر شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجر ی قمر ی مطابق
بارس ئیل شمسی و از تاریـــخ تحریـر آن و قف نامه تاااین سنه
۱٤۰۷ هجر ی قمر ی دوصدویازده سا ل می گذرد .
درو قف نا مه مذکور سه مهردارا ی این سجع ها نقش می باشد:

یار ب لطف کن بر سرسلیما ن

* * *

یار ب دل کا میا ب دا راد
سا لار سرا ن دارا ب داراد

* * *

یارب چون سوای تو روز رستخیز
ندارد فر یاد رس پرو یز

* * *

شهزاد ه شها ب

ورقه و قفنا مه به خط زیبا ی نسخ و نستعلیق و به کاغذ تقریبا یک متر وبیست و پنج سانتی طو ل و تقریباسی سانتی عرض می باشد به ساعت (سه) بعد از ظهر چهار شنبـــه (بیست و نه) حمل ســـا ل ۱۳٤۱ شمسی در منز ل شخصی آخو ندزاده حا جی عبدالرزا ق (ولدحاجی عبدالحمید و لد محمد صدیق ولـــدمحمد عثما ن و لد حاجی حفیظ الله ولد حا جی عبدالحق آخو ند زاده)که موصو ف به عمر هشتاد سالگی واین و قت به مرض فالج گرفتاربود ــ ارا ئه گردید و برای در ج تاریخ خر قه شریفه بدون انـــد ک اختصا ر نقل بر داشتم تا حفـــظ صحیفه روز گار بماند .

* * *

در تاریخ خر قه شریفه دو باروقف ارا ضی را مطالعه نمودیم ــ اول وقف ارا ضی قریه ده بید سمر قندمرکز ماوراء النهر به فرمان امیر تیمور گور گان ــ و دوم درقندهار نهرشاهی به فرمان تیمورشاه امپراتور

افغانستا ن ، و البته موقو فا تخرقه‌معظمه. در طو ل مدت چهار ده صد سا ل از هر قسم زیاد بوده واما دربلاد خراسا ن و قف قریه ده بید سمر قند و نهر شاهی قند هارخیلی‌بزرگ است .

احمد شاه بز رگ در زمان حیا ت‌اگر که ارا ضی نهر شا هی راوقف خدمت تولیت نموده بود واما چون‌درسنه ۱۱۸۳ و ۱۱۸٤ ق مصرو ف یك لشکر کشی و هم دچارمریضی‌شدید گردید ـ ممکن نشد که وقف نا مه یی به طور مشخص دریـــن‌خصوص بنویسد . واما چو ن ایـن حسن نیت را داشت فرزند جانشین‌او تیمور شاه باتفا ق برادرا ن‌خود وقف نا مه یی به تاریخ شهـــررجب المرجب سنه ۱۱۹٦ هجر ی قمر ی نو شت که سرا سر متــن‌آن در این کتاب مندر ج است .

علم شد از عنایا ت الهی

بعالم دولت تیمور شاهی

اعوذ بالله تعا لی _ حکم همایون‌شد : آنکه فضیلت و کمالات پناه حاجی الحرمین الشریفین حا جـــی‌عبدالحق درانی الکو زا یی متولـی خر قه مبار که نهر شاهی اشر ف‌البلاد احمد شا هی بالطا ف رو ز افزو ن شاهاً نه سر افراز گشتـــه‌بدانند عریضه که درین و قت د ر خصوص احوا ل خود واینکه مد ت‌پنج‌ماه است که هر روز مقـــدار پنجاه من بوز ن تبریز ی نان پخته‌از بابت حاصل نهر شاهی بــــه خیرا ت فقرا ، ومساکین داده وبعدازآ ن به سبب خشك آبی و قلت غله تا حا ل مدت دو ماه است کـه‌روز سی من نا ن پخته‌به مردم می دهد وامسا ل آب بسیار شده‌است‌ودربا ب منزل باغ که حاصل ندارد مناصفه آن باغ انگور شود وایکه‌عالیجا ه میر علی خان اسحق زایی امیر آخور باشی سر کار سلا لـــه‌دود ما ن دولت واقبا ل نقا وه‌خاندان ابهت و اجلال فرزند ار شد ارجمندسعاد ت نمو ن نایب السطنته‌القاهره

شاهزاد ه همایو ن رمه خودرا همه‌اوقا ت در میان حاصل نهرشاهی سر میدهد ووالدا ن فضیلت پنا ه‌یك‌روز گو سفندا ن اورا از میانــــه حاصل برو ن کرد ه و روز دیگرآدم‌های خود را گفته بوده‌که بیست ـ سی نفر جمع شوند و گوسفندا ن‌را د رمیا ن حاصل سر داده خــود پنهان شوید و قتی که آدم های ،حاجی عبدالحق بیایند گوسفندا ن رابیرو ن کنند شما جمعیت خودرابرآنها برد ه بز نید روز دیگر کــه پسرا ن فضیلت پنا ه برسر حاصل‌بوده رمه آنها در حاصل آمده رمه اورا برو ن کرده است مردم امیــرآخور برو ن شد ه وپسرا ن‌فضیلت پنا ه و چند نفر کسا ن اورابسیار زده اند که یك ماه ونیم افتاده اند وازشکم‌آنهاخون‌میرود و شا هزاد ه‌بعد ازآن حا جی الحر مین‌را طلبیده وتسلی و استمالت کرده خاطرجمع‌نمود ه ومواد دیگر انفا ذ حضـــور ساطع النور نموده بود رسیدمضامین‌آن خالی را ی جهان آرا شدـاموری که انجا م داد ه ومیدهد خو بست‌درین‌و قت به فرزند عزیز امرشده که به حقیقت دعوا ی آن فضیلـت‌پنا ه ومیر علی خان رسیده هرگاه واقعی چنین کار کرد ه باشد اوراتنبیه نماید به همه با ب‌خاطر جمع بود ه مشغو ل امور خود باشد.فی(٤)شهر جماد ی الثانی سنـــــه ١١٩٧.

کسانی که در ظهر ورق فرما ن‌مهر کرده اند ـنا مها و عبارا ت نقوش مهر هریك شا ن ازین قراراند :

١ـاقل خلق الله عبداللطیـــف‌الجا می .

٢ـعبده نور محمد ـ١١٩٨

٣ـعبده محمد بهادر

٤ـصد شکر کانچه بود مرامطلب‌مراد
ازغلامی دولت شاهم رحیمداد

٥ـیا هاد ی لاری موسو ی

٦ـعبده محمد هاد ی الموسو ی‌ـ١١٩٠

پنجاه من نان پخته

در هر روز

ازسنه ۱۱۸۲ هجری قمر ی د رکابل و بعدا در قندهار در هر روز پنجا ه من نان پخته برای خیرا ت‌فقراء و مساکین از طر ف دو لـت افغانستا ن منظو ر گردیـــد.ودرقند هار از حاصل نهر شاهی که وقف خرقه شریفه گـر دیده‌بـود،این اصو ل جار ی بود . وارسا ل این فرما ن امپراتورتیمور شاه‌درانی‌موید و مصد ق آن گزار ش است، وخیرا ت عام مقرر بوده‌است .



منظرهٔ عمارت خرقهٔ شریفه (قندهار)

جیره و مواجب مقرری علما

از طر ف دولت امپراتور ی افغانستا ن برای علما مواجب مقرر ی مستمر ی منظو ر بوده وارقا می‌که در خصوص زیار ت مقد سـه خرقه شریفه وموقو فا ت‌آن صا درگردید ه موید این حقایق نیز مـی باشد واین رقم شاهد این حقیقت‌است که سراپا متن آن ازنظر مـی گذرد . وازرو ی رقم ثانی معلو م‌میشود که از سنه ۱۱۹۰ قمر ی‌مقدار یك من ده آثار نان جیره بـه پنج‌نفر عالم که در خر قه مبار کـه سوا ی پنج نفر که دا خل‌دستو ر العمل بوده‌اند مقرر بوده است .

در فرما ن مور خ ربیع الاول‌سنه۱۲۱۶ ق نیز در این خصو صـ اکیدا هدایت داد ه شده است‌ومتن‌فرما ن دراین کتا ب مندرج‌است .

بسم الله خیر الا سماء

الملك لله
علم شد از عنایا ت الهی
بعالم دولت تیمور شاهی
۱۱۸۶

اعوذ بالله تعالی ـ حکم‌همایو ن‌شد : آنکه فضیلت و کمالات‌پناهان ملاباشی وملامدا ح امین محکمه وملا الیاس و ملا پیر محمد کاکری وملا دوست محمد عزیز تبریز ی وغیره ملایا ن اشرف البلاد احمـــد شاهی بالطا ف روز افزو ن شاهانه‌سر افراز گشته بدانند که دریـــن وقت فضیلت و کمالات پناه حا جی‌الحر مین الشریفین حا جی‌عبدالحق درانی الکوزا یی متو لی خرقه مبارکه‌ونهر شاهی اشر ف البلاد مزبو ر بعرض اشر ف رسانیده که‌ایشا ن‌بالا تفا ق باو دعوا و گفتگو دارندکه از بابت خیرا ت نهر شاهی جیــره‌مقرر ی بایشا ن بدهد وهرروز ه‌در این خصوص به او مکابر ه مـــــی نمایند . بنابرا ن مقرر فر مودیم‌که ایشا ن هریك جیر ه‌و مواجب‌مقرری مستمر ی دارند که می گیرد. ایـن

بلغو ر و غیره که از بابت حاصـل نهر شاهی پخته میشود ، خیرا ت عام است که هرکس که در آنجـا حاضر باشد و به فقراومستحقیـن ومساکین و غیره داد ه میشود و به‌مصار ف آنها میرساند باید که‌ایشان را هیچ و جه در آن خیرا ت وبـه‌حا جی عبدالحق مشار الیه دخـل وزجوع‌و کار ی نباشد و ادعاوگفتگودر آن خصو ص ننمایند قد غـن لاز م دانسته در عهده شنا سند-تحریر فی ۱۲ربیع الاو ل سنـه ۱۱۹۸ .

کسانی که در پشت و رقه‌فرمان‌مهر کرده‌اند . نقوش مهر ها دارای چنین عبارا ت است :

۱ـاقل خلق الله ـ عبداللطیـف‌الجا می

۲ـعبده نور محمد

۳ـ عبده محمد بهادر

٤ـصدشکر کانچه بود مرامطلب
مراد از غـلامی دولت شا هـم

رحیمه اد

۵ـبنده محمد ها دی لاری‌موسوی

الملك لله
علم شد از عنایا ت الهی
بعالم دولت تیمور شا هی

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایون‌شد : آنکه عمال و مستا جرا ن ، مالیا ت حا ل و استقبا ل اشر ف‌البلاد احمد شاهی بالطاف شاها نه سر افراز گشته بدانند که چون‌قبل‌ازین حسب الر قم مبار ك مطـــا ع آفتا ب شعا ع از تاریخ غره شهـــر رمضا ن سنه ۱۱۹۰ـ از ابتدا ی پنج ما هه سنه پیچی ییل سال میمو ن‌یومی مقدا ر یك من ده آثار بوز ن تبریز نا ن جیر ه موا زی پنج‌نفرملایا ن که در خر قه مبارکه‌سوا ی پنج نفر که داخل دستور العمـــل‌میباشند از سر کار مقرر بوده‌است که بر ین موجب میگر فته و بخر چ‌عمال آنجا مجری می شده :

پنج نفر برنفر ی نان یو می ده‌آثار یك‌من ده آثار

دریتو لا فضیلت و کمالا ت پناه‌حا جی الحر مین الشریفین حا جی

عبدالحق درانی الکوزا یی متو لی‌خر قه مبار که بعرض اشر فرسا-
نید که رقم مذکور مفقود گردید ه‌استد عا ی رقم مبار ك مجدد نمود.
بنابرا ن مقرر فرمودیم که‌بحصو ل‌اطلاع بر مضمو ن رقم مبار ك بر
وجه سابق برین حسب الر قــــم‌مبار ك مقرر و مهم سازی می‌نموده
اند حا ل نیز بر قرار دانستــــه‌مایحتا ج خود نموده بدعا گو یی‌دوام
دولت خدا داد مشغو ل باشند .

مستوفیا ن عظا م کرا م دیوا ن‌اعلی صو ر ت رقم مبـــا ر ك را
در دفاتر لاز مه ثبت و حســـب‌المقر ر معمو ل داشته در عهـــده
شنا سند . تحر یر به تاریخ شهررجب سنه ۱۲۰۵ .

کسانی که در ظهر فرما ن مهرکرده‌اند ـ عبار ات نقو ش مهرهای
شا ن از ین قرار اند :

۱ـلااله الا الله الملك الحـــق‌المبین ـ عبده نور محمد
۲ـعبده محمد رحیم
۳ـیا غفار الذنو ب
٤ـصد شکر کانچه بود مرامطلب‌مراد
از غلامی دولت تیمور شه‌رحیم‌داد
٥ـعلی رضاء الموسو ی

فرمان زمانشاه

در خصوص موقوفات خرقه شریفه

امپراتور زمانشاه درانی از اوایل سنه ۱۲۰۸ قمری یعنی ازاول ورود خود به قندهار برای صرف صدقات خرقه معظمه از حاصل نهر شاهی قندهار مقدار نقد وجنس غله و کاه و هم مبلغ بیست و دو تومان روپیه رابرای صرف صدقات و خیرات عام منظور نمود ومفصل معلومات از متن فرمان هذا برمی آید که عینا نقل و درج تاریخ میشود .و در فرمان مورخ شهر صفر سنه ۱۲۰۹ ق (مرد یاور) یعنی نفری کار وخدمت حشر دسته جمعی برای لای کشی نهر شاهی وقف شریفه منظور رفرموده است .

ودراین سلسله اسناد از نظر می گذرد .

الملك لله
قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان رابنا م شاه‌زمان

اعوذ بالله تعالی ـحکم همایو نشد :آنکه چو ن قبل ازین حسـب الر قم مر حمت شیم سلطا نرضوان‌مکا ن انار الله بر هانه تولیت نهـر احمد شاهی که واقع است‌در اشرف البلاد احمد شاهی‌با فضیلت‌کمالات پناه حا جی الحر مین الشر یفیـن‌حا جی عبدالحق درا نی الکوزا یی متو لی خر قه مبارکه که نهر مزبوروقف صحیح شر عی میبا شد مقرر بوده که از روی راستی وهوشیاری‌متو جه آباد ی نهر مزبور و کشت وزراعت و ضبط و محصو لات نقدی‌وجنسی ارا ضی نهر مزبور راسوای منزلباغ و مجلس با غ وانار باغ وباغچه دولت سرا و دیوا ن خانـه مبار که و آسیا ب وسوای زمیـن‌ها اربا بی و باغا ت نهر احمدشاهی باقی تمام آنرا به سر حد وصول‌وتصر ف خودآورد ه یو م به‌یوم‌غله را به تما م نان پخته وخیرا ت‌نمایدکه نقد و جنس نهر مزبور بدیـن موجب است نقد بیست و دو تومان برا یی دوازد ه توما ن
سبز ده تومان غله دویست و پنجاه خروار
کاه دو صدو پنجاه خروار

که مساو ی چهار توما ن را ازوجه مزبو ر ه دونفر نوکر بگیرد که خدمت نا ن و گوسفندا ن نمایند وهمه مقداری کاه را هر شب جمعه گوسفندا ن خریدار ی وذبح و طبخ نمود ه خیرا ت نماید و فاتحه ودعای خیر به جهته رو ح پر فتو ح خاقان جنت مکان علیین آشیا ناناراللـه برهانه حاصل نماید ـ درینو لا از پیشگاه خلافت و جها نبانی استدعای امضای رقم مبار ک مطاع نمود ه لهذا بنا بر مرا حم بیکرا ن شاهانه در باره حا جی الحر مین الشر یفین، حاجی عبدالحق مشار الیه ازابتدای شش ما هه هذا لسنه مبار که اودئیل تولیت نهر وقف مذکور بدستـور سابق بعلاو ه تولیت خر قه متبر که در باز ه او مر حمت وبر قـــرار فرمودیم که از قرار معمو ل قبل درلوازم آن پردا خته به نحو ی کـــه رقم سلطا ن رضوا ن مکان در آ ن با ب صادر شده و در دست دارد و حکم همین رقم مبارك هرسا ل حاصل ومحصو ل نهر احمد شاهی و قف مرقو مه راجمع آور ی واز قراری که مقرر است خیرا ت نماید. حکا م وعمال حال و استقبا ل اشرف البلاد احمد شاهی حسب المقرر بدستور قبل به نهر و قف رجو ع نداشته داخل اوقا ف سرکار خاقا ن جنت مکا ن دانسته و تولیت آنرا به عهده حاجی عبدالحق مذکو ر مقرر دانسته قلم و قدم کوتا ه و کشیده دارنـد وبه هیچ وجه من الوجوه چیزی بـه نهر مذکور حوا له و مطالبه ننموده رجو ع ندارند .

مستوفیا ن عظا م کرا م دیوا ن اعلی صور ت ر قم مبار ك را دردفاتر لوازم ثبت و حسب مقرر معمو ل داشته از جوانب در عهده شناسند.

تحریر به تاریخ شهر صفر سنه ۱۲۰۸.

• • •

کسانی که در پشت و رق فرما ن زمانشا ه درا نی مهر کرده اند ـ عبار ات نقوش مهر های شا ن از ین قرار است :

١ـالله اکبر .

٢ـبه تیمورشه چو شاهی‌از کریم
است علم از خانه زادان قدیم است

٣ـپور آل احمد جام اســـــت‌یوسف

٤ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌شکور

٥ـلااله الا الله الملك الحق‌المبین‌ـعبده نورمحمد

٦ـحافظ شیر محمد

٧ـبسم الله الر حمن الرحیم

٨ـمنتظر لطف الهی ر حیمداد

٩ـعلی رضاء الموسو ی

١٠ـشرف یافت از نام محمداحمد

١١ـ عبده محمد بن فتح‌الله

١٢ـعبده غز نین

سه مهر دیگر خواند ه نشد .

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان

نگین حکم جهان را بنام شاه زمان

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایون شد : آنکه یگانه گوهر اکلیل شهریاری و در صدف ابهت ونا مدار ی قره باصره دولت واقبال غره ناصیه سطوت واجلال فرزندارشد ارجمند کامگار نامدار والا گهر شاهزاده سلطان حیدرطول الله عمره بالطاف بیکران شاهانه سر افرا ز گشته بداند که درین ولا فضیلت و کمالات پناه حاجی الحرمین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکوزایی متولی خرقه مبارکه ونهر شاهی و قف اشرف البلاد احمد شاهی به حضور مبارک عرض نموده که حسب الرقم سلطان جنت مکان در خصوص حفر نهر مذکور مقرر است که همه ساله جماعه درانی سکنه چهار بلوک اشرف البلاد احمد شاهی مرد یاور میدهند که نهر مزبور حفر ولای کشی می نمایند استدعا نمود که درین خصوص رقم مبارک صادر شود که از قرار معمول قدیم حال هم مردیاور بدهند که هرسال نهر مزبور

حفر شود . لهذا باید آن فر زنــــدقدغن نماید که جماعه درانی موافق رقم سلطان جنت مکا ن وبدستورومعمو ل سابق مردیاور باو بدهند که سا ل بسا لنهر مزبور را حفرولای‌کشی می نموده‌باشند . حسب‌المقرر معمول دارند و در عهد شنا سند.تحریر به تاریخ شهر صفر الظفــــر سنه ۱۲.۹

* * *

کسانی که در ظهر ورق فرمان‌مهر کرده اند ـ نا مها و عبارا ت نقوش مهر های شا ن ازین قراراند:

۱ـبه تیمور شه چو شاهی ا ز کریم است
علم از خانه زادان قــدیم است
ـ سرکار وکیل الدوله

۲ـکرا می الموسوی ـ۱۲.۸

۳ـپور آل احمد جا م است‌یوسف

٤ـبدولت خواهی سلطا ن دوران
امین الملك شد از دل و جان

۵ـحافظ شیر محمد

٦ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌اسلام

۷ـسلام قو لا من رب الر حیم

۸ـالعبد المذنــب خانه زا د ـ۱۲.۱ .

۹ـالعبد المذنب محمد شریف ـ۱۲.۸

مقرری الحاج ملاحفیظ‌الله

به رتبهٔ رفیع المرتبهٔ تولیت خرقهٔ متبرکه

الحا ج ملا عبدالحق آخو ندزاد ه‌قوم الکو زا یی که به تاریـخ(۲۶) محر م الحرا م سنه ۱۱۸۳هجری ،قمر ی بفرما ن امپرا تور احمد شاه غاز ی ــمتو لی خر قه متبر که درقند هار مقرر شده بود .موصو ف درسنه۱۲۱٤ هجر ی قمر ی(مطابق‌قوی ئیل شمسی) فو ت شد . وبه جا ی او درسنه مذکور به فرمـــان‌امپرا تور زمانشا ه‌غاز ی درانی ــ الحا ج ملاحفیظ الله آخو ند زاد ه‌ابن مر حوم عبدالحق آخو ند زاده برتبه رفیع المر تبه تولیت خر قه‌متبر که مقرر گردید .

قرار داد ز الطا ف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زما ن

اعوذ بالله تعالی حکم همایون‌شد: آنکه در این و قت فضیلت پناه‌حاجی الحر مین ملاحفیظ‌الله‌درانی الکوزایی‌وله‌حاجی عبدالحق متو لی خر قـــه متبر که حضرت سیدالمر سلین و خاتم ا لنبیین (ص) بعرض اشرف رسانید که قبل‌از ین حسب الر قم‌مبار ك خاقا ن خلد آشیا ن انارالله برهانه حا جی عبدالحق والدعار ض‌بر‌تبه رفیع المر تبه تولیت خر قه متبر که که در اشر ف البلاد احمدشا هی است‌مقرر و سر افراز بود وحا ل فو ت شده از خد مـــــت‌اشر ف استد عا ی صدور رقـــم مبار ك دربا ب تولیت بنا م خودنمودلهذا عرض‌عارض رابدر جه اجا بت مقرو ن واز ابتدا ی سه ما هه آخرهذه السنه قو ی ئیل اورابدستو ر والد ش بر تبه ر فیعه تولیت خرقه‌مبار ك سر افراز فرمودیم که‌چنانچه باید و شاید واز جو هر تقو یت وصلاحیت اوسزد و آید درسرپرستی

وعزت و احترا م و محافظت خر قه‌مبار ك و جميع متعلقا ت امر توليت وبلواز م ومراسم امر مزبور لاز مه‌سعی و اهتمام تمام به عمل آو رد ه دقيقه از دقايق ملزو ما ت امــــرمذكور را فرو گذاشت ننموده‌نحوی نمايد كه حسن خدمت و صلا حيت‌او ظا هر شود و هم تحصيل دعای خير جهت ذا ت ستوده صفا ت،اشر ف بوده باشد و خرقه مبار ك را‌به نحو ی كه در صندو ق است‌به همان نحو در صندو ق باشد و سر صندو ق كه قفل شده اســت‌به همان طريق باشد و بدون حكــم نوا ب همايو ن ما بحكم ديگری سرصندو ق را باز نكنند ومرد م كه به زيار ت بيايند صندو ق را زيا ر ت‌كنند واحد ی از فرما ن اشـــر ف تخلف نور زد و حكا م و عمال درخرقه مبار كه‌و ملزوما ت امر مزبور را متعلق باوشمر ند و دربا ب‌زيارت‌نحوی كه امر شده معمول داشتــه تخلف نورزند .

مستوفيا ن عظا م و شكرنويسان‌كرا م صور ت رقم مبار ك رادردفاتر ثبت نمايند ١٢١٤.

قرار داد زالطا ف خویشتن یزدا ن
نگین حکم جهان را بنا م شاه زمان
۱۲۰۷

(اعوذ بالله تعالی ـ حکم‌همایون‌شد : آنکه چو ن درینو قت‌فضیلت وکمالات پنا ه حاجی الحر میـــــن‌الشریفین ملا حفیظ الله و لد حا جی عبدالحق الکوز ی به حضور مبار ك‌عرض نمود که قبل ازین حسب‌الرقم مبار ك مطاع تولیت نهر و قف احمدشاهی که واقع است در اشـر ف البلاد مذکور بعهد ه حا جی‌عبدالحق‌والدا و ونهر مذکور و قف صحیح شر عی میباشدمقرر بود ه که‌متوجه‌آباد ی و کشت و زراعت و ضبـط محصو لات نقد ی و جنسی ارا ضی‌نهر مز بور سوا ی منزل باغ‌ومجلس با غ وانار با غ و باغچه دولت‌سراودیوا ن خانه مبار که و آسیا ب‌و زمین های اربابی و باغا ت نهـــراحمد شاهی باقی تمام آنرا بسر حد وصول و تصرف خود آورده یو م‌به‌یوم عذر اتمام نا ن پخته‌و خیرا ت‌می نمود که به قرار جنس بدین موجب نـقد بیـست و د و تـــومان

غله دویست و پنجا ه خروا ر ـ گاه دویست و پنجاه خـــر وار
ومساو ی چهار توما ن رااز وجه‌مذکور نو کر میکرد که خد مت می
نمایند و ... نقد و قیمت کاه راهرشب جمعه گو سفندا ن خریدار ی
نمود ه خیرا ت نمایند و فاتحه ودعای خیر بجهته رو حخاقا ن جنت
مکا ن حاصل نمایند .

الحا ل والدا و فوت شده‌استدعای‌امضا ی رقم مبار ك بنام خود نمود
لهذا عرض عارض را بانجا حمقرون‌واز ابتدا چهار ما هه هذ ه السنـــه
مبار که قوی ئیل ـ فضیلت‌و کمالات‌پنا ه حا جی ملاحفیظ الله مشارالیه
وغیره اولاد حا جی عبدالحق‌درعوض‌والدش بر تبه تولیت نهروقف احمد
شاهی بر حا ل و بر قرار فرمودیم‌که بدستو ر والدش در خد مـــت
مذکور متو جه بوده به تقدیم مـــی‌رسانید ه باشد و عشر نقد و جنس
محصو ل نهر مزبور را به‌تصر ف‌وصرف‌مایحتا ج خود نموده تتمـــه
غله را موافق معمول سابق بلقو ر ونقد و قیمت کاه را که‌از آن جملـــه
چهار توما ن را دونفر نوکر گر فته‌که بخد مت خریدار ی رو غن‌وغیره
ملزو ما ت بلقو ر گر فته و جه راروغن‌ونمك و همه جهت بلقـــو ر
ابتیاع و خیرات نموده وفـــاتحـــه‌ودعا ی خیر جهته رو ح خاقـــا ن
رضوا ن مکا ن حاصل نمایند .وچون‌نهر مذکور و قف وخار ج جمـــع
وتولیت آن به آن فضیلت پناه‌مفوض‌ومرجو ع است متو جه آن گردید ه
در آباد ی آن ساعی بوده باشد .مستو فیا ن عظا م کرا م دیوان‌اعلی
صور ت رقم مبار ك مطا ع‌را دردفاترلازمه ثبت و حسب المقرر معمـــو ل
داشته در عهده شناسند. تحریربه تاریخ شهر جما دی الثا نی سنه
(١٢١٤)

* * *

عبارا ت نقوش مهر های پشت‌فرما ن ازین قرار است :

١ـ عبده شکور

٢ـ حافظ شبیر محمد

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰه

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُه

عزیز الدین وکیلی پوپلزائی تحریر نمود کابل سنه ۱۳۶۶

هدیهٔ خرقهٔ شریفه (قندهار)

٣ـاحقر العباد گل محمدـ١٢٠٦

٤ـعبده محمدرحیم

٥ـبدو لتخواهی سلطا ن دورا ن امین الملك شد ا زدل وجا ن

٦ـچوفضل ایزد و لطف محمد ی یار است

وزیر اعظم شاه زمان وفادار است ـ١٢١٣

٧ـالهی بحق شهٔ پنجتن نظر ی کن بحال حسن ـ١٢٠٩

٨ـیاغفا ر الذنو ب

٩ـغلام شاه زما ن میر هوتك

١٠ـلااله الا الله الملك الحــــق المبین ـ عبده محمد شریف

١١ـعبده علی رضاء الموسوی

١٢ـشرف یافت از نا م محمــداحمد ـ١٢٠٧

١٣ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌عباس ابن هاشم

١٤ـابن علی ر ضاء عبدالر حیم

١٥ـلااله الاالله الملك الحــــق المبین ـعبده محمد حسین

١٦ـلااله الا الله الملك الحــــق المبین ـ عبد ه غزنین ـ١٨١٤

منظوری بیست تومان روپیهٔ نقدمعاش

همه ساله برای متولی خرقه شریفه

امپراتور زمانشاه درانی به‌تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵قمری برای الحاج حفیظ الله متولی مبلغ بیست تومان روپیه نقدمواجب همه ساله منظور نمود که بروفق برات نقد از خزینهٔقندهار ازمدرك مالیات چهل یك آن ولایت اخذکند . واین فرمان شاهد آن حقیقت است . چهل یك چی مالیات قندهار همدرین عهد فیض الله خان پوپلزایی بود .

بسم الله خير الا سما

الملك لله

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زما ن

اعوذ بالله تعالی ـ حکم‌همایو نشد : آنکه بنابر تحصیل دعـــــای خیر بجهته ذا ت بابرکا ت اشرف‌ارفع اعلی از ابتدا شش ما هه هذه السنه مبار که پیچی ئیل ســــال‌میمو ن هرسا له مبلغ بیست تومان برا ت نقد به صیغه موا جب همه‌ساله در و جه فضیلت پنا ه حاجی الحر مین شریفین حاجی حفیظ الله‌مقرر و مر حمت فرمودیم‌که هرسال از مالیا ت و جوه چهل یك اشرف‌البلاد احمد شاهی از عمال آن باز یافت و صر ف مایحتا جخود نموده‌به دعا گو یی دوا م دولت خدا داد قیا م نمایند .

حکا م و عمال حا ل واستقبا ل‌اشر ف البلاد حسب المقرر ازتاریخ مذکور هرسا له مبلغ بیست تو ما نوجه موا جب فضیلت پنا ه نامبرد ه را هرسا ل از و جه چهل یك آنجامهم ساز ی و قبض در ضمـــــن

سواد رقم مبارک که باز یافت و بخرج‌خود مجری و محسوب دانسته هر ساله درین خصوص رقم مجـــــددمطالبه ننمایند .

مستوفیان عظام کرام دیوان‌اعلی صورت رقم مبارك رادردفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمول‌داشته در عهده شناسند . تحریر شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵.

* * *

اعضای دولت و حکومت‌ومسوولین امور حسابات که در ظهر ورقه فرمان مهر کرده اند نقوش مهـرهای هریك ایشان دارای ایـــــن عبارات اند :

۱ـعبده شکور

۲ـآنکه دلش روشن از نور علی‌است گل محمد خلف‌شاه‌ولی‌است

۳ـحافظ شیر محمد

٤ـچوفضل ایزد و لطف محمدی‌یار است
وزیر اعظم شاه زمان وفادار است . ۱۲۱۳

٥ـمیر هوتك غلام شاه زمان

٦ـیاغفار الذنوب

۷ـلااله الا الله الملك‌الحق‌البمین‌ـعبده محمد شریف

۸ـعبده علی رضاء الموسوی

۹ـشرف یافت از نام محمداحمدـ۱۲.۷

چوبر گزید ه سبحان و ظل‌معبود است
فراز مسند شاهی مقام محمـود است

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایو ن‌شد : آنکه فضیلت‌و کما لا ت‌پناهان ملا خدابخش ملا باشی و ملانصرالله‌امین محکمه احمد شاهی وملاالیاس وملا پیر محمد کاکر ی و ملادوست‌محمد ترینی و غیر ه علمای اشر ف البلاد احمد شاهی بالطا ف‌شاهانه‌سر افراز گشته بدانند که دریـــن ولا فضیلت و کما لات پناه حاجی‌الحر مین الشریفین حا جی‌حفیظ‌الله درانی الکوزا یی متو لی خر قه‌متبرکه‌بعرض اشر ف رسانید ه‌که ایشا ن باتفا ق هم در با ب‌خیرا ت وبلقورباو‌گفتگو می نمایند دعوا می کنند درین خصوص قبل ازین‌هم که‌گفتگو نموده اند ر قم سلطا ن جنت مکان صادر شد ه بود که ایشا ن هریك‌موجب و جیر ه مقرر ی دارند و هر سا ل .... واین خیرا ت ازبابت‌حاصل نهر و قف احمد شا هی هر کس از فقرا و مساکین که حا ضرباشد می گیرند و ایشا ن را باین خیرا ت کار ی نباشد حال هم بایدبه نحو ی که مقرر شد ه در آن باب

گفتگو نکرده به حاجی حفیظ اللـــه‌درین خصوص دخل و رجوع‌نداشته باشند که به نحو سابق مـعمو ل‌دارند حسب المقرر منظو ر ومعمول دارند و در عهده شناسند .تحریربه تاریخ شهر ربیع الاو ل سنـــه ۱۲۱۶.

* * *

کسانی که در پشت و رق‌فرمان‌مهر کرده‌اند ، عبارا ت نقوش هر یك مهر از ین قرار است :

۱

۱ـبسم الله الر حمن الرحیم

۲ـمحمداکرم

۳ـالعبد المذنب گلستا ن

٤ـالعبد المذنب رجب علی

٥ـاقل خلق الله علی ر ضـــاءالموسوی

٦ـزلطف احمد والطا ف سبحا ن شکر از جا ن غلام شاه جیلان

۷ـافوض امر ی الی الله ـ عبده‌فتح الله

تعیین اوقاف

چون احمد شاه غازی درنقل دادن خرقه واجب الاحترام حضرت سیدالانام و شرف خدمت تولیت آن مقام خدمت بزرگ نمود وهم باین منظور که بیك خانواده علمی معاونتی شود و املاك موروثی خاندان شاهی در جمله اوقاف محسوب گردد . در اول شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۱۹ هجری قمری مکررا وقف نامه نوشته شد که اینك خلاصه عبارات آنرا ازنظر می گذرانیم .

الملك لله
شد از عین عنایات الهی
مسلم بر شجاع الملک شاهی
۱۲۱۸

(نقود زوا هر محا مد سیاروعقودجوا هر شکر بیشمار شایسته‌صرف بار گا ه و سزاوار و قف بارگا ه‌خالق ارض وسماست که به چشم ایما ن واسلام را در زمین دل های مومنان رو یا نیده وبسیط غبراراز برای تحصیل ربع دارین امیدواران گسترانیده و مشعل مهروماه رابه جهته روشنا یی این عالم وقف‌بنی‌آد م گردانید ه جل جلاله و عم نواله ودر رفواید صلوةو غر ر موا یـدتسلیما ت نثار رو ضهٔ صدر بــدر کاینا ت و مفخر موجودا ت‌وواقف‌کنوز حقیقت و عار ف رموز معرفت حضرت محمد مصطفی صلی اللــه تعالی علیه صحیه وسلم بادکه نقد اسلام را سکه نا م شریفش رو ح‌است و متعطشا ن زلال کمالش به تجر ع کاس کرا مش محتا ج وبرآل و اصحا ب و عتر ت واضرا ب

اوکه هریك مصابیح انوار ا بتداءمفا تیح ابوا ب اقتداء اند ـ علی‌هذا لخصوص بر چهار یار کبار که هرکدا م از وزرا ی دولت محمد ی و امنا ی ملت احمدی اند رضوا ن‌الله‌تعالی علیهم اجمعین امابعد ـ

چو ن واهب العـطـا یا و رازق‌البرایا هر گاه بند ه از خواص عباد خود را که به عواطف لم یزلـــــی‌مخصوص گرداند ابوا ب خزا یـــن رحمت خودرا برو مفتو ح سازد وهرآیینه اورا بدو لتی که حر مت‌زوا ل بدا من اجلال‌آن نتواند رسید و به‌نعمتی که پای نقص پیرا مون کما ل آن نتوا ن گشت‌در میا ن سایـــــرعباد خود امتیا ز بخشد و تما می همت اورا مفتح ابوا ب خیرواحسان‌ومرشح اسبا ب برو امتنان سازدو حسن صور ت این معنی‌در مرا ت‌هدایت سما ت الرا جی الی‌ر حمـة الله تعالی بنده‌گا ن اعلیحضـــر ت‌المو ید بتا ئیدا ت الاله شجا ع‌الملك پادشا ه لازا ل‌جلال ملکه وسلطا نه‌وبا قی شهزاد ه گا ن بلند مکا ن آرایش نمودند . چنانچه بـد یده‌تحقیق مشاهد ه و به‌نظر تدقیـــق ملاحظه فرموده‌که امتعه این جهان‌راشر ف زوا ل و در ورطه انتقا ل است مگر آنچه وسیله تقـــر ب‌به حضر ت خلاق علی الا طلاق بوده باشد چنانچه ما عندکم ینفد و مـــاعندالله با ق ـ بدین معنی ناطـــق اسنت واز جمله وسایل یکی‌صدقا ت‌قرار یافته و از جمله صد قا ت و مرسوما ت مبرا ت یکی تعیین‌اوقاف‌است . زیراکه بمرور ایا م‌وشهور به صفایح اعصار و دهور مدا م‌الایام‌اتقیا باقی میماند .

بنابرا ن بنده‌گا ن عالیشا ن گیتی‌ستا ن معظم الیه و باقی شاهزادگان عالیشا ن همت خود هارا بر افاضه‌صد قه جاریه مصرو ف داشتنند و در تاریخ غر ه شهر جما دی‌الثا نی‌سنه (۱۲۱۹) یکهزار و دو صد و نوزد ه از هجر ت نبو ی صلعم و صحیه وسلم بود که بـــه مضمون صدا قت مشحو ن آیه کریمه مثل الذین ینفقو ن اموا لهم فی‌سبیل‌الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل‌فـی‌کل سنبلة مائة حبته وا لله یضا عف

لمن يشاء و الله سميع عليم ـ بـه‌مضمو ن هدايت رهنمو ن حديـــث شريف اذاما ت الا نسان انقطع عنــه‌عمله الا من ثلثة‌الا من صدقة‌جارية او علم ينتفع به او و لد صالـــــح‌يدعو له و به مطالعه اين حديـــث كه گفته اند :

بزرگ عيش بگور خويشن فرست كس نيارد ز پس توپيش فر ست

موفق به توفيق ايزد ی گشته امابعد اين ذكر يست در بيان آنكـــه وقف كردند و تصدق نمودند .ازخالص املاك و طيب اموا ل خالصا له تعا لی در حا ل صحت ذا ت و نفا ذجميع‌تصرف شر عيه خود صالحـــا را ضيا همگی و تما می مواز ی دوحجر طا حو نه كه واقع است د ر نهر سر كاری قريه صالحا كه ا زرود ار غندا ب ....

وقفا صحيحا لاز ما و صدقة‌جارية نــا فذ ة . . . ..و شـــــــــرط كرد واقف معظم اليه كه متو لی اين‌دو حجر طا حو نه فضيلت‌و كمالات پنا ه افاد ت وافا ضت دستگا ه‌ملاياسين و لد مر حو م ملاعبدالغنی باركزا يی گر جی زا يی ايضامتولی‌مقبره منوره خاقا ن عليين آشيا ن و بدا ن طريق كه حاصل يك حجـــرطا حو نه رابه مصار ف جير ه ملا زمان و باقی خد مه های رو ضـــه‌خاقا ن مبرور رسانيد ه و حاصـــل يك‌حجر طاحو نه ديگر رابه مصارف‌حصه كبوترا ن رو ضه متبر كـــه ميداد ه باشد و ثوا ب موقو فـــه‌بروح پر فتو ح آن موصو ل باد .

ومشرو ط فر مودند كه چـو ن‌فضيلت پنا ه مذكور از دست ساقی اجل شربت كانفس ذايقة المو ت‌رانوش كند سر رشته اختيار د ر قبضه اقتدار اولاد مذكور باشد ...واين واقفان اين مر قو مه راازاملاك بيگار ی اخرا ج‌و تسليم فضيلـــت‌پنا ه مشا ر اليه فرموديم‌ومذكو ر قبول نمود ....

وقف نهر روضه باغ

برای خرقه شریفه

شجاع الملک شاه در دوران سلطنت اول نهر روضه باغ قندهار رابرای خرقه شریفه وقف نمود وسند آنرا به مهر خود به حاجی حفیظ الله متولی سپردواین است عین عبارت وقف نامه موصوف:

* * *

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و سلام علی عباده الذی اصطفی امابعد —
بر ضمایر ارباب فراست و اصحاب کیاست پوشیده نماند که به مضمون آیه کریمه معظمه مکرمه مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم و به موجب حدیث صحیح صریح حضرت افضل البشر علیه و علی اله افضل الصلواة والتحیات اذامات الانسان انقطع عمله الا من ثلثة الا من صدقة جاریة او علم ینتفع به ....

* * *

شجاع الملک شاه در دران

الملك لله
شد از عین عنایا ت الهی
مسلم بر شجا ع الملك شاهی

درینو لا جنا ب آفتا ب عالتماب صحیفه سلطنت و کا مگار ی ....
مروج قواعد شریعت غرا ....

خلد الله تعالی ملکه وسلطا نه وافاض بر ه واحسانه و قف کردو تصد ق نمود خالصا لله تعالی ـ ازبرای حا جی الحر مین الشریفیـــن حاجی حفیظ الله بن خا جی عبدالحق درانی الکوزا یی واخر ه للعا لمیـن الفقراء تما می یك زوج ارا ضـــی متعلقه معینه آن که واقع است در اشرف البلاد احمد شا هی مشهور به نهر رو ضه با غ و محدو داست باین حدو د شر قا متصل است اما بـــر ارغنداب پیوسته است بز مین های عاشقه ـ شما لا متصل است بـــه دامنه کوه ـ جنو با متصل است به نهر ناگمان بکل قلیل و کثیرهوفیه ومنه و بجمیع حقو ق ومرا فقش و بجمیع آنچه از آنها دارندو شمرندواضا فه کنند . و قفا شر عیـــا صحیحا و شرط کردند واز نظـــر معظم الیه که متولی این و قـــف

حاجی مذکور مادا م حیاته وبعـدازآنکه حا جی مزبور از دست‌ساقی اجل شربت ضرور یه کانفس ذایقة‌الموت نوش نماید .

متولی این وقف رجو ع کـــــردحضرت قا ضی اسلام نافذ الامر و الاحکام دارالسلطنه کابل درحالیکه‌عالم بود به محل اختلاف مجتهدین مواضع خلاف اعنه الدین رضـــوا ن‌الله تعالی‌علیهم اجمعین در ضمـــن مرافعه شر عیه بر خصم حاضر شـــی‌حکم کرد . بر صحت‌این مو قو ف اولا و بلزو م آن ثانیا فصار هـــذاوقفا صحیحا شر عیا لاز ما مسجلا جا معا نافذ ا بجمیع شرا یـــــط وصحت الد عو ی و الشهادة بحیث الا باع و یو جب ولایور ث‌ولایمهر ولایبد ل و کان ذلك بمحضـــــــر المسلمین فی تاریخ بیست‌و دو ی‌شهر ربیع‌الاو ل سنه ۱۲۲۱

حافظ شیر محمد

* * *

المتوکل علی الله‌الصمد
خادم دین نبی شد محمد
۱۲۱۹

توضیح : حافظ شیر محمداشرف‌الوزراء پسر اشرف الو زرا شاه‌ولی خان است و دراین ورقه وقف نا مه‌مهر کرده است .
مولوی محمد خان ــ اقضی‌القضاة‌وخانعلوم بوده است .

دوباب کاربانسرا وبازارچه

وقف خرقه شریفه

محمود شاه درانی به تاریخ شهرربیع الثانی سنه ۱۲۲۳ قمری فرمانی برای تایید و قف خرقه شریفه صادر نموده و ثابت می گردد که دوباب کاربانسرا و بازارچه در شهر قندهار برای مصارف زیارت واهل تولیت خرقه شریفه وقف ومقرر بوده واین فرمانی موید آن است :

فرمان محمود شاه درانی

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایون شد : آنکه حکا م وعمال حـــال واستقبا ل اشر ف البلاد احمـــدشاهی بالطا ف مو فور ه شا هانه سر افرا ز گشته بدانند که چو ن حسب الا رقا م و دستخطهای مبارك مواز ی دوبا ب کار ونسرا ی شا هزاد ه سلیما ن و بازار چه درو جه فضیلت پنا ه حاجی ملاحفیظ اللـه متو لی خر قه متبر که مر حمـــت گردید ه بود که حاصل آنرا بجهته جیره خد مه و روغن چرا غو تعمیر و غیره امورا ت خر قه میرسانیده باشد . ازخدمت بنده گا ن اعلیحضرت شا هنشاهی ظل اللهی استد عا ی امضا ی رقم مبار ك نمود بنابران امرو مقرر فرمودیم که به نحـــو ی سابق موافق ارقا م و دستخط های مبار ك از ابتدا ء هذه السنه مبارکه لو ی ئیل فیروز ی تحویل ســـا ل نهنگک در و جه مشا رالیه مرحمت وعنایت فرمودیم که به نحو یکه از خود خر ج کشید و خرابه راآبـادکرده است حا ل سال بسال حاصل ومنافع آنرا به مصار ف خر قـــه منور ه متبر که میرسانیده باشنـد ومواز ی دوازد ه با ب دکان که ازجمله دکاکین وبازار چه مذکور که به غلط نهایی درو جه ملانصیر و مـلاجمعه و ملا باشی و ملا صحبت وملا

عبدالر حمن و غیر ه مقرر شـــده‌بود از و جه آنها موقو ف دانستـه
بدستو ر سابق در و جه حاجـــی‌حفیظ الله مشار الیه بر قرار دانند
که هر ساله حاصل ومنافع دکاکین‌بازار چه ودوبا ب کاروانسرا رابه
مصار ف خر قه متبر که میرسانیده‌باشد و میرو خا ن درانی فوفلزایی
وغیره که رقم و دستخط لبا ســی‌نموده بودند احکا م آنهاراموقو ف
دانند و هر گاه بعد ازین هـــم‌احد ی رقم و یاد ستخط حاصـــل
نمایند حکم آنرا منظو ر نه نمایندواز با بت‌ما لیه‌دگا کین‌و مرسومات
دار و غه ها ی با زار ی و کوتوالی‌وبیگار و سیگار و صادر یا ت‌وغیره
بهر اسم ورسم که حوا له شـــودمعا ف ومرفو ع القلم دانسته بههیچ
و جه من‌الو جو ه مزا حم‌و متعرض‌نشوند .
مستوفیا ن عظا م صور ت رقـم‌مبار ك را در دفاتر لاز مه ثبـــت
نمود ه در عهد ه شنا سند .
فی شهر ربیع الثا نی سنـــــه۱۲۲۳).

کسا نی که در ظهرو رق‌فرمان‌مهر کرده‌اند ـنا م ها وعـبارا ت
نقوش مهر ها ی شا ن ازین قـراراست :
۱ـزلطف احمد والطا ف سبحا ن شکر از جا ن غلام شاه جیلان ـ
نظام الملك .
۲ـلطف حق شامل حال میرعلم .
۳ـبسم الله الر حمن الرحیم :
٤ـاقل خلق الله محمد حسیـن‌الموسوی .
٥ـعبده یحیی
٦ـابو القاسم الحسینی
۷ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌میر عبدالله

الملك لله

شد از عین عنایت الهی

مسلم بر شجاع الملك شاهی

دراین آوان میمنت نشان کـــه‌اوایل جوش بهار دولت گیتی‌امتداد ...و مبداء سال فرخ فال سعادت‌قبیل سیچقان ئیل و شهر رمضان المبارك سنه .... بعد الالف‌من‌هجرة النبویه علیه الصلـــوة اکملها‌و من التحیات اجملها ست... المویدبتائیدات‌اله شجاع‌الملك پادشاه لازال جلال ملکه وسلطانه‌به مضمون آیه وافی هدایه الذیـن ینفقون اموا لهم فی سبیل اللـــه‌کمثل حبة .... الخ .

موفق به توفیق ایزدی گشته درحین‌صحت و اعتدال مزاج ازروی‌رضا ورغبت و قف صحیح مخلد و مویدشرعی فرمودهمگی و تمامی‌دکاکین ادراك خواجه سرا که واقع است‌در اشرف البلاد احمد شاهی دررو بروی سرای ادراك مذکور مشروط‌بر اینکه فضیلت و کمالات پناه افادت و افاضت دستگاه ملایاسین‌بارکزایی گرجی زایی متولـــی مقبره سلطان علیین آشیان انارالله برهانه سال بسال مالیه و

وجه کرایه آنرا باز یافتو صرف روشنا یی مقبر ه سلطا ن مبـرور رسانید ه احد ی دیگر را به دکاکین ومالیه وو جه کرایه آن غرضــــس ورجوعی نباشد . حاصل ومنافـــعواختیار دکاکین مذکور ومالیه وو جه کرایه آن به فضیلت پناه ملا یاسین مشار الیه است و از شایبـــــه ریب و ریا معرا و مبرا دانند و قفاصحیحا شرعیا مخلدا مو یدا صدقة جارية جازما .....

بخش دوم

اجمال و اختصار معلومات

درخصوص خرقهٔ شریفهٔ درقندهار

(۱۱۸۲ ق–۱۳۴۷)

تالیف

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی

به تفصیلی که مذکور شـــــد ـشاه‌و لی خا ن وزیر ـ خر قه‌مطهره حضر ت سید لو لاك را از میـــــرسلطانشا ه ابن میر یاربیک‌تسلیم گرفت و بعد تلاو ت آیاتی چند ازقرآن کریم و صر ف صد قا ت و نذورا ت بسیار آن امانت بزرگ‌ومقد س را که از عر صه یکصدو سی و شش سا ل به خاك افغا ـنستا ن انتقا ل یافته وسی و پنج سا ل در بلخ و هفتاد و چهارسال‌دربدخشا ن پر تو نزو ل وبرکا ت داشت .

باعزت و عظمت تمام درسنـــــه۱۱۸۱ قمر ی از طریق پروا ن‌به کابل رسانید وبعد مد تی ازکابل‌براه میدا ن ـورد ك ـغز نه‌ـ مقرـ قلات ـ شهر صفا ، به تاریخ نهم‌ربیع الاو ل سنه ۱۱۸۲ مطابــــق سیچقا ن ییل شمسی هجری قمری‌به شهر جدید قند هار رسانیده‌شد. ودر اولین مسجد جدید التعمیر که‌درسنه ۱۱۷۲ قمر ی ده سال پیش از ورود خر قه مطهر ه به سمت جنوبی‌گذر بردرا نی و درنزدیکی خانــــه وزیر شا ه و لی خا ن واقع است‌گذاشتند و تاسنه۱۱۹۰ قمر ی د ر همان مسجد قد یمی (زاړه مسجد)بود .

امپرا تور تیمور شا ه درسنـــه۱۱۸٦ قمر ی در آغاز قصدحرکت موکب از قند هار به جانب کابل–دربا ب خر قه شریفه فرمود که : باید پس ازین خر قه مبارکه قطعابه اماکن دیگر منتقل نگردد ونباید این لباس جلائل اساس دستخوش‌صا حبا ن قدر ت گردد و چنانکه در قرو ن پیشتر قدر ت مندان‌وقت‌خر قه معظمه را از جابیجا ساخته بودند ، بعد ازین از مرکز قندها ردر هیچ یك محل دیگر برده نشودو باین سخنا ن همه علما حضور فتوا داده در همان مسجد قدیم (زاره‌مسجد) که درسنه ۱۱۷۲ قمر ی‌بنا یافته بود . گذاشت وخود بـه جانب کابل حر کت نمود . واز بدوحرکت در جنوب شر قی حوا لـــی مرقد احمد شاه بزرگ والد ما جدخود – نقطه خیلی خوش هواو مصفا رابرای اعمار مقا م خر قه نبویـــه‌تعیین فرمود و آنچه در فرمــــا ن احمد شاه غاز ی برای حقو ق‌تولیت‌تعیین شده بود تاسنه ۱۱۹٦قمری ادا مه داشت .

ودر سنه مذکور و قف نا مــه‌نوشت و متن آن دراین رسالـــــه تاریخیه مندر ج است . و توام‌باو قا ت تعمیر آرا مگاه احمد شاه‌کبیر عمار ت خر قه مطهر ه را به‌صورت‌علیحد ه با مسجد جا مع‌و محو طه وسیع و حوض آب به طور خیلـــی‌مرغو ب از خشت پخته و گچ‌وچو نه وسنگ مطابق مهند سی ومعمار ی‌استادا ن قند هار ی آراست ،ودر وقت تکمیل تعمیر (غر ه شهـــــررمضا ن المبار ك‌سنه ۱۱۹۰ ق‌مطابق پیچی ئیل شمسی – سا ل میمون)خرقه مبا ر که را با نتهای عـــزت وعظمت از مسجدقدیم (زاره‌مسجد)از نزد یکی منزل شاه ولی خـــا ن مر حو م با صر ف‌صدقا ت‌ونذورات‌بسیار وادعیه و تکبیر ا ت‌ودرود بروح مبار ك حضر ت سیدالاو لین‌والاخرین محمد صاد ق الوعدالامین (ص) بر داشته در عمار تی که تاا‌کنو ن (سال ۱۳٦٦ش) زیـــب و زینت تمام دارد و باآ ن عظمت‌وشان‌پابر جا ست ، گذاشت .ودرهمین سنه برا ی جیر ه عالمان و متولیان‌خرقه معظمه فرمانی به عنوا ن عمال ومستا جرا ن مالیا ت ولایت‌قندهاردر بر قرار داشتن جیر ه پنج نفر

عالما ن و پنج نفر متوليا ن صادرنمود و مقدار يك من ده آثار بوز ن تبريز نا ن پخته مقرر داشت و درساليا ن دراز اين رسو م بجـــا ميگرديد .

بعد از آنكه خر قه مباركه د رعمار ت جديد منتقل گشـــت . و تيمورشاه بكابل معاود ت نمود علما و اعيا ن انجمن حضوربعرض رسانيدند كه خاقا ن كبير (احمد شاه دردرا ن) ازرو ى نهايــت احتيا ط خر قه شريفه رادر حجره‌مسجد و درنزديك‌خانه وزير شاه‌ولى خان گذاشته و تمام اكابر و اعيان‌وعلماى وقت در اندرو ن شهــر مراقبت و موا ظبت مى نمودندوالان‌كه خر قه مبار كه در صحن‌روضه باغ انتقا ل يافته و چنانكه د رقرون‌گذشته چند مر تبه توسط اربا ب توليت از جابيجا گرديد ه مبـــاداخدا ى نا خواسته روز ى از قندهار بديار ديگر منتقل گردد .وامپراتورتيمورشا ه تا هنگا م معاود ت دفعه سو م‌به قندهار به تشو يش بسرمى‌برد .

تيمور شاه درسنه ۱۱۸٦ قمر ى‌در دا منه على آباد محل اما نــت خر قه شريفه را كه درسنه ۱۱۸۲قمر ى گذاشته شده بود ملاحظـــه كرد . و آنجا را مانند زيار ت‌دشت‌ده بيد سمر قند كه بعد از انتقال خر قه مبار كه به شهر بلخ زيارت‌شاه مردا ن نام كرده بودند_جايگاه خرقه را در دا منه على آبـــادكابل _ اونيز احتراما زيار ت شاه مردا ن نا م گذاشت و محل‌وموضع‌خرقه شريفه را كه ازمدت چهارسال سنگ چينى شده و توغ بالا يش‌نصب كرده بودند _فر مود كه د ر نزديك آن جايگا ه چاه آب بـراى‌وضو و نوشيد ن زائرا ن حفــر شود ودر ختا ن تو ت در زمين‌وقفى‌غرس گردد . اما اينكه بعضى جماـ عا ت از رو ى حسن عقيد ت آنجاراقدمگاه حضر ت اميرالمو منيـــن على كرم الله و جه تصور نمود ه‌وسنگ سوراخى را كه صندو ق‌محل خر قه معظمه را از طر ف روز باين‌مفهو م كه از قامت زائرا ن بلنـــد باشد مى گذاشتند . سنگ‌ذوالفقارنا م گذاشته اند . اين يك حســن

تعبیر عا میانه است و حقیقت‌همان‌است که درسنه ۱۱۸۲ قمر ی چند گاهی خر قه نبو یه درآن محـــــل‌منز ه و گوشه از حدود شهر قدیم کابل قرار داشت (۱)

امپرا تور تیمور شاه ـ درسنـه۱۱۹۶ قمری که این و قت با ر دیگر وارد قند هار گردید باین دلیل که‌باید اربا ب تولیت ـبعلاو ه آنکـه حسبا و نسبا قند هار ی و معتمدملت اند ـاز نظر و ضع گذار ه نیز بیشتر ملتفت و متو جه ادای‌خدمت‌تولیت باشند ـ نهر شاهی (شا ه واله) را به ا را ضی آن که از آب‌مزبو ر مشرو ب می گردد ـو قف کرد و در اختیار اهل تولیت‌خر قه‌نبو یه سپرد ـ ودرسند و قف‌نامه مهر های برادرا ن خودرا نیز نقش‌نمود تا باین ثوا ب بزرگ همـــــه فرزندا ن احمد شاه غاز ی مر حوم شریك باشند و بدعا ی خیر یاد شو ند.

---

(۱)در اوائل دور ه سلطنـــت‌امان الله شاه ـ علیا حضر ت‌سراج الخوا تین والد ه آن پادشاه بـــه‌شکرا نه حصو ل افتخا ر استر داد استقلال افغانستا ن و هم بایـــن‌افتخا ر که نیاکا ن مادر علیـــا حضر ت به آورد ن خر قه شریفـه‌توفیق یافته بودند بصر ف پو ل شخصی خود جا ی آنرا عمار ت وبنا ی‌گنبد آهن پوش نمود.

ودرسا ل یکبار ظر ف بزرگـــــ‌سنگی را که بنا م دیگ سخـــــی مشهور شده است .

مملو از مالیده نموده وبطـــو رنذر بفقرا توزیع می نمود وا لا ن مرد م آنرا زیار ت‌سخی میگویند.ودر همین عهد بحسب فرمان غازی امان الله شاه دراثر عرض‌اهـــــل‌تشییع نا حیه چنداو ل که‌نوشتـه بودند برای تد فین و فیا ت شا ن‌در شهر کابل جای مشخص ندارند دا منه علی آباد ـ تعیین گردید وچنانکه گمان شده است این مدفن اطرا ف زیار ت سخی از عهددرانی‌سدو زا یی است حقیقت ندارد .

وثیقه و قف نا مه به طول تقریبایك متر و (بیست‌وپنج) سانتـی و عرض تقر یبا (سی) سانتی به‌خط‌خوش نسخ و نستعلیق به تاریـخ شهر رجب المر جب سنه ســت وتسعین و ما ته وبعدالا لف (۱۱۹٦ هجری قمر ی)نوشته شدوهفت‌برادر :

تیمور شاه ـ سلیما ن ـ اسکندر ـپرویز ـدارا ب ـ شهاب ـسنجر ـ دراین و ثیقه مهر کرده‌اند . واین‌وثیقه را هفت برادر که همه به‌قید حیا ت و در قندهار درایا م سفراین‌سا ل حاضر بودند ـ بدست خود به ملا حاجی عبدالحق الکوزا یـــی‌متولی سپرده اند .و سراسر متـن دراین رساله مندر ج است .

به تاریخ (بیست‌و شش) شهرشوا ل الکمر م سنه ۱۱۹٦ ق به عنوا ن شا هزاد ه هما ن رقم دو لت‌امپرا تور ی صادر گردید و گفته شد که یك قسمت ارا ضی تحت‌آب نهر احمد شاهی که از طر ف اها لی با غها در آن احدا ث شده.مالیا ت آن با محصو لات زراعتـی زمین های مذکور به اجزا ، موقوفات‌خر قه نبو یه (ص) افزوده گردد .

در فرما ن مور خ (ده) ربیـــع‌الاو ل سنه ۱۱۹۷ ق که دراثر عرض ملا عبدالحق متو لی صادر گردید ه‌مربو ط به موقو فا ت خر قه‌مبارکه واز حا جی علی نقی و صاد ق‌نا م‌تاجك تلو کانی ـ دربا ب‌دوز وج املاك نهر شاهی یاد شده واز حا جیا ن صدیقی و کسا ن دیگرنیــز اشار ت نمود ه است .

در فرما ن امپراتور تیمور شاه‌مور خ(چار) جماد ی الثانی سنـه ۱۱۹۷ ق‌که به حا جی عبدالحـــق‌عنایت شده تا کید گردید ه که هر روز مقدار پنجا ه من بوز ن‌تبریزی‌نان پخته از بابت حاصل نهرشاهی به خیرا ت فقرا و مساکـین داد ه‌شبود . ودر این فرما ن ثابت‌گردید که منزل باغ نیز از موقو فات‌خرقه‌معظمه در شمار آمده چنانچه‌درسنه مذکور متو لی خر قه نصف‌ارا ضی‌منز ل با غ‌را برا ی احداث‌انگو ر با غ استد عا کرده بود ودراین‌فرمان‌شاهزاد ه همایو ن به خطا ب نائب السلطنته القا هره‌واز حا جـــــی‌عبدالحق به عبار ت فضیلت‌وکمالات

حا جی الحر مین الشریفین یادشده‌واز میر علی خان اسحق زا یی ــامیر آخور باشی شا هزاد ه همایون(۱)نام برده شده‌است .

در فرما ن مور خ (دوازده) ربیع‌الاو ل سنه ۱۱۹۸ ق امپرا تــو ر تیمور شا ه از نظر مسا عد ت‌باموراخانگا ه علمی قند هار وسرپرستی مدرسه و نظار ت اوضا ع مفروشات‌زیار ت خر قه نبو یه ـ تاکید شده واز چند تن عالم و شاعر بزرگـــك‌قند هار به شمول ملاخدابخشـــس اسحق زا یی حوا زایی ملا باشی ـملامدا ح رئیس محکمه شر عیــه ـ ملاالیاس ـ ملاپیر محمد کاکـــر وشاعر ـ ملا دو ست محمد تبریزی متخلص (عزیز) نام برده و برای‌هریك معاشا ت و ماکو لات منظور گردید ه است .

فرما ن مورخ سنه (۱۱۹۰ ق)مطابق پیچی ئیل سال میمو نــوقتی از نزد متو لی مفقود گردید ـدراثرعرض حا جی عبدالحق متو لـــی ـ فرما ن ثانی از حضور امپرا تـــو رتیمور شا ه صادر گردید. و بـــــه جوا ب عرض اوکه گفته بود :

وضع فرش های نمدی بر هم‌است‌وپنجر ه های عمار ت شکســت و ریخت پیدا کرد ه .

درفرما ن مور خ (چـــــهارده)ذیحجة الحرا م سنه (۱۲۰۰ق) امر شد که بر آورد کرده و فرش‌قالین‌ازو لایت قاین بیاورند . وثابت‌گردید که تاسنه مذکور ــاز نمد هـــا ی‌مقبو ل قند هار ی در زیار ت خرقه شریفه‌فرش بود ه و بعد از آ ن‌به‌قرار فرما ن امپرا تور تیمور شا ه قالین های قاینی برای فرش زیارت‌خر قه معظمه خواسته شند ه و در

---

(۱)کتا بی که به عنوا ن زیــب‌تاریخ ها نوشته شده و نسخه خطی آن در کتابخا نه نسخ خطـــــــی‌تاشکند درسا ل ۱۳۵۹ شمسی به نظر نگارند ه رسید باسم همیـــن‌شاهزاد ه نوشته شده است.(وکیلی پوپلزا یی)

این فرما ن از جمعه خان الکوزا یی‌نائب شاهزاد ه همایو ن بلقب نائب شاهزاد ه همایو ن بلقب‌وکیل مالیا ت قند هار وعبدالحق متو لی و غلام علی پیشخد مت وادرا ك خا ن دارو غه دفترشاهزاده همایو ن یاد شده و شاهزاد ه ،همایو ن نایب السلطنه مخا طب گردید ه است .

امپرا تور زمانشا ه که به تاریخ‌پنجشنبه (یازده) شوال المکرم سنه ۱۲۰۷ ق در بالا حصار کابل‌بر مسند امپرا تور ی موروث‌نشست در اولین فرمان به عنوا ن شاهزاده‌همایو ن در مورد زیارا ت بابرکا ت وموقو فا ت قند هار خاطر نشا ن‌ساخت و گفت که :در پردا خت و معا ف زیارا ت وموقو فا ت...علماوسادا ت و استما لت ر عایا ی اشر ف البلاد و تمام توابعا ت‌ومربوطا ت دقیقه یی از دقایق‌نامر عی نگذارد .

امپرا تور زمانشا ه در فرما ن‌مور خ شهر صفر سنه ۱۲۰۸ به عنوا ن حا جی عبدالحق متولی‌نوشت که : از و جه عواید نهر احمد شاهی (شاه واله)مساو ی‌چهار توما ن را دونفر نوکر به جهت خد مت زیار ت بگیرد و گفت‌که متولی موصو ف از موقو فا ت برو فق فر مانها ی سابق‌استفاد ه‌کند .

دز فرما ن مور خ شهر صفرسنه۱۲۰۹ ق به عنوا ن شاهزاد ه سلطان حیدر پسر خودکه‌فرمانروا ی‌قندهاربود نوشت که : باید مردم سکنه چهار بلو ك قند هار کما فی‌السابق‌برا ی حفر نهر احمد شاهی و قف خر قه شریفه افراد کمکی‌بدهند .

آخو ند زاد ه عبدالحق الکوزایی(اولین متولی خر قه مبار که د ر قندهار) در سنه ۱۲۱٤ق و فا ت‌یافت . و بر طبق استد عا ی پسرش ، حا جی حفیظ الله که چندوقت با اشترا ك برادرانش –حاجی نعمت الله –ملاو لی محمد– حاجی‌عبدالغیا ث بخد مت زیار ت خر قه معظمه مشر ف بود –به حسب فرمان امپر ا تور ز ما نشا ه در ا نی مور خ جماد ی الثانی سنه۱۲۱٤ق– مطابق ابتدا ی چهار ما ه‌قوی

ثیل) بر تبه متولی خر قه‌بر قرارگردید . و بروی تاکید رفت تا دهم حصه عواید اراضی تحت آب‌نهر احمد شاهی (شاه واله)را ، صرف حوایج خود و باقی و جوه‌نقد و غله و کاه را مانندگذشته صرف نان پخته و خریداری گوسفند خیرات و روغن و تیـل ومواجب خدمتگاران زیارت خرقه‌مشرفه بنماید . و در فرمان‌مورخ مذکور عواید نهر احمد شاهی‌برای‌صرف خرقه معظمه ـ نقدبیست ودو تومان ـ غله دویست و پنجاه‌خروار ، کاه دویست و پنجاه‌خروار تصریح شده .

ودر فرمان امپراتور زمانشاه‌درانی (مورخ ربیع الثانی سنـه ۱۲۱۵ق از ابتدای شش ماهـه‌پیچی ثیل سال میمون) باین مطلب صدور بخشید که :

مبلغ بیست تومان برات نقدبه‌صیغه مواجب همه ساله برای حاجی حفیظ الله متولی مقرراست‌وهرسال از مالیات و جوه چهل یك اشرف البلاد احمد شاهی‌ازنزدعمال باز یافت و صرف مایحتاج خود بنماید و به عنوان حکام وعمال تاکید این مطلب کرده که از تاریخ‌مذکور هرسال مبلغ بیست ودوتومان و جه نا مبرده رااز وجه چهل ویك مهم سازی نموده ودیگرفرمان طلب ندارند .

در شهر صفر سنـه ۱۲۱۶ ق‌محمود شاه از راه سیستان وارد مرکز قندهار گردید و به تاریـخ(سیـــزده) ربیـع الاول جلوس بر تخت امپراتوری نمود ودر فرمان (مورخ (بیست‌ویك) ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ ق ـ ا زابتدای هشت ماهه سنه‌تخاقوی‌ثیل (سال مرغ)رتبه تولیت حاجی‌ملاحفیظ الله را مانند دوره زمانشاه درانی تایید فرمود و فرمان‌ثانی‌محمود شاه (مورخ ربیـع الاول سنه ۱۲۱۶ق) به عنوان حکــام‌وعمال و مباشران دیوانی اشرف البلاد احمد شاهی ـ راجع بــه‌حفر و لای کشی نهر شاهی وقف خرقه مبارکه ـ توسط مردم چهاربلوك تایید گردید ه وفرمان‌سوم محمود شاه درانی در قندهــار(مورخ ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ ق)

به عنوا ن فضیلت و کمالات‌پناهان‌ملاخدا بخش ملا باشی (قو م اسحق زایی) و ملا نصر الله امین محکمه‌شهر قند هار وملا الیاس وملاپیر محمد کاکر ی و ملادوست محمــــدترینی و غیر ه علما صدور یافته و گفته شده که باید عالمان مذکو رازبابت حاصل نهر شاهی و قف‌خرقه با حا جی ملا حفیظ الله متولی‌دعوی‌گفتگو ننمایند .

به تاریخ (بیست‌و نه) شهـــرسنه ۱۲۱۸ ق ـ شا هزاده کامران فرمانروا ی قند هار به عنوا ن‌سرـدار محمد کلان خان امین الو جوهات قند هار و سند و شکار پورراجع‌به موقو فا ت زیارا ت قند هار که نخست مرا تب احترا م خر قه‌شریفه‌درنظر است . نوشت :

حاصلات موقو فا ت و توابـــع‌زیارا ت و متبر کا ت خدا م‌زیارا ت ومشایخ که حـ ق‌تولیت آنها مـــی‌باشد و در هیچ صور ت ودرهیـــچ با ب به هیچیك از علما وسا دا ت‌ومشایخ و فقرا مزا حمت‌و تکالیف نرسد .

در فرما ن مور خ (بیست‌ودو)شهرربیع الاو ل سنه۱۲۲۱ق که‌ازحضور شجا ع‌الملك شاه صادر گشتـــه‌نوشته است : شجا ع الملك شاهـ وقف کرد از برای حاجی الحر مین‌الشریفین حا جی حفیظ الله ابــن حاجی عبدالحق درانی الکو زایـــی‌تما می یکزو ج ارا ضی متعلقـــــه معینه آن که واقع است دراشرف‌البلاد احمد شاهی مشهور به نهر روضه با غ و قف حا جی مذکو رباشد .

در دوره سلطنت ثانی محمو دشاه درانی به تاریخ شهر ربیـــع الثانی سنه ۱۲۲۳ـ مطابق ابتدای‌سنه لو ی ئیل سا ل نهنگ به‌عنوان حکا م و عمال قندهار نوشته‌است:

موازی دوبا ب کار ونســـرا ی‌شاهزاد ه سلیما ن وبازار چه‌دروجه فضیلت پناه حا جی ملاحفیظ اللـــه‌متو لی خر قه مبارکه مر حمـــــت گردید ه بود که حاصل آنرا بجهته‌جیره خد مه و رو غن و چرا غ و تعمیر و غیر ه امورا ت خر قه می‌رسانید .

بنابرا ن امر و مقر رفرموديم که به نحو سابق سال بسال حاصل ومنافع آنرا به مصارف خرقه منوره متبرکه میرسانیده باشند، ومواز ی دوازده باب دکان که ازجمله دکاکین و بازار چه مذکور که به غلط نمایی دروجه ملا نصیر وملا جمعه و ملا باشی و ملا صحبت وملاعبدالرحمن و غیره مقررشده بود ، ازوجه آنها موقوف دانسته بدستور سابق دروجه حاجی حفيظ الله مشار اليه بر قرار دانند که هرساله حاصل و منافع دکاکین بازار چه ودوباب کار بانسرا را به مصارف خرقه متبرکه میرسانیده باشد . واز بابت مالیه دکاکین ومرسومات داروغه های بازار ی وکوتوالی و بیگار و صادریات و غیره بهر اسم ورسم که حواله شودمعاف ومرفوع القلم دانسته به هیچ وجه من الوجوه مزاحم ومتعرض نشوند .

علیست شیر خدا وامیر شیرعلی

۱۲۹۰.

صاحب معظم والا شا ن مهربا ن‌سردار میر افضل خان حـکمرا ن دارالقرا ر قندهار را واضح خاطـرسا می آنکه :

درین‌و قت فضیلت نشا ن مـــلاعبدالله آخو ند زاد مولد رحمت الله آخوند زاد ه نواد ه غیا ث آخو نـدزاد ه مر حو م شرفیا ب دربارمعلی گردید ه د ربا ب تولیت‌ومجاور ت‌مزار فیض آثار خر قه شریفـــه عرض واظهار کرد که از آبا و اجدادمجا ور ت و تولیت مزار مذکـــور بما خانواد ه تعلق داشته ودیگری‌را دخل و غرض نبود ه حال بعضی ازمرد م اجنبی را هوای مجاو رت‌و تولیت مزار(۱)مذکور درسرافتاده مارا به مجاور ت آنجا آرام نمـــی‌گذارند . و چند قطعه دست آویزو

---

(۱)مزار ــ جا ی زیار ت.اکثـــراطلاق‌این لفظ بر قبر کنند . یعنی استعما ل این کلمه برای زیار ت‌خر قه شریفه درست است .واماچون عمو ما کلمه مزار برای قبر انسا ن‌بزرگ و مزارا ت برای قبو ربزرگان اهل تقو ی یاد شده است .درایـــن‌متن درست نمی نماید .

سند و تمسکا ت که درباب استحقاق مجاور ت و تولیت مزار فیض آثا ر مذکور در دست داشت از نظر شهریاری گذ رانید ودست آویز جدید به مهر سر کار وا لا مطالبه نمود. چو ن سر کار والا رابر احـــوا ل مجاور و متولی مزار مذکور علـــم واطلاع حاصل نیست لهذا صور ت تحقیق این مد عا وانجام مقصـــد ملا عبدالله آخوند زاده حوا له بـه رای صوا ب نمای صا حبی فرموده نگارش می یابد که خودش نوشتجات وتمسکا ت مشا ر الیه را ا زنظـــرخود گذرانید ه و علم به حقیقـــت عرض واظهار او آورده هرگاه تولیت و مجاور ت مزار فیض آثار مذکو ر حق ملا عبدالله باشد به ملا عبدالله سپرد فرما یند که به خدمت آنجـا قیا م واقدا م ورزیده آنچه حاصـل و قفیات او ست د خل وعمل داشته وبه مصر فی که سابقا مقرر بود ه برساند هر گا ه دیگر ی ازخاندا ن مشار الیه را از روی استحقا ق به قرار سابقه با مشار الیه د رامـــر تولیت وماحصل و قفیا ت شرکت ومدا خلتی باشد همان تقسیـــم سابقه را مابین شا ن بر حـــا ل واستوار بداند که هر کدام حـــق خودرا مالك وقابض بوده یکی بـــر دیگری ستم شریکی نداشته باشند. واگر چنانچه از مرد م اجنبی کسی را با ملاعبدالله آخوند زاده در امر مذکور دعو ی و گفتکو ی غیر حق باشد البته خود آنصاحب بکلـــی ممانعت خواهند فرمود که مزاحـــم حال مشار الیه نشود فقط تحر یـــر شنبه (هفت) شهر شوا ل المکرم سنه ۱۲۹۵.

(علیست شیر خدا و امیرشیرعلی)

۱۲۹۰

* * *

فرما ن امیر شیر علـی خان ـ این فرما ن دور ه محمد زا یی در خصوص زیار ت خر قه شریفـــه قندهار به خط وانشا و محمدنبی خا ن (واصل) دبیر الملك نوشتـه شده و قبل از آ ن سندی به نظـر نرسید ه است . در پشت فـرمان مهر دبیر دارا ی سنه ۱۲۹۰ خوانده میشود و در همان سنه بعو ضـــ محمد حسن ـ این رتبه رایا فتـــه است .

فرمان اعلیحضرت امیر شیر علی خان - بخط وانشاء میرزا محمد نبی (دبیر الملک) در خصوص خرقهٔ شریفه (قندهار) واصل

خرقۀشریفه وموی مبارک

در شهر قندهار ـ دوزیـــارت بزرگ ـ (خرقه شریفــه ومو ی مبار ك) موجود است . در ســـنه۱۳۲۵ هجری قمر ی امیر حبیب الله خان بشر ف زیار ت واحترا م آ ندوزیار ت مقد سه رسید وخدماتی را انجا م داد ـ سیاد ت پناه(۱)میرمحسن آقا ی پشیینی شرحی نوشته که سرا سر عبار ت اورا در جملــه تو ضیح و حوا شی این کتا ب مفید ومغتنم میدانیم و آن این است :

(از آنجا که توجها ت شنشـــه شهنشا هی شاه سعاد ت بنیا ن

---

(۱)میر محسن آقا به تاریخ یکشنبه(هجده) شهرشوال المکر م ســـنه ۱۳٤۱ هجر ی قمر ی در شهـــــرقندهار فو ت وهمانجا دفن گردید. موصو ف شخص عالم و فاضـــــل ودر خو شنو یسی هم دستی داشت پسر کاکا ی شاه عبدالعظیم پشیینی(شاه آقا ی قلعه قاضی)بود .

المو يد بتاييد الملك الديا نسلالةالسلاطين آل افغا ن التی ابتهجت بهم‌القرو ن و الازما ن اعلیحضر تسرا ج الملة والدین دا م ملك دایما مصرو ف تر قی اعمار بلادوامصا رشاهانه شا ن است ـ از ابتدا آمدن موکب مسعود او به قندهار بســـی‌آثار عمرا ن و تر قیا ت نمایانـــی برو ی کار آمده است که برخی‌ازآنها بیان کرده میشود .

چنانچه تعمیر قلعه قند ها ر که‌به مرور زما ن بر هم ورخنه رخنـه گردید ه بود از سرنو بطرز جدیـدترمیم گردید که در صفا یی‌وزیبایی رشك بلدا ن عالم گردید . وارگ‌شهر قند هار و سلامخانه مبار که و عمار ت برج و کوتی جدید ارگـــك‌وگلدانی هاو فوار ه ها درآن‌سا خته شده است و بازار ها به کـمال ،آرایش انجا م یافت واماکن متبرکه چنانچه: خر قه شریفه که در دایره‌وصحن او وسعت کرده سرای طر ف شر قی اوراخرید ه در دایره اش‌داخل کردند و صحن اورا وسعت دادند و نیز دالانها ی سمت‌جنوبی‌اورا آبادنمودند و امام وموذن‌وخدمه ومدرس وطلبه را مقرر فرمودندونیزمسجد جا مع‌شاه که آباد کرده احمد شاه مر حو م است جانب شمال آ ن‌زمین های خالصه سر کار ی وخر- یدار ی در آن داخل کرده دایر ةاورا وسعت داده دالان های شمالی اورا از سرنو تعمیر نمودند و نیزمسجد جامع سردار کهند ل خان ، مرحو م را از طرف شمال‌و جنوب‌او سراهای به قیمت بسیار خرید- دایره و مسجد اورا دوچند ازسابق‌کلان نمود ه و نهر پاتا ب رادراوسط او اجرا داد و دوصدبا ب دکـــان‌که در حقیقت یك بازار طولا نـــی است برای مصار ف وی آباد و جای‌موی مبار ك را در آن ساخته به آن بقعه شریف نهادند و مسجد عثمان‌آباد واقع بازار شکار پور و غیر ه مساجد را تعمیر نمودندو عما رت‌کو هکرا ن و کو تی جدید منزل باغ که مزین به تخت پادشاهی است‌وکو تی یخچا ل و کوتی سر بند و حفر نهر ها و ساختن سر ك ها وپك ها از آن جمله یکی حفر نهر مبارکه سرا جیه است که از دریای‌هلمند اراضی حالیه غیر مـز روع را به زحمت زیادی در ظر ف چهارسا ل که موازی ی هشت هزار مرددر

آن کار میکرد تا حفرآن انجا م‌یافت‌که یکی از آثار عظیمه عصرسراجیه است واز نتایج مستحسنه سفــرخیر یت اثر همایو نی علی هذالقیاس در هر ولایت که قدو م میمنت لزوم‌والا رسید ه یك آثار تر قی نشان به یاد گار ماند ه این همه به‌سعی‌واهتمام عالیجا ه سردار محمــــد عثما ن نایب سالار ملکی سر داردرجه دویم‌بانجا م واتمام رسید).

• • •

سفر امیر حبیب الله خــان د رقندهار سنه ۱۳۲۵قمر ی (۱۲۸٦ شمسی و ۱۹.۷ میلادی) است ازقندهار به هرا ت عزیمت نمود واین سیا حت تاسنه ۱۳۲٦قمر ی ادا مه‌یافت .

مسجد موی مبارک

مسجد موی‌مبار ك در قندهار کـه‌اولین مسجد شهر جدید (اشر ف البلاد احمد شاهی) است و گذ رپیوست مسجد موصو ف نیز بنام مسجد موی مبار ك یاد میشود ـدرفرصتی که امپراتور احمد شـــا ه بزرگ مصرو ف امور بلاد شر قی‌قلمرو افغا نی بود ـبفرموده‌وهدایت آن سهر قهر مان ملی این اولیـــن‌مسجد در شهر جدید قند هار ـدر سنه ۱۱۷۲ قمر ی (۱۱۳۸ توشقا ن‌ئیل شمسی) به پایه اکمال رسید. در سنه ۱۱۸۲ قمر ی خر قه مطهره‌ومو ی مبار ك در حجر ه هما ن‌مسجد گذاشته شد . در سنه ۱۱۹۱قمر ی‌دراین و قتی که خر قه مطهر ه به عمارت جد ید (درساحه رو ضه باغ)احتراما نقل داده شد ـ مسجـــد موصو ف بنا م مسجد موی مبار ك‌مشهور ماند و بنابراولیت وقدامت بنا آن قند هار یا ن(زاړه مسجد) یاد می کنند . نگارند ه این کتا ب مسجد موصو ف را صبح سه شنبه(چار) بر ج ثور سا ل۱۳۴۱شمسی دید م که در صحن حویلی ـ هفت‌درخت سرو و چند اصله در خـت تو ت موجود وو ضع عمار ت‌قدامت‌آنرا نشان میدهد .

هدیهٔ دروازهٔ نقره

دروازه زینه داخل عمارت خرقه مطهره که از صحن اندرون روضه به طرف صندوق محمل خرقه مبارک که میرود قبلا از چوب ساخته شده بود (۱) در عهد امیر حبیب الله خان به جای آن دروازه نقره باندازه تقریبا دو متر طول و تقریبا یک متر و (بیست و پنج) سانتی عرض با چوکات آن از طرف حکومت به توسط سردار خوشدل خان

---

(۱) در برج حمل سال ۱۳٤۱ شمسی از آخوندزاده محمد حق متولی خرقه شریفه سوال کردم که بعد نصب دروازه نقره دروازه چوبی آن را کجا برداشتند؟ گفت: در منزل شخصی خود برده نصب کرده ام و موجود است ـ محل گوشه و منزه است. (وکیلی)

لویناب نایب الحکو مه قندهار(ابن سر دار شیر دل خان لویناب مرحو م)اهدا شده واین عبا ر تدرو ی نقش شده است :

(در زمان سلطنت اعلی حضر تسراج الملة والدین- هدیه لویناب خوشدل نایبالحکو مه اشر فالبلادقندهار تقدیم شد ۱۳۳٦ ه .)

بضا عت نیاورد م الا امید　　　خدایا ز عفو م مکن نا امید

• • •

عبار ت فو ق را ساعت(یازده)قبل از ظهر جمعه (سی‌ویك)برج حمل سا ل ۱۳٤۱ شمسی نقـــلبر داشتم .

* * *

۱۳۳٦ هجر ی قمر ی مطا بـــق۱۲۹۷ هجری شمسی است و د ر برج حو ت همین سا ل افغانستاناستقلال کامل خودرا اعلان نمود .

ترمیم عمارت خرقهٔ شریفه

امیر حبیب الله خان در سنـــــه ۱۳۲۵ هجر ی قمر ی از کابل بـــه قند هار عزیمت نمود . و حین ورود به قندهار به زیار ت خر قه شریفه مشرف گردید و فرمود که آن زیارت بزرگ ترمیم و مجددا رنگ آمیز ی ونقا شی شود ــ و برا ی سر عت کار خرقه معظمه وسایر ابنیه مقدسه قند ها ر ــ از هرا ت یکعده نفــــراهل فن نیز حکم احضار صدور نمود تا با مور خطا طی ، نقا شی، رنگـــ مالی ، مهندسی ، عمارا ت بزرگـــ قند هار بپر دازند .

صو فی عبدالحمید و لد نصرالله خان از قبیله خوا نثه زا یی بار ــ

کزا یی ساکن‌چهارکو چه قندهار(۱)درسنه ۱۳۲۷ قمر ی از هرا ت وارد قندهار گردید داخل عمار ت خر قه‌مطهر ه وعمار ت مو ی مبار ك‌حضرت سید لولاك را مجددا رنگ آمیز ی‌و نقا شی نمود و هم با مور خطا طی الواح تاریخ پرداخت . در سقـــف‌عمار ت خر قه شریفه این بیت‌نو- شته شده است :

اینجا بیا که‌رو ضه خرقه‌محمداست   اینجا بیا که نور یقین جلوه میکند

---

(۱)صو فی عبدالحمید در سنه۱۳.۷ قمر ی در قندهار متو لـدو به عمر (نه) سالگی با فا میـــل‌ایشا ن در هرا ت رفت . علوم‌ریاضی طبیعی ، هندسه ، هیا ت قد یمه،جغرافیا ــ تاریخ ــاز معلمیـــــن خصو صی آمو خت .

ودر سنه ۱۳۲۷ قمر ی از هرا ت‌با مر امیر افغانستان به قنـد هار احضار گردید . د رامورمهند ســی‌تحت منزل باغ و ترمیم مـزارا ت خدمت نمود . درسنه ۱۳۳۲ قمر ی‌به کابل احضار یافت .

درسنه ۱۳۴۳ قمر ی کتـــا ب‌جغرافیا ی ولایا ت شمال افغانستا ن را ترتیب نمود و درسنـه ۱۳۴۴قمر ی رئیس شر کت‌تعدیل صنایع ودر سنه ۱۳۴۵قمر ی رئیســـــ‌مطبعه‌نو ت و صکو ك مقرر گردید.

خدمت در راه صلح

درآغاز اعلان جهاد استرداد استقلال افغانستان (برج حوت سال ۱۲۹۷ شمسی) از اثر دخالت و خیانت دشمنان را حت و آسایش و صلح وآرامی ملت مسلمان افغانستان، دراین ایام که قبایل پشتون قندهار از شهر احمد شاهی به عزم غزو جهاد وحرز ناموس اکبر کمر همت بسته به طرف سرحد افغانستان در حرکت بودند ـ در شهر قندهار، واقعه بس خطرناك رخداد. وتفصیل اینکه: یکنفر از سادات سنی مذهب که روز های قبل تبلیغ جهاد نموده بود ـ پسر نوجوان اورا کشته در برابر دروازه سرای میرا ب باشی شهر قندهار دفن کرده پای اورا برون کشیده بودند و به طور غیرمحسوس به نفری اهل جهاددرسپین بولدك خبر داده و گفته شد که شماجهاد استقلال را آغاز کرده ایدخبر

ندارید که دشمن خانگی فر زندا نشما مرد ماهل سنت و جما عت را
می کشنند . رو ی این اطلاع وایـن‌واقعه هولنا ك که زمان حکو مـت
خو شدل لوینا ب بود ا هـــل غزا ت از سپین بولد ك رو گردان
شده وارد شهر قند هار و بسیارنفر را کشتنند . برای دفع این‌واقعه
خونین حا جی عبدالحمید آخو ند زاد ه متولی خر قه شریفه در بین
اجتماع وارد شده خدمت بز رگـ‌ـدر راه صلح نمود . ودیگر علمـــای
قندهار نیز باو ی همفکرو همکارشده آن واقعه خونین جنگ داخلی
را دفع نمودند . وبعد انجا م آن‌واقعه فهمیده شدکه دست خیا نت
خار جی دخیل بود واین حر کـــت‌دریك مر حله حساس با عث ناکامی
گردید . در ضماییم تاریخ خرقـــه‌متـــو لـی خر قـــه شریفـــــــه
به درج ایـــن خلص اکتفـــاورزیدیم زیرا که خدمت مصلحا نـــه
متولی خر قه شریفه در واقعه آ ن‌ایا م خیلی ها قابل‌احترا م است و
همان ایا م بود که مجاهدین قندهاربه محاذ کدنی به‌حرز ناموســـــ
اکبر آماد ه جان سپار ی بودند .

بیانات غازی امان الله شاه

د رمسجد جا مع خر قه شریفـه واقع در قندهار

غاز ی‌امان‌الله شاه به تاریـــخ‌یکشنبه (هجده) برج میزان سا ل ۱۳۰٤ شمسی (یازده ـ اکتو بـر۱۹۲۵م) از کابل به قصد قندهار حرکت نمود و روز دوشنبه (نزده)میزا ن در میدان مسجد جا مع‌خرقه شریفه به اهالی قند هار گفت :

(چونکه ا زخدمت به وطن بالاترعشقی ندار م واین مسلك را نخبـه آمال خود می شمار م لذا استفاد ه‌از موقع را بغرض تا مین امور وطن عزیزم افغانستا ن و تهیه طریـــق‌بختیاری ملت محبوبم افغانیان همه وقت ملحو ظ داشته خواسته ام به‌معو نه ایزد ی نهضت ومرا تـــب عظمت افغانیه بسر عت ممکنه بـه‌سا حه و جود آید .

بنا علیه چو ن دراین ایام خاطرم‌با لجمله ا زمهمات امور مر کــز

مطمئن گردید سر کشی با مــــوراپا لات سایر ه محرو سه رابا لا ضا له تصمیم کردم).

وگفت : (مقصد م از این آمد ن به قندهار ساعت تیری و تفریـــح نیست بلکه چو ن قندهار از متبرك‌ترین شهر های افغا نستا ن و یـــك جا ی مقدس شمرده میشود ، ایـن‌عاجز در آن به‌قسم فال نیك بغرض زیار ت خر قه شریفه وخبرگیر ی‌حالات حقیقی اینجا آمده ام اولامقصد از آمدن به قندهار تشر ف به‌خرقه‌مبار که و باز ملاقا ت نمود ن‌باشما مرد م قندهار و معلوما ت کردن‌ازاحوا ل شما عزیزا ن بوده است .

امان الله شاه پنج نماز جمعه رادرجامع خر قه شریفه ادا نمود وچون خود امامت و خطا بت نماز جمعه رامی نمود ـ بروز جمعه (سی) میزان سا ل ۱۳۰٤ ش در مسجد جا مـــع‌خر قه ضمن ادای خطبه گفت :

(عزیزا ن من میدانید که مقصداز خطا بت رسانید ن احکا م خدا و رسو ل است برای سا معین پس‌می‌باید که خطبه بزبانی گفته شود که بفهم قریب و شنونـد ه از آن‌استفاده‌کرده بتواند .

ماو شما بدین مر تبه که درعزت‌وحرمت خر قه مبار که سرو کائنات که قند هار رایك شرا فت بز رگی‌بخشیده واین جا مع مبار که‌رانسبت بدیگر مسا جد اسلامیه بعد ازحرمین‌شریفین بنظر ما با عظمت نشا ن میدهد میکوشیم‌میدانید که ازچیست؟ازاین است که این خر قه مطهر ه‌به وجود پیغمبر ما مشر ف شده وبه‌عرق پا ك شا ن معنبر و به ا ثـــر صحبت شا ن یك‌افتخا ر بزرگی رانایل شده است ـ‌پس طور ی که ما در اعزاز واکرا م این خر قه بدین‌حیثیت میکو شیم‌می بایدصد چندان آن در تعمیل آن اوامر و نوا هی‌که‌ذا ت اقد س پیغمبر بما امتا ن‌عاصی خویش فرموده اند ـ‌جد و جهـــــدکنیم و به قدر یك سر مو ی ا ز هدایا ت واحکا ما ت اوشا ن تخلف‌نورزیم .

بشما بسیار تاکید میکنم که نمازهای پنجگا ه تا ن رابکمال تر تیـب و پابندی اداء کنید و بدا نید که‌مهم‌ترین و افضلترین عبادا ت نمازبوده

بسی فوایدمهمه دینی ودنیو ی درآن‌موجود است تا می توانید نما ز های خود را در مسا جد وبه جماعت‌ادا کنید و نگذ ارید که از شمـــا قضا شود . همچنین در دیگـــــرعبا دات خویش‌که روز ه ماه ر مضان وداد ن زکو ت و حج بیت اللــــه‌شریف ودیگر ارکا ن و احکا م دینی است هم سستی و تنبلی نکنید وبدانید که ایزد پا ك از ین چیـــز هایی که بشما عرض کرد م‌علیحده‌علیحد ه از شما در آخر ت مـــی پرسد و در صور ت عد م تعمیل، بدین امر از شما سخت بـــا ز خواست میکند و هم شما توصیـــه‌میکنم که در اتحاد واتفا ق اسلامیت وافغانیت خود بسیار سعی وکوشش‌کنید و بدانید که همه کا میابی و مظفر یت های ماد ی ومعنوی شمامربو ط به اخو ت ومود ت عمو می شما است وقتی که شما با همدیگردر راه تر قیا ت ملت و مملکـت و اسلامیت خود گر مجوشی وهمدردی‌نمودید معلو م است که همه‌برضای خدا و رسو ل نایل میشوید وهـم‌اولو الا مر خود را که شمابه‌اطاعت وفرمانبر دار ی او مکلف میبا شیداز خود خو شنود ساخته اید علاو تا هیچ‌یك دشمن شر ف و عـــز ت‌شما نمی تواند که به آسا نی‌ازمیان شما مطلب خیانت و شرار ت خودراپیش برده بتواند .

ملت ها یی که به پریشانی مبتـلاوبه نکبت و مذلت افتاده اند یگانه سببش علیحده گی ازهم و دیگـــرنفا ق است . چیزی که اسلام رابدین حا لت ر قت آور دچار کرده نفـاق‌است نفا ق بسیار یك حصه مهمه عالم اسلام را مظلو م و مقهـــو ردشمنا ن ، ساخته است .

نفا ق بسیار یك چیز مخر ب ومدهش خانه و یرا ن است .ازبرای خدا عقب اسبا ب نفاق وچیز هایی‌که دربین اسلام شقا ق را می‌افگند هرگز نگردید .

یکی از ارکان مهمـه اسلامیـــه‌مـا و شـــما اقـا مـــۀ جهـــاد وکو شید ن به مال و جان است .در اعلای کلمته الله ـ خدارا شاکرم که ملت غیور قند هار بلند تر ازخیا ل من در جهاد اظهار گـــــر م

جو شی دارند ، خورد وبز رگ زن و مرد شا ن شو ق و شعف فوق العاد ه شان را در امورغزانشا ن میدهند . واثرا ت همین جوش و خرو ش شما ملت غیور بودکه به‌نعر ه های عدو کوب الله‌اکبر وجمع آور ی اظهار همت‌ومردانگی‌شدید خود یعنی استقلال را حاصل واستر داد کرد ه توانستیم)

ودر خطبه دو مین در مسجدجامع‌خر قه شریفه گفت :

(الهی برای ما امتا ن پیغمبر محبو بت توفیق استقا مت شریعت رانصیب گردا ن و تمام مکرو حیله‌دشمنا ن شر ف و عزت واسلامیت مار نا کا میا ب ثابت نما . الهی‌ملت و مملکت افغانستا ن را به ترقیات و مرا تبی که بلندتر از آن‌نباشد از لطف و مکر مت خو د موفق‌سازد .

الهی عسکر افغانستا ن را در هرمیدا ن به مقابله اعدا ی شا ن مظفر و فاتح و سر افراز و تمام‌ملت‌ومامورین و علما وسادا ت افغانستان را که برای خیر و بهبود مملکت‌خود خدمت می کنند قرین لطف ومکر مت خویش داشته با عـزا زدارین شاد کا م گردا ن.

الهی من عاجز خد متگار افغانستان‌را که بجز از رفا ه وتر قیا ت ملت ومملکت خوددیگرآرزویی‌ندارم، به مقا صد م کا میا ب و فایزالمرام دار .

الهی عالم اسلام را ازین پریشانی‌ودر ماند گی از فضل ومر حمت خویش وار هانیده مانند قـرو ن‌او لی به خد مات اسلامیه اوشان را توفیق نصیب کن وتمام دولت های‌اسلامیه را از دست دشمنان‌وخیانت کارا ن محفو ظ دار).

• • •

غاز ی امان الله شاه در خطبه‌نماز جمعه (هفت) عقرب سال ۱۳۰٤ شمسی در مسجد جا مع‌خر قه شریفه واقع در قند هار که خود امامت و خطا بت‌نمود گفت :

(عزیز ا ن من ! همه تان بخو بی‌میدانید که تمام کائنا ت وسایر

موجودا ت دلیل برو جـــود ذات‌خداوند (ج) و شاهد معر فت‌کرد گار است .

برگ در ختا ن سبز درنظـــرهوشیار
هر ورقش‌دفتر یست معر فت کرد گـــار

پس هر قدر ی که در موضو ع‌معر فت کردگار عرض نماییم با ز حسب خوا هش من ولزو م آ ن کـم‌است . لهذا به همین یك فرداکتفا کرد ه فقط دربحث اتحاد واتفا ق‌که‌به‌جمعه گذشته اجما لا برای تان‌گفته بود م چیز ی تو ضیحا ت‌میدهم) .ودر ضمن تو ضیحا ت وارشا دا ت فرمود :

(شما را به اتحاد و اتفا ق زیادتوصیه میکنم .اما چه اتفا قی کـــه صورت عملی داشته با وصا ف وصفا ت حقیقی خویش آرا سته‌باشد از شما آرزو مند م که دربین تمام‌اقوا م و طوایف خویش چندا ن ، مراتب اتحاد واتفا ق را قایم کنیدتا افغانستا ن مرکز اتفا ق اســلام وسلسله پیو ند رشته اتحادعمومی‌عالم اسلام گرد د).

وگفت : (به اشخا صی که دادوستد و معا مله می نمایید طـر ز امانت و دیانت را اختیار و بـــاهمگنا ن لطف ومراعا ت رارو ی کار آورد ه ، کسانیکه به تکلیـــف وزحما ت دچار باشند با آنهامعاونت وهمدرد ی ومریضا ن را پرستاری‌وتیمار دار ی ودرماند گا ن رادست گیر ی ودلدار ی نمایید . که نتیجه‌وثمره هر کدام ازین‌عملیا ت‌و رفتار اتحاد واتفا ق رابوجود می آورد .

جمیع احکا م وارشادا تی کـــه‌سرور کائنا ت به ما امتان خویش فرمود ه اند در هر کدام آن یك‌عالم‌خوبی و یك جها ن باریکی موجو د است . مثلا:

پیغمبر ما تاکید مز یدی‌درمحبت‌نمود ن با همسایگا ن وایفا ی حقوق آنا ن برما فرموده است) ود رخاتمه‌خطا بت گفت :(خداوند پا ك‌درهمین موضو ع اتفا ق به ماو شما چنین‌یك امر تاکید فرموده است که:

واعتصموابحبل الله جميعا و لاتفرقوا ـ چنگ بز نید تمام تان به رشته خداوند ی که اسلامیت استواز هم مفار قت نجویید .

در موقعی که خداوند به ما امراسلامیت را میکند ودرین رهگذر به ما هیچ اجاز ه‌تفر ق و جدایی نمـی‌دهد . هرکسی که در افغانستا ن سکو نت دارد بدو ن استثنا افغا ن‌وتمام طوایف واقوا م آن مسلما ن گفته میشو ند و بشما تاکید میکنم‌اسلامیت را طر ه امتیاز وموجـب اعزاز خویش انگاشته تابتوا نیدبرای‌قـدرت و عظـمت و بزر گـی و شوکت اسلام بکوشید و بدانید که‌همه ماو شما مسلمان و تمام‌سکنه افغانستا ن یك افغا ن گفته مـــی‌شویم و اولاد یك پدر می باشیم . مراتب مود ت واخو ت رابین‌خویش‌مستحکم کنید و کسانی را که‌برای عزت و تر قیا ت تا ن بکوشندوشب‌وروز در خدما ت تان سر گرم می باشند بنظر احترا م و تقدیربنگرید)وگفت : (چیزی که عظمت‌وسطوت وشو کت حقیقی رابرا ی انسا ن‌هابهم میرساند ، اخو ت و مود ت‌و محبت اتحاد و اتفا ق و همدرد ی‌باهمدیگر است وبس .

دردی که ازین پریشانی عالـم‌اسلام بد ل دار م مرا مانند آتش میسو زاند و هیچ طاقت اظهار ش‌راندار م .)

وگفت: (بصد عجز و نیاز آرز وداریم که عالم اسلام را به‌مقررا ت صحیحه اسلامیه استقا مت نصیب‌کناد . واین گفتار ی راکه من عاجز نمود م بی اثر نگذارد .)

وگفت : (الهی مارا بدا ن رفتاروکر دار و گفتار ی موفق گردانی‌که درآ ن رضای تو ورضا ی رسول توورضا ی اشخاصی باشد که برا ی سعاد ت و شرافت ما خدمت مـــی‌کنند .خداوندا دنیا یك محل‌فانی‌و آخر ت منز لگا ه جاو دانی است ،سوا ل و جوا ب روز قیا مت ما را آسان و منزل آخر ت‌مارا خـــو ب‌بگردانی).

ودر خطبه دوم بعد از حمد ونعت‌ومنقبت بزبا ن عربی گفت :

خداو ندا جهان اسلام را مانندیك دیوار آهنین به مقابل غـدر و خیانت دشمنا ن شا ن بگردا ن ـ الهی قو م نجیب افغا ن رابرترقیات

وتعالیا ت که من عاجزخد متگا رشان‌بدل دار م ،موفق گردانی ، الهی عسکر غیور افغانستا ن را در هـرمیدان مظفر و منصور و کا میا ب داری . الهی کسانی راکه بـــرا ی‌ترقیا ت وسعادت افغا نستان‌خدمت می کنند همه شا ن را معزز داریــن‌داشته خود ت مدد گار شـــا ن باشی .

خداوندا خود ت بهتر میدانی که‌مسلك این بند ه عاجز ت به‌مقابل تما م‌او امر محض تسلیم است وبس . اگر به بخشی مر حمت‌است واگر بپر سی شکایتی ندار م .اگرجنتم دهی لطف است واگر بدوزخم افگنی رضا ی ترا می جویم .

من از خود اراد ه واختیار ی‌ندارم‌فقط خورسند ی ترا میخوا هـــم و رشته رضا ، خود م را بدست‌قضای‌تومی سپار م ، هر فرد اسلامی در تمام عملیا ت خودباید عدالت کندوبر احد ی ظلم و تجاوز و زیاد ت نه نماید و کسی را بنظر حقار ت‌ننگردودر داد و ستد برابر ی وانصا ف نماید و باز یر دستا ن خودشیو ه‌مساوا ت و یگرنگی را مر عی‌دارد .)

* * *

غاز ی امان الله شاه بروز جمعه(چهارده) عقـــر ب سا ل ۱۳۰٤ شمسی در مسجد جا مع‌خرقه شریفه‌در قند هار که خود مطابق همه‌وقته وظیفه امامت و خطا بت را داشت،بعد از حمد و نعت‌بزبا ن عربی ـ مطالبی بیا ن کرد که اینك خلصــ‌آنرا در ج‌می نماییم :

(به همه شما معلو م است که‌اسلام یك دین مقدسی است واولین مسلك و مذ هب مهذبی که‌در تمام‌کائنا ت برای ر فاه و بهبودانسا ن ها شر ف نزو ل فرموده است‌همین‌دین مبین محمد ی است که همـــه پیروا ن خودرا بیك قانون درست‌ونظا م خو ب راهبر ی میکند.)

وگفت : (ایزد پا ك در تعریف‌دین اسلام میفرماید که اسلام یـــك دین مکمل و پیرو ی آن موجب سرفراز ی دنیا و رستگار ی آخـر ت است)و گفت :

برهرمسلما ن واجب است کـــه‌اسلام رابلند تر از پدر وما در وتمام کائنا ت بداندو هیچ چیز را به‌مقابل‌اسلام اهمیت نداد ه تما ما گرویده شریعت بود ه سلسله اسلامیت خودهارا مربوط نمایند .
در دور ه حکومت من قوانین که‌وضع و ترتیب شده اند تما ماهمان احکا م قرآن پا ک‌ورسو ل اکرم‌بوده‌مطابق به مذهب شریف حنفـــــی است).

وگفت : (در نظا منا مه هاـرفاه‌وآباد ی و آسوده حا لی غریب‌ترین وعاجز ترین طبقه ملت افغا نستا ن‌زیرنظر گر فته شده است .اساس فکر من تنها بیدا ری‌و خبردار ی‌عامه ملت از حقو ق‌خویش و خو بی وآسوده حا لی عمو می می باشد .وفقط برای بدست آمد ن همین‌مطلوب نظا ما ت موجود ه ‌را و ضع کردیم‌تا دست ظالمان و متجاوزین ازسر مظلو مین و بیچار ه‌گا ن کو تـــاه‌باشد).

وگفت : یگانه علاج این درد ووسیله دیگر تر قیا ت و بهبود ی های شما علم است .)

وگفت : (اختلافا ت وپریشا نی‌ها که تماما نتیجه بی علمی است مرا از حد زیاد ه زیر تاثیر آورده‌است و شباروز کو شش دار م تا ملت خود را ازین مغا ك تیره‌و تاربرون آورد ه به انوار علم وعرفان ایشا ن را راهنمایی کنم . لهذا ازیکطر ف برای شا ن‌نظا مات‌وقواعدی را وضع کرده ام تا از طبقه‌موجوده‌ملت افغانستا ن دست اذیت کوتاه شده تماما بواسطه تحقیقا ت‌و عمل‌نمود ن آن از مضرا ت‌بر کنار و با مسر ت سردچار شو ند واز جانب‌دیگر مکاتب ومدارس متعدد ی را در تمام گو شه های مملکت خودشا ن‌گشاده ام تا طبقه آینده‌مرد م افغاـ نستا ن عالم ودانسته شده خوبتر،ازین نظاما ت و قوانین موضوعه‌ام استفاده کرده بواسطه علم وعرفان‌نه تنها درد های ملت افغانستان را دوا بلکه به ترقیا ت و تعالیا ت ،موجود ه جهان نیز آشنا شده ایـن زحمت کشی مراکه‌برا ی آبادی وبهبود ی افغانستا ن مینمایم تقدیر خوا هند کرد .

نظا منا مه برای عموم شماآزادی‌اسلامی و حریت شخصی تا ن رااعطا کرده است و شما را از سایر پـریشانی و درمانده گی نجات‌بخشیده است .

(به آتیه اولاد خویش دلسوزی‌کنید و آنهارا به مکاتب بفرستید تا عالم و دانسته شده برای شماوملت‌ومملکت خود خدمت کنند).

وگفت : (امروز در دنیا تو پ‌های‌موجود است که بیست میل خـا ك دشمن را زیر آتش می گیردوطیاره‌ها یی سا خته شده که از تمـــا م حرکا ت وسکنا ت رقیبا ن خـــودکشفیا ت میکنند . مقابله تــــو پ باسو ته و چو ب ممکن نیســـت‌پس ضرور است که ماو شما هـم بالمقابل آ ن قو تی داشته با شیم‌واز کید و حیله دشمنا ن خود غافل نشویم و پی تحصیل علوم همـت‌گماریم ، تا ما هم از یمن آن دارای توپ های دور ز ن وطیار ه ودیگرآلات وادوا ت حر بی باشیم .

اگر چه عقا ید ما مسلما نان بلندتر است واز بر کت همین عقایـــد اسلامیه همه و قت به معاونت‌خدای(ج) و رو حانیت رسول الله (ص)می توانیم که دشمنا ن شر ف وعز ت‌خود مان را عقب بنشانیم چنانچـه بار بار امتحا ن داده ایم .باز هم‌اگرقوه‌ظا هره و معنویا ت وثرو ت‌ماهم درست باشد . معلو م است که ازهمدستی‌و اجتما ع این دو قـــوه ظاهر ی و باطنی به بسیار خو بی‌می توانیم دشمنا ن خودرا پسپاکنیم ومطلب مقد س خودرا از اوشا ن به‌آسانی بگیریم .)

وگفت : (به مجردی که او لادافغا ن خواننده و نویسنده شدند‌ـ گویا کلید تمام علو م و فنـون رایافتند و پس از آن برای آنهابسیار سهل و آسا ن است که هر علـــم‌وفنی را که خواهش داشته باشند در دیگر مکاتب عالی تحصیـــــل‌کنند).

وگفت : (همین اولاد شما کـــه‌تعلیمات ابتدا یی خودرا تکمیـــل کردند عالم و متخصص هر فن‌شده‌می توانند .)

وگفت: (مال دنیوی ضامن سعادت آینده اطفال افغان در صورتی که بی علم وبی کمال باشند . هرگز شده نمی تواند).
وگفت : (داشتن علم و کمال یك برابر بالای مرد وزن از طرف خدا فرض است . پس متساویانه در تعلیم پسران ودختران خود بکوشید و بدانید که احکام واوامر دینی و مذهبی بالای زن و مرد یکسان فرض است). و گفت :(موفقیت ما جای امید مسلمانان جهان است).
وگفت : (خدایا الفاظ عاجزانه امرا که برای ترقی و بیداری ملت افغانستان میگویم موثر گردان .خدایا به عامه ملت افغانستان توفیق را رفیق بگردان تا اولاد خودرا به مکاتب داخل کنند و از فیوضات تعلیم بهره ور شوند .
خدا به برکت رسول مقبول ملت افغانستان را سبب نجات عالم اسلام گردان وبه ما توفیق خدمت عالم اسلام را عطا فرما).

* * *

در خطبه دوم گفت : (خدایا ملت نجیب افغانستان را توفیق رفیق فرما تا برای ترقی و تعالی این نقطه مقدسه اسلامیه بجان ودل بکوشند و تمامی مساعی وکوشش های شان را در سرسبزی و آبیاری این مملکت خود مصروف دارند . و به ترقیاتی که آرزو و خواهش این خدمتگار عاجز شان است کامیاب شوند .
الهی تمام مامورین و سادات وعلما و مشایخ وملت افغانستان راکه در حفظ و حمایت و عزت و شرافت مملکت خود کوشش می کنند و جان ومال خودرا نثار می فرمایند دردین ودنیا سرفراز ونیک نام فرمایی و عسکر افغانستان و کسانی راکه برای اسلام وافغانستان خدمت می کنند و آرزوی ترقیات اورا بدل می پرورانند در هر میدان فاتح و سرفراز و ممتاز گردانی .
الهی این عاجز راکه به جزاز عشق آبادی ملت وسرسبزی مملکت خود دیگر تمنایی بدل ندارد به مقاصدش موفق گردان ودیگر دولت های اسلامیه را در حفاظت و حراست خود نگهدار و تمام اقوام تبعه دولت

های اسلامی را براه هدایت خود ترا هنمایی فرما تا از شر بدخواهان ودشمنا ن خویش محفو ظ بمانند .

الهی به بسیار عجز و نیاز التجامی کنم که افغانستا ن را موجـــب سعاد ت عالم اسلام وسبب نجا تواتحاد واتفا ق اسلامیا ن بگردانی واز آسیبو شر ور خائنین دا خلیوخار جی اورا همیشه نگهبا نـــی فرما).

* * *

امان الله شاه ـ .دراداینماز جمعه(بیست‌ویك) عقرب ۱۳۰٤ شــ در جامع خر قه شریفه که خوداما متوخطا بت را برذمت داشت،درمسایل جهاد توضیحات داد گفت:(اوامر پرور دگار تان را برای شماتوضیح وابلاغ میدار م . معلوم است کهجانومال ما مسلمانها از طر فخداو ند تعالیبرای اعلای کلمته اللهو حفاظتدین وو طن مخصوص گردیــــد است .)

وگفت : (در صورتیکه ماو شمااز تعلیم نظا می بی بهرهو ازتربیه ودانستن امورحربیو فهمیدناصول‌تعرض ومدافعه آگاه وباخبر نباشیم وقبل از و قو ع واقعه در صددعلاجآن نبر آییم . نخوا هیم‌توانست که یك مقابله در ستی با دشمن بکنیم.

خدمت عسکر ی در واقع عمـــلکرد ن است به همین آیه شریفـــه (وجاهد وا با موا لکم و انفسکم فیسبیل الله) و فایده رسانید ناست برای اسلام و نو ع انسا ن وملتومملکت خویش . بهتریـــن چاره و وسیله یی که برای تعمیم تعلیم‌نظامیوکثرت خدمات عسکر ی در دنیای موجود سنجید ه شده همانا همین‌طریقه نفوس است که درنظا منامه آن توضیح یافته است).

وگفت : (در مسایل زکو تبرای‌شما تاکید ز یاد می کنم تا بتوانید هرساله قرار فرمود ه پروردگا ردراعطا یزکو ت اموا ل خویشـــ بکوشید).

وگفت : (مقصد از فرضیت زکوت آن است تاماوشما ز کوة اموال خود مان را هرساله برای رفاه وآرامی فقرا وغربا،وبینوایان وبیچاره گان مملکت خود بدهیم).

امان الله شاه ـ در خصوص فواید زکوت وواردات قندهار سخنان زیاد گفت و خطبه اول را خاتمه دادودر خطبه دوم بعد حمد و نعت ومنقبت بزبان عربی گفت : (حالادعا می کنم که خداوند برای ماوشما وتمام ملت افغان توفیق نصیب کند تابرای خیرو بهبود عالم اسلام خصوصا افغانستان خدمت کنیم وسبب بیداری مسلمانهایی که به خواب غفلت رفته اند ماو شما شویم).

وادعیه خالصانه بسیاری درحق عالم اسلام نمود ودر اخیر گفت : (الهی پنجه های خونین دشمنان شرف و عزت افغانستان و عالم اسلام را از لطف ومکر متی که با مادری از سرما دور گردان و تمام تشبثات معاندانه شان رانا کام ثابت بگردانی).

غازی امان الله شاه ـ صبح یکشنبه (بیست و سه) عقرب ۱۳۰٤ شمسی از قند هار به قصد کابل حرکت نمود .

غازی امان الله شاه ـ درخصوص احترام مقام خرقه متبرکه واقع در قندهار فرمانی به عنوان متولی ونایب الحکومه قند هار نوشت و در حفظ و نگاهداری آن مقام مقدس وحقوق ارباب تولیت وو جه صدقات و نذورات تاکید فرمود .

محمدحق آخند زاده متولی دربرج حمل سال ۱۳٤۱ شمسی به نگارنده این کتاب (عزیز الدین و کیلی پوپلزایی) حکایت نمود که فرمان دستخطی غازی امان الله شاه درنزدما موجود است .

اهداء پوش جدید

برای صندوق خرقه شریفه

سرور سلطان علیا حضرت سراج الخواتین ـ والده غازی امان الله شاه ـ در برج میزان سال ۱۳۰۴ شمسی ـ به همراه پسر بزرگ ونابغه خود دریك روز وارد قندهار گردید . و به تاریخ (نزده) میزان یعنی در روز اول ورود خود به قندهار ـ به زیارت خرقه شریفه نبویه (ص) مشرف گردیدو پوش خیلی زیبا و نفیسی را که در کابل بامصارف و دقت نهایت زیاد درتحت نظر خود باین حسن نیت و حرمت تهیه نموده واز کابل احتراماً باخود به همین عزم خالصانه برده بود ـ به آن بارگاه مبارك مقدس اهداء نمود .

وبعد ادای آن مراسم در صحن میدان پیش روی دالان زیارت خرقه شریفه و هم در طول جاده آن بارگاه که تعداد زیادی از قندهاریان برای ادای احترام استاده بودند علیا حضرت معظمه موصوفه نطقی نمود و گفت :

(عزیزا ن من !الحمد لله که بعدازبسیار آرزو ها چشمم بدیدار تا ن روشن شد وو طن خود قند هارراديد م . بعض شما برای من بمنزله عمو و بعضی بمثابه برادرا نوبعضیاولاد می باشید . وازین گر مجوشی شما اظهار بسیار ممنونیت می کنم.

برادرا ن من ! عالم اسلام‌ازاتفاق‌ترقی کرده بود و رخنه هایی کــه دشمنا ن دین‌ما و شما دربین‌اسلام‌پیداکردند از نفا ق است بایدپوره حس کنیم تاهمان اتفا ق برپا گردد وخاك پاك‌افغانستان که‌برای‌ماوشما اولاد وطن امید ترقی و تعا لی‌داردبه تعالی برسد . شکر گذار م‌خداوند خودرا که‌به کوشش های جوانمردانهٔامان الله فرق بسیار پیداشده‌است. از خداوند کریم طول عمرش رابرای‌خدمت شما ملت‌افغانستا ن میخواهم باقی از خالق خود التجا می کنم که‌چنان اعمال در دنیا از شماعزیزان ظا هر شود که روز محشر بحضورخداوند سرخ رو باشید).

* * *

عبدالعزیز خان وزیر دا خله(ابن معاذ الله خان بارکزایی ازبنی‌اعمام علیا حضرت موصوفه) کلمات‌علیا حضر ت صا حبه را با دقت‌استماع نمود ه و به زبان پشتو باآوازبلندبه عموم حاضرین بیان می نمود .

علیا حضر ت موصو فه دفعه دوم‌دردهه اخیر برج جـدی سال۱۳۰۷ شمسی وارد قند هار گردید و دراول ورود به زیار ت خر قه‌شریفه مشر ف شد و بسیار صد قا ت ونذورا ت نمود .

شرفیابی امان الله شاه به زیارت خرقهٔ شریفه

در ایام قبل وبعدازسفرآسیا وارو پا

غاز ی امان‌الله شاه به تاریخ‌چهارشنبه (هشت) قوس سا ل۱۳۰٦ شمسی وارد قندهار گردیدو صبح‌جمعه (هفده) قوس ۱۳۰٦ شمسی‌از روضه با غ(مقام خر قه‌شریفه)به‌طرف قلعه جدید حرکت نمود. در ایا م هشت روز اقامت در قندهار دوبار جمعه (ده قوس) و جمعه (هفده) قوس به زیار ت خر قه‌مطهره‌مشر ف شده ادعیه خالصا نه درحق عالم اسلام وافغا نستان نمود . وبعد ادای مراسم احترا م به آن‌زیارت گاه مبار ك و مقدس ـاز گروه‌علماواتقیاء که اهل تولیت نیز حاضر بـودند دعا گرفته به سفر دوازده‌کشور آغاز نمود .

بعد طی سفر آسیا و اروپاازطریق‌هرا ت به تاریخ (پنج) برج‌سرطان سال ۱۳۰۷ شمسی‌وارد شهرقندهاروپس از اند ك استراحت به زیار ت

خرقه حضرت سیدلولاك (۱)صلی الله علیه و علی آله واصحا به‌وسلم مشر ف شد و بانهایت احتـــرام‌وتعظیم وادعیه و شفقت ومر حمت باحوا ل اهل تولیت‌آن آستا ن‌وعموم‌علما و سادا ت نطق موثر نموده‌از مرام سفر خود چنانکه دربرج قوس‌سال گذشته بیا ن کرده بود ، از گزارش سفر خود شر ح‌داد وگفت:

اگررو ی دنیا را بگردیم ازیـن‌سعاد ت بیشتر نمی یابیم کـــه بحمدالله تعالی مسلما ن و بدیـن‌وایمان خود کاملا پابند و پیـــر و حضرت خیرالبشر و ختم المرسلین‌می باشیم و این حسن اعتقاد مـــا باین خر قه معظمه براساس هما ن‌صد ق دیانت است که قرآن کریم به ما کافه عالم اسلام ارشـــا دفرموده است :

(وما محمد الا رسو ل قد خلت من‌قلبه الرسل) ـچو ن‌ما به حبل ـ المتین دین مبین دست زده‌ایم‌وایمان‌واعتقاد کامل داریم امیدواریم که‌در اساس و بنیاد هستی اسلامی‌وافغانی‌ماهیچگا ه ضعف ومذلت نخوا هـد رسید چرا که خداوند بز رگ (ج)خود حافظ وناصر اسلام است :

وبه فرمود ه حضر ت سید عالم(ص) مو من کامل کسی است کــه آزار او به همسایه نرسد . مـــاحقو ق همسایه گی را در همه‌وقت رعایت کرده ایم ومی کنیم . وازین‌سفر تجر بتی که آموخته‌واندوخته ام اینـکـه افغـا نـستا ن دارای‌ا ستقلا ل را همه جهان به حیـث مسلما ن حقیقی و پابند تمام آ ن‌رسوم نیف دینی ومذهبی واعتبا ر عنعنات افغانی‌آن می‌شناسندوخوب تر نیزشنا ختند. زنده‌بادافغانستان

---

(۱)لولاك اشار تست به (لو لاك‌لما خلقت الافلاك) به معنی اگر نمی بودی توالبته‌نه‌پیدا می کردمی افلاک‌را ـ واین حدیث قدسی اســتو حدیث قدسی آنرا گویند کـــه آن حضرت «ص» رابه خواب و حـــی رسیده باشد .

وپاینده‌باد استقلال آن و شادوآبادبادملت مسلمان آن .

ازخدا خواهیم توفیـــق اد ب　　　بی ادب محرو م ماندازفضل رب

* * *

یاصب الجمال یاسید البشر　　　من‌و جهك المنیرلقد نور القمر

لایمکن الثسناء کماکان حقه　　　بعدازخدابزرگ تویی قصه‌مختصر

* * *

بلغ العلی بکما له　　　کشف الد جی بجما له

حسنت جمیع خصا له　　　صلوا علیه و آلــــه

ده نماز جمعه درمسجد جامع

خر قه شریفه

امان الله غاز ی ـ به فتــــوا ومشور ت عمو م اقوا م قند هارکه از تاریخ پنجشنبه (**بیستو هفت**)برج جدی سا ل ۱۳۰۷ شمسی تــا پنجشنبه (٤) بر ج دلو سا لمذکوردرسلامخا نه قند هار ادا مه یافت.
بنا بدر خواست مردم مجددا قبولپادشاهی نمود . زیرا که اقوا م قندهار خلع اورا از سلطنـــــتوپادشاهی برادر شن عنایت الله خان را نه پذیر فتنند و را یعمو مـــی بدان قرار گرفت که امان الله شاه مجددا اعلان سلطنت نمایدوبا خــذبیعت از مردم حاضر شود .امان الله شاه از مرد م بیعت و عهد موکــــدبه سوگند گر فت و گفت: سلطنت من همیشه دولت و سلطنتاسلامیشرعی بود و حکومت قانو نی گذشته من ازرو ی نظا ماتی که نشرکردهامپوره معلو م میشود و الان همبعین اساس ومطابق به مقتضیا تاسلامیوافغا نی و به طوری که همیشه در این جا مع خر قه شریفه بیانکرده ام جاری بوده و عهد میکنم کهجدا

واکیدا پیرو جمیع احکا م دیـــــن حضر ت سید المر سلین بوده در حفاظت اساسا ت دین وخاك وطن واستقلال کامل آن تاد م آخرین و مطابق به مشور ت شما مردم مسلمان خدمت کنم . اهالی قند هار مجددا بیعت کردند و روز جمعه (پنج) دلو۱۳۰۷ شمسی در خطبه نماز جمعه در مسجد خرقه شر یفه نام امان الله شا ه خواند ه شد (وچنانکه رو ز جمعه (بیست و هشت) جدی درخطبه نماز جمعه نام هیچ یك پادشاه ، خواند ه نشده بود).

امان الله شاه در همین روز بعداداى نماز جمعه در جامع خر قـــه شریفه مطابق رای واتفا ق علمـــا ومشایخ واهل تولیت خر قه شریفه وعمو م بزرگا ن اقوا م قند هارمصمم لشکر کشی به طرف غز نی وکابل گردید .

مخالفین در اواسط برج دلو سا ل۱۳۰۷ شمسی از جلوس ثانی امان- الله شاه ومراسم مسجد جا مـــــع خرقه شریفه خبر یافتند ودر پی آن شدند که از کابل تاکلات موانـــــع ایجاد کنند .

امان الله شاه از تاریخ پنجشنبه اول حمل سا ل۱۳۰۸ شمســـــــی (نه شوال المکرم ۱۳٤۷ق) با عزام عساکر به طر ف کلات و مقروغزنی آغاز فرمود وخود به تاریخ سه شنبه(شش) حمل ۱۳۰۸ شمسی به زیارت خرقه شریفه شتا فته دعا نمود .

یعنی امان الله شاه از تاریخ جمعه(بیست و هشت) جدی سال ۱۳۰۷ شمسی تا روزجمعه (نه) حمـــــل۱۳۰۸ شمسی نماز های جمعه رادر مسجد جا مع خر قه شریفه درقندهارادا می نمود وادعیا ت وموعظـــا ت اودر حق عالم اسلام وافغانستا ن جار ی واز رو حانیت حضر ت سرور کائنا ت (ص) برای خیرو بهبودحال واستقبا ل افغانستا ن استمداد می جست .

اول شوا ل المکر م سنه ۱۳٤۷هجری قمر ی یعنی اول عید سعیــد

فطر که بروز چهار شنبه (بیست‌وسه)بر ج حــو ت سا ل ۱۳۰۷ شمسی تصاد ف نمود .امان‌الله شاه‌نماز عید را به همراه شهر یـــان قند هار ادا نمود و موعظا ت‌خیلی‌سود مند فرمود ومرد م رابه اتحاد واتفا ق‌کامل تو صیه وهمان گفتارهای سابقه خودرا تکرار نمود .

وخلص باید گفت که : ازبرکا ت‌هــمان حسن نیات بودکه خودش‌و خاندانش از میان آتش نجات یافته‌به امانت وسلامت گذ شتند و تـــا آخرین لحظا ت حیا ت از حال‌واحوال‌ملت مسلما ن افغانستا ن غافـــل نبود . در کعبه مظمه وهمه جا دعا‌نمود .

به تاریخ یکشنبه (٦) حو ت‌سال ۱۳۰۷ش(چهارده رمضان۱۳٤۷ق- بیست‌و چار فبروری ۱۹۲۹م)خرقهٔ شریفه نبو یه (ص) از زیار تگاه آن برآورده بانظار علماء، ســـا دات، مشایخ و به حضور اهالی قندهار جلوه داده شد . واز آن تاریـــخ اهالی قند هار قصد لشکر کشـــی برای طرد قوا ی جهل نمودند .

پوش صندوق خرقهٔ شریفه

پوش صندو ق مبار ك خر قـه‌معظمه در مرور دو صد وبیست و پنج سا ل چند بار با مصار ف وحسن علایق و دقت زیاد از طر ف دولت افغانستا ن تر تیب و تجدید شده‌است .و در دفعا ت اخیر یکبار در سا ل ۱۳۰٤ شمسی از طرف علیاحضرت والد ه غازی امان الله شا ه و دفعه دوم در سال ۱۳۲۸ شمســی از طر ف دولت افغانستا ن تجدید شده است .

یاد داشت :

خر قه شریفه در شهر صفــــرالمظفر سنه ۱۱۸۲ قمر ی به ولایت ورد ك پر تو و صول بخشیدودروازهٔ نوری محل خر قه شریفه هنوززیادت گاه است . ود رهمان شهر صفــرالمظفر سنه ۱۱۸۲قمر ی (جو لا ی ۱۷٦٥م) به شهر غز نی پر تـــووصو ل افگند و به تاریخ نهم ربع الاول ۱۱۸۲قمر ی۔ اگست۱۷٦٥م) به شهر جدید قند هار پر تووصول وبرکات بخشید .

القاب متولیان خرقهٔ شریفه

مرد م عر ب ـمتولیا ن خر قــه‌متبر که رابه لقب شیخ یاد کرده‌اند وبعد از انتقا ل خر قه‌معظمه از بغدادبه ماوراء النهر (سمر قند)به‌خطاب خوا جه و جمع متولیا ن خواجگا ن یاد شده اند و تا سا لیا نی‌که این امانت نهایت بزرگ‌در خطه‌بدخشان‌پرتو نزو ل داشت .

مبتولیا ن آن به لقب خوا جگا ن‌مشهور و موصو ف بودند (سنه ۱۱۸۱ هجری قمری).

بعد از انتقاًل به خطه زیبا ی‌کابل وو صو ل به قندهار قهرمانـ امپرا تور بزرگ افغا نستا ن احمدشا ه در درا ن به حسب اصطـــلاح قبایل محتر م قندهار که علمــــا وروحانیو ن آن دیار راآخو ندواولاد واحفاد عالمان بزرگ راآخوند زاده‌می ستایند .

برای اهل تولیت خر قه مشرفه‌متبر که که اصلا از ارغسا ن وا ز خانواده روحانی و به احتمال قوی‌درسفر میمنت اثر بدخشا ن (سنه

۱۱۸۱ق) و شرف حمل و نقل‌خرقه‌شریفه (دوبرادر عبدالحق‌و مولاداد پسرا ن حا جی ملا شکر ابن حا جی‌ملا زلال) همراه بودند ـاز تا ریـخ (بیسـو شش) محرم الحرا م سنه‌۱۱۸۳قمر ی آخو ند زاد ه لقـــب داد ه و جمیع افراد این خانواد ه‌اهل تولیت به خطا ب آخو ند زاده موصو ف‌و تاحا ل(برج جـو زا ی‌سا ل ۱۳٦٦شمسی ـ شـــو ا ل ۱٤۰۷ قمر ی) به‌همین خطا ب‌اتصاف‌دارند . ودر تمام ار قا م‌واحکا م دولت و حکومت افغانستا ن به‌همین‌خطاب بزرگ آخو ند وآخو ندزاد ه یاد شده‌اند .

وتر جمه آن القا ب ازین قـــراراست :

۱ـشیخ‌به معنی خوا جه‌و پیر .

۲ـخوا جه به معنی خدا و ندودرملك تورا ن (یعنی ماوراء النهروهم ولایـــات شمـال ا فغا نستـان)القا ب سادا ت است .ودر بعض فرهنگ ها خوا جه به معنی وزیردانسته اند واین لفظ تر کی است. وبهر صور ت لقب بزرگ وبرا ی‌بزرگا ن علم واد ب وورع‌و تقـو ی استعمال شده و میشود .

۳ـآخو ند ـبه معنی استادومعلم .

چون خاندا ن متولیا ن قند هار ی‌شانزد ه نفر ایشا ن بشر فـادای فریضه حج‌نایل شده اند و هم‌صفت‌علمیت و رو حانیت دارندو هـــم اینکه‌ازسنه ۱۱۸۲ق تاسنه‌۱٤۰۷ق‌پیوسته به خدمت تولیت آن زیارتگاه بزرگ نسلا بعدنسل خدمت کرده‌اند. حقوق علمیت و فضیلت‌ایشان تا امروز در نزد مردم مسلما ن‌افغانستا ن معنا و هم رسما بهر دوره حفظ و حرمت شده است .

خاندان متولیان خرقهٔ شریفه

در قندهار

برای اینکه سلسله نسب افرا دخاندا ن متولیا ن خر قه مشر فــه مطهر ه در قندهار دراین رسالـــه‌تاریخیه ثابت بماند ـ فهر ستی را که دربرج حمل سا ل ۱۳٤۱هجری شمسی در خودآن زیارت واز زبان چند نفر موسفید آن خانواده‌شنیده‌ودر قید مسودا ت آورده ام دراین صحیفه تصریح میدارم :

آخوند زاده حا جی عبدالحق وآخوند زاده مولاداد پسرا ن حا جی ملا شکرابن حا جی مـلا زلال ا زقبیله یعقو ب زایی طایفه الکوزایی در عهد احمـد شاه در درا ن د رقندهار میز یستند . به تاریـــــخ (۲٦) محر م الحرا م سنـه ۱۱۸۳هجر ی قمر ی .حاجی عبدالحـــق الکو زایی‌به‌قرار فر مان آن‌امپراتوربزرگ افغانستا ن‌برتبه رفیع‌المرتبه تولیت خر قه متبر که‌واقع‌در قندهارمقرر گردید . واو درســنه ۱۲۱٤ هجر ی قمر ی و فات یافت‌ودرهمین‌سنه پسر ش حا جی حفیظ الله به فرما ن امپراتور زمانشا ه برتبـــه‌رفیع ا لمر تـــبه تو لیت خرقــه



مولوی حاجی عبدالحق آخوندزاده سر متولی خرقهٔ شریفه (قندهار) وهیأت ارباب تولیت در برج حمل ۱۳٤۱ شمسی

متبر که مقرر گردید. ونام هـــای پسرا ن و نواده گان آن دو مرد با
فضیلت دراین سلسله نگا شتـــــه میشود .
از آخوند زاده حا جی عبدالحـق چهار پسر ـ حا جی حفیظ الله ـ حاجی
نعمت الله ـ ملاولی محمد ـ حا جی عبدالغیا ث ، به جا ماندند .
از حا جی حفیظ الله ـ حا جـــی عبدالوها ب واز و ی حا جی محمد
نعیم و ازو ی حاجی غلام قا درآخوندزاده وار ث شدند .
از حا جی غلام قادر چهار پسر :
غلام حیدر ـ محمد صدیق ـ عبدالرحمن ـ محمدنبی ـ بجا ماندند .
از ملا غلام حیدر آ خوندزاده پنج پسر :
محمدنعیم ـ عبدالکریم ـ فدامحمدولی محمد ، عبدالمنیـــر ، وار ث
شدند .
از محمد عثما ن آخو ند زاد ه محمد صدیق وازو ی حاجی عبدا ـ
لحمید وازو ی حاجی عبدا لرزا ق وارث شد .
(واین شخص اخیر به عمرهشتادسالگی تابرج حمـل سا ل ۱۳۴۱
شمسی حیا ت داشت).
از محمد صدیق آخو ند زاده(ابن حا جی غلام قادر) سه پسر :
محمد رفیق ـ حبیب الله ـ عبید الله ـ وار ث شدند .
از عبدالر حمن آخو ند زاد ه چهارپسر :
خیر محمد ـ عبدالله ـ خلیل الله ـ محب الله ـ وارث شدند .
از خلیفه محمدنبی آخو ند زاد ه(ابن حاجی غلام قادر)دوپسر :
شرف الدین ـ محمد سعید ـ به جاماند .
(خلیفه محمدنبی آخو نـد زاد ه شا م (نزده) ثور ســـال ۱۳۶۶
شمسی در دا خل زیار ت خر قـه شریفه بدر جه شهاد ت رسید).
از حا جی نعمت الله آخو ندزاده حاجی محمد اعظم وازو ی حا جی

محمد سرور وازو ی ـمحمدصاد ق ومحمد اسمعیل ـ وارث شدند .

از محمد صاد ق آخو ندزاد ه دوپسر : محمد عمر ـ صالح محمد ، وارث شدند .

از محمد ا سمعیل آخوند زاده سه پسر:

محمد اسحق ـ محمد مو ســی، عبدالستار ، بجا ماندند .

از حا جی رحمت الله (ابـــــن حاجی عبدالغیا ث آخو ند زاد ه) حاجی محمد رفیق وازو ی حا جــی محمدحق آخو ند زاده وارث شد .

(واین شخص اخیر در برج حمل سا ل ۱۳٤۱ شمسی به قید حیا ت وصحت وبزرگ وسر کرد ه هیا ت متولیا ن خر قه شریفه شنا ختـــه میشد).

* * *

آخوند زاده حا جی عبدالحــــق متو لی ـ در سنه ۱۲۱٤ قمر ی وفات یافت ودر حصه تخته پل ارغسا ن بخا ك سپرده شد ـ مر قد مر حوم نمایا ن و بنا م زیار ت سفیــــد مشهور و زیارتگا ه است .

حا جی مولا داد آخو ند زاد ه (ابن حا جی ملاشکر)در علاقه میل واقع قریه مدد خان اچك زا یی مدفو ن است .

این شخص رتبه تولیت ندا شت واما اینکه از اهل علم و عر فا ن در عهد احمد شاه بزرگ وهم اینکه سوابق خر قه شریفه را ضمــــن مکتو بی از جنا ب میا فقیرا للـــه شکار پور ی سوا ل نموده بــــود اسمش در ماخذ مانده است .

علی جا ن آخوند زاده ـ متو لی خرقه شریفه که مردعالم ـ متصو ف ومتقی بود به تاریخ جمعه (پانزده)شعبا ن المعظم سنه ۱۳٦۱ قمر ی در قندهار و فا ت یافت .

دفن حکمران قندهار

در محوطه خرقه شریفه

سردار محمد امین خان حکمران قندهار که خدمتگار خرقه نبویه واخلاصمند اهل تولیت آن زیارت بود درسنه ۱۱۸۲ قمری وصیت کرده بود هروقتی که فوت شوم مرا در زیر ناوه بام زیارت خرقه شریفه دفن کنند که آب بام این زیارت بالای قبر من بریزد. مذکور به تاریخ سه شنبه (یازده) شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۲ قمری در ترنک کلات در جنگ کشته شد. جنازه اورا در قندهار نقل دادند کسانی که وصیت او را، شنیده بودند، درآن روز حاضر نبودند وسایر نفری اورادر صحن میدان سمت شرق خرقه شریفه بخاك سپردند.

یعنی مرقدی که در پیش روی دالان خرقه شریفه دیده میشود قبر سردار محمد امین خان برادر سکه امیر شیر علی خان است که دیر وقتی حکمران قندهار ودر تعمیر وترمیم شهر و مقابر تا حد توان خدمت کرده بوده وخود را ازخدام اهل تولیت خرقه شریفه می دانست.

حکمنامه‌ها درخصوص وظیفهٔ متولیان خرقهٔ شریفه

سردار محمد امین خان حکمران قندهار نوشته است :

(عالیجاه ناظر امیر محمد خان به‌عافیت باشد ! مبلغ یك تومان وهشت صد دینار برات نقد از بابت مالیات هذه السنه پیچی ئیل و جوه دکاکین عوض و ظیفه متولیان خرقه‌مبارك رسانیده مجرا و محسوب دانید تحریر فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۷۷)

(محمد امین)

در پشت ورق حکمنامه مذکور سه مهر کوچك دارای این عبارات موجود است :

۱ـ عبدالعلی

۲ـ سیدنور محمد

۳ـ صوبه سنگ ـ سنه مهر ۱۲۹۳

* * *

حکمنامه دوم

(درین وقت در خصوص یك تکه زمین میان جوی شاه واقع

مزر عه که در تصرف متولیـــا نخر قه شریف میباشد بدون و ظیفه متولیا ن عمد ه سر کار که مالیه‌آن‌تعلق سر کار دارد همان تکه‌مذکور سه حصه می باشد ـ دوحـصه ازفیضلت پنا ه ملا فصیح الله آخوند زاد ه می باشد احد ی از متولیا ن‌وغیر ه غرض ودخل نداشته باشید به زمین نامبرد ه اختیار زمین خودرا خود دارد .

به قرار سر رشته .... تحریرفی‌شهر ذیقعد ه سنه ۱۲۷۵)

(محمد امین)

سردار محمد امین خان حکمرا ن‌قندهار که در شهر ربیع الاول‌سنه ۱۲٦۷ قمر ی دریکی از اسنا دمهرکرد ه نقش مهر او باین سجع بوده است :

نو شته است کلك قضابر نگین که شد در دو عالم محمد امین

* * *

در شهر ذیقعد ة الحرا م سنـــه۱۲۷۸قمر ی امیر دوست محمدخان وارد قند هار شد ــو سر دار محمداسمعیل خان ابن سردار محمدامین خان را به حکومت قند هار وسیدنورمحمد شاه پشیینی را به‌نیا بتش گماشت . و ملا عبدالسلام خان ابـن‌ملامحمد سعید خان را به قضا ی قند هار مقرر نمودو قاضی موصوف‌در خصوص خر قه شریفه‌وثیقـــــه نوشته که نقش مهر وعبار ت اواین‌طور است :

خاك پای تو یارسو ل انا م سرمهٔ هر دوچشم عبدالسلام
۱۲۷۲

(قبض دارد و قبو ل نمودمتولیان‌خر قه مبار که براینکه مبلغ سیزده توما ن هشت هزا ر نهصدو هفتاددینار و نودو پنج تومان نه هزار ده دینار برا ت غله عوض و ظیفـــــه‌هذاه السنه تخا قو ی ئیل سال‌مرغ به قرار سا ل مذکور به معر فت‌کار کنا ن دفتر واصل دعا شو ند فی شهر صفر سنه ۱۲۷۸).

امیر عبدالرحمن خان با احترام خرقه شریعه (قندهار) حکمنامه‌یی باین عبارت نوشته است :

(داکی های تنها نه ده حاجی وغلام جان آخند زاده و عطا محمد بارکزایی و بهاء الدین قرین صحت باشد ـ در خصوص سیورسات عبدالله جان آخند زاده مالکی سوخته که آنچه حصه سیورسات آخند زاده مذکور از داکی هامیشودنامبرده را غرض ودخل نداشته واگذار باشید . چرا که آخندزاده‌مذکور از سیورسات معاف ومرفوع القلم بودند ومی باشند ـ لازم آنکه‌سیورسات شمارا دیگر جای بشما عوض میدهیم وزیاده طلبی نکنید.درین خصوص تاکید دانید تخلف نورزید .

(تحریر فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۲) .

«مهر حکم علاقه قندهار »

(امیر عبدالرحمن)

حکمنامه ثانی

(ملا زمان سرکار و ملکان قریه‌پایمال را واضح خاطر باد !

در خصوص احمد جان آخندزاده‌وغلام قادر آخند زاده متولیان زیارت خرقه مبارکه‌که در قریه‌مذکور سکونت دارند کاغذبه مهر حکومتی سابقه بدست دارند که‌بدون مالیه از دیگر تکالیفات مثل سیورسات و جرم مقتول که ازمردم سکنه قریه مذکور سابق ازین مبلغ تحویل شده خلاص میباشند . لهذا الحال نیز مرقوم میشود که به آخند زاده های‌مذکوراز بابت سیورسات تکالیفات غرضدار نشده واگذار باشندومالیات‌خود هاراز قرار رجه دفتربه‌حواله دارسرکار والا میرسانند .ازبابت‌سیورسات‌ودیگر غرضدارنشوید.

.درین با ب تاکید دانید فقط تحریریوم شنبه شهر صفر المظفر
۱۳۱۳)

(مهر حکم علاقه قند هار)

(امیر عبدالر حمن)

۱۳۱۲

سفار ش خط ها در باب‌متولیا ن‌خر قه شریفه

از عهد امیر عبدالر حمن خا ن‌سند ی بدست آمد واین طورنوشته است :

(عالیجا ه محمدابرا هیم خا ن‌ضابط ، عالیحضر ت میرزا علیخا ن خان نو یسند ه بندر تخته پـل‌قرین صحت باشید . دراین‌و قت محمد اسلم آخند زاد ه وعطا محمدآخند زاد ه و حاجی ده وپاینده‌خیل سوخته اظهار نمودند که مایا ن ازقدیم الایا م مرفوع القلم می‌باشیم که هیچو قت با لای مایا ن‌سورسات‌وجغا ت انداز و حوا له نشده‌اکنون برا ی خاصه دار های تخته پـل‌از مایا ن سورسا ت می گیرند . اگرچه قیمت میدهند لاکن بـالای‌مایا ن تکلیف میشود . لهذاتحریر می شود که از اقوام پنج نفر دیگرجنا ت کش های آنجا تحقیق‌کنید هرگا ه چنین باشد که همه سا له‌معا ف بوده‌اند هوش کنید هر گا ه صحیح باشد خوا هان نشو یـدوهر گا ه خلاف باشد از قراراظهار الوسا ت آن که احوا ل اینهابرا ی‌آنها مشخص باشد درست نظـر آوری کنید . هرگا ه به واقعی‌باشدغرضدار نباشید و جه هم میدهید غله رابرا ت خود که سپا هی می‌گیرید چگو نه خلق الله رابجورانید فقط تاکید داند تحریر ۲۳ شهـرصفر المظفر سنه ۱۳۱۲).

مهر : جلال الدین

مهر: عبدالقادر

واقعهٔ شهادت درمقام

خر قه شریفه

تاریخ خر قه شریفه متبر کــــه حضرت فخرعالم رسول اکرم صلی ـ الله علیه و سلم را که در شهرجدیدقند هار از سنه ۱۱۸۲ هجری قمر ی تا این سنه ۱٤۰۷ هجر ی قمری پرتونزول وبرکا ت دارد بحو ل وقو ۀ حضر ت بیچو ن جل شانه و تاییدمفخر کاینا ت علیه افضل التحیا ت حبیب خدا (ج) محمد مصطفی (ص) نو شتیم ـ و صحا یف این رساله متبر که پر از اسناد ومدا ر ك مفصلاومتدر جا از نظر اهل دیانت گذشت وعمو م اربا ب خبر ت واهل حسن عقید ت دانستند که صحا یف تاریخ وطن مقدس خود مان را دفعه دو م به تذکار خر قه شریفه زینت فخــر و شرف بخشیدیم واین عطیه پا ك پروردگا ر است که به ما مردم مسلما ن افغا ن توفیق ارزا نی فرموده است.

واما مضمونی که در تاریخ خرقه معظمه از مرور یکهزا رو چهارصد سا ل تا امروز قطعا وابدا تکـرار نگردید ه فقط صحیفه واقعه هائلـــه روز شنبه (نزده) برج ثور سا ل ۱۳٦٦ هجر ی شمسی (مطا بــق یازد ه ر مضان المبار ك سنه ۱٤۰۷ هجر ی قمر ی است .)

که از اثر نهایت ظلم وو حشت وقساو ت قلب عده یی از دشمنا ن دین اسلام و شر فونا موس ملیافغانستا ن به ظهور آمده واقعــهٔ شهاد ت خلیفه محمد نبی متو لیخرقه مشر فه متبر که در شهــر قندهارمتصل مقامخرقه حضرتسیدالانا م است که قبل از و قت ادا ی نماز شاً م و افطا ر ماه صیا مبوقوع رسیده که خبر این واقعه هائلـه نه تنها باعث نارا حتی عالم احیاءبلکه اروا ح پاك صلحا کرا م عالـم امواتـ رانیز بیقرار گردانید .

چرا که قد م ناپا ك دشمنـــا ناسلام باین انداز ه جسا ر توخیانت در محو طه مقدسه زیار ت یعنـــیمسجد و حریم مقا م خاص خر قــه نبو یه پیش گذ اشتن و مر تکبچنین عمل خیانت و جنایت بز رگ شد ن سببـ نارا حتی عمومـمسلمینرا در همه گو شه های دنیا بـــار آورد .

وبرادرا ن دور از وطن مـــا ا زشنید ن چنین واقعه نسبت به ماکه در خاك مقدس وطن ساکنو متمرکزهستیم ــ بیشتر منزجر و ناقرا ر گردید . چراکه افغان در همه جـاافغا ن است . وافغا ن دین ووطن خودرا هیچگا ه فرا موش نمیکند .

* * *

خلیفه محمد نبیشهید (ابنالحاجغلامقادر ابن الحا ج محمد نعیم ابن الحا ج عبدالوها ب ابن الحا ج حفیظالله ابن الحا ج عبدالحق ــ ابـــن ملازلال) که شخص عا لم ــ امام ــخطیب ، واعظ ، صو فی و متو لی ، واین خانواد ه از مرور دو صد وبیستو پنج سا ل به خدمــتذ ی شرافت مر تبه تولیت خر قه نبو یهومسند نشینی آستا ن آن مقـــام سعاد ت و شرا فت سر انجا م د رقندهار از پدر ، پدر به صو ر ت خاندانی و مورو ثی باین کســبشرف مطابق و موافق بارقا م دولت کا ملا مستقل افغانستا ن افتخــا رخدمت وادا ی حسنامانت دارند .و خود خلیفهموصو ف تا آخرین لحظهادا مه حیا ت باین شر ف خد مــت دینی و اجتماعی اتصا ف داشت .شرح این قصه جانسو ز واقعـــه

شهادت آن اگر که بزرگترین مرتبه یی را در عالم آخرت کماهی کرد، و لی در تاریخ خرقه شریفه شرحی از واقعه شهادت وی به جا گذاشت که هیچ یك مسلمان ومخصوصا ملت افغان در هیچ یك زمان فراموش نخواهد کرد.

وچون هر فرد نیك دیانت وراستی عقیدت از مطالعه این سطور پررنج و فتورتکان میخورد ـ درپی آن میشود که در جستجوی کشف این جریمه که قلوب مسلمین راجریحه دار ساخته است. برای همیشه در پی فعالیت هر چه تمامتر واخذ انتقام از دشمن دین وناموس تا بعین حضرت سید المرسلین باشد.

(وجاهد و با موالکم و انفسکم فی سبیل الله)

وبنا ملت نیك دیانت افغانستان عموما ومردم دلیر قندهار مخصوصا که در شرف تولیت وخدمت پر موا ظبت آستان مقدسه خرقه نبویه و محافظت اطراف آن بارگاه اولیت دارند ـ این عهده بزرگ را فراموش نکرده از دشمن دین ووطن و استقلال انتقام این جسارت وخیانت قتل نفس مسلمان عالم وواعظ رابگیرند.

زیرا که تشخیص دادن دوست از دشمن دراین مرحله حساس تاریخ از وظایف دینی و فرایض اخلاقی هر فرد دیانت شعار افغانستان آزاد و مستقل و بی طرف غیر منسلك است. و کافه مردم دیانت شعار این خطه مقدسه بایدقلبا مصمم این همه جهد و مساعی جدی در همه امصار و اقطار ودیاربوده در برابر دشمنان اسلام که برای قتل و تباهی مسلمین ارتکاب میدارند ـ جدا قیام واقدام ورزند وشرف های دینی و اجتماعی اسلامی خودرا از دستبرد حوادث و جبر روزگار تا حدی که نیرو و توان دارند با استعانت از فضل ومرحمت آفریدگار دانای توانا، حفظ نمایند.

وچنانکه مرحوم غازی امان الله شاه فرموده است: بعدازمسجد نبوی (ص) در مدینه طیبه این مسجد جامع خرقه شریفه درقندهار است. این حرف آن مجاهدبزرگ ورهبر اولی العزم معظم افغان را

لا إله إلا الله محمد رسول الله

عزیز الدین وکیلی پوپلزائی تحریر نمود   کابل سال ۱۳۶۶ هجری شمسی

هدیهٔ خرقهٔ شریفه (قندهار)



عزیز الدین وکیلی پوپلزائی– بتاریخ ۲۵ برج حمل سال ۱۳۴۱
شمسی بالای ضریح مبارک انتقال دهندهٔ خرقهٔمبارکه‌درحق آنخدمتگار
عالم اسلام دعا وتهنیت‌میفرستند.

تصدیق و تایید میداریم . چرا کـه‌بنیا ن گزارا ن ادوار پر افتـــخا ر قند هار هست و بود خودرا در راه‌جهاد فی سبیل الله و حفظ نا موس وطن صر ف کرد ه‌اندو پر تووصول‌خر قه شریفه‌در مرکز قند هار قهر مان ـیکی از آن نشا نه های ثبو ت‌فدو یت مرد م قهر ما ن افغان در برابر کشاکش روز گار است: واین‌شهید خر قه شریفه ـ از جمله آن شهدا یی است که در بهارســا ل۱۲۹۸ شمسی و سنوا ت پیشتراز آن د رراه‌حر ز نا موس اکبر جان‌سپرده اند .

(رحمته الله تعالی علیهم اجمعین)

عزیز الدین و کیلی پو پلزا یـی‌قند هاری

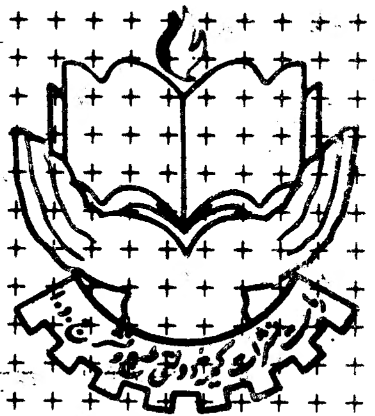


ماخذومدارک

زندگانی تیمور ـ تالیف شرف الدین علی یزدی ـ
مکتوبات میا فقیر الله شکارپوری ـ
تاریخ احمد شاهی ـ تالیف محمود الحسینی ـ طبع مسکو
تاریخ بدخشان ـ تالیف سنگی محمد
تاریخ سلطانی ـ تالیف سلطان محمد خالص
سراج التواریخ ـ تالیف فیض محمد کاتب
تیمور شاه درانی ـ طبع سال ۱۳۴۶ ـ تالیف و کیلی پوپلزایی (انجمن تاریخ)
خرقه شریفه ـ طبع سال ۱۳۴٦ ـ تالیف و کیلی پوپلزایی (انجمن تاریخ)
پراگنده ـ کتاب مولفه محمود طرزی ـ طبع مطبعه عنایت ـ کابل
کلکسیون سراج الاخبار افغانیه ـ کابل
کلکسیون جریده امان افغان ـ کابل .
کلکسیون جریده طلوع افغان ـ قندهار
وثایق ـ فرمانها واحکام دولت افغانستان مربوط خرقه شریفه ـ قندهار
دیوان اقبال ـ طبع هند
کلکسیون تصاویر ـ مناظر داخلی وخارجی خرقه شریفه
غزنه در دوقرن اخیر ـ تالیف عزیز الدین و کیلی ـ طبع سال ۱۳۵٦ .
سفر های غازی امان الله شاه تالیف عزیز الدین و کیلی طبع سال ۱۳٦٤
احمد شاه وارث مجدد امپراتوری افغانستان د ردو جلد ـ تالیف عزیز الدین و کیلی پوپلزایی.

ابراز سپاس

مرکز تحقیقات علوم اسلامی از کارمندان محترم مطبعه دولتی هریک همایون یوسفی ، عبدالبصیر ، عبداللطیف ، محمد محسن، عبدالمحمد ، شیر محمد، فضل الرحمن ، محمد قاسم، محمد عظیم ، قربان جان ، محمد طاهر و محمد انور که در زمینه چاپ و نشر این کتاب مارا یاری رسانیده اند ، از صمیم قلب ابراز امتنان میدارد ، صحت و سلامتی دایمی نصیب شان.



مطبعه دولتی

نمبر مسلسل: (۲۳۳)



نمبر مسلسل (۲۳۳)

مطبعه دولتی